

یک نمونه عالی ایثار

همه روزها عاشورا و همه سرزمین ها گریلاست

● روز جمعه دهم محرم سال ۶۱ هجری قمری حسین بن علی امام سوم شیعیان ، دوستان پدرش (علی بن نوه پیغمبر اسلام و فرزند امیرالمومنین علی را با ۷۲ تن یارانش در سرزمین "حاضر" یا غاصریه " که بعدها " گریلا" نام گرفت ، به فرمان یزیدبن معاویه خلیفه اموی ، و به دستور عبداللهمن زیاد والی عراق و به فرماندهی عمرابن سعد شهید ساختند و شمر بن ذی الجوشن ضبابی از روسای قبیله هوازن حسین بن علی را شخصا سربرید . پس از این فاجعه ، عمال یزیدکه به حق " اشقیاء " نام گرفتند آتش در خیمه گاه خاندان حسین و یارانش افکندند و خاندان حسین را به اسارت از عراق به شام (سوریه) که تختگاه خلیفه بود بردند و سرهای شهیدان را بر نیزه ها حمل کردند . مبارزه حسین بن عی بر ضد یزید جنبه اصولی داشت از آنجا که معاویه که خود غاصب مقام خلافت بود ، آن را به وراثت به فرزندش یزید سپرد ، حسین بن علی زیر بار این بدعت نرفت و

بقیه در صفحه ۱۷

انقلاب سوسیالیستی انگلیز

آغاز عصر جهانی زحمتکشان

در صفحه ۱۸

خلق مصر

پسایمی خیزد

در صفحه ۵

انتخاب موسوی به نخست وزیری رأی اعتماد به خط امام برای غلبه بر دشواری ها

براستی دیگر هیچ عذری برای به تعویق انداختن خواست های
حقه محرومان کشور وجود ندارد

در صفحه ۲

سالگرد تسخیر انقلابی مرکز جاسوسی امریکارا گرامی میداریم

پایگاه اقتصادی امپریالیسم را هم

تسخیر کنیم

● بازگان ، دانشجویان خط امام را " دانشجویان
خط شیطان " نامید و بنی صدر گفت که :
" من از ابتدا با گروهان گیری مخالف بودم " !

در صفحه ۳

بیانه مشترک

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چگونه بر دشواری های تثبیت ، تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمندان چیره شویم ؟

● انقلاب شکوهمند ضدسلطنتی ، ضداستبدادی ، ضدامپریالیستی و مردمی ما که به رهبری قاطعانه و سازش ناپذیر امام خمینی پیروزی های عظیمی را نصیب خلقهایمان ساخته است ، اکنون بیش از هر زمان دیگر همکاری و همگامی و همفکری همه نیروهای انقلابی را می طلبد . وحدت عمل همه نیروهای راستین انقلاب ضرورت گریز ناپذیر هر انقلاب و از آن جمله انقلاب شکوهمند ماست .

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به عنوان یک جریان فکری و اجتماعی که در راه استقلال و آزادی و تامین هرچه وسیع تر عدالت اجتماعی به سود کارگران و زحمتکشان و همه مردم محروم و ستمکش میهنمان پیگامی کنند با ارائه یک تحلیل مشترک که حاصل مشاوره و همفکری دو جانبه است ، گام شایسته ای در این راه برداشته اند . سازمان ما امیدوار است که این اقدام که چاره جویی های مشترک ما را برای غلبه بر دشواری های انقلاب منعکس می کند ، با استقبال همه نیروهای راستین مدافع انقلاب مواجه گردد و در عمل راه همکاری گسترده همه مدافعان انقلاب را هموار سازد .

در صفحه ۸

تسخیر کنیم

تساورات امپریالیسم امریکارا زحمتکشان را فریب ندهیم

انتخاب موسوی به نخست وزیری رأی اعتماد به خط امام برای غلبه بر دشواری ها

مهندس سید میرحسین موسوی که با ۱۵ رای موافق ۳۹ رای مخالف و ۴۸ رای ممتنع از مجلس رای تمایل گرفت اکنون نخست وزیر است مردم به خاطر دارند که شهید رجایی او را علیرغم رشکینی ها و مخالفت های بی در پی بنی صدر، وزیر خارجه کابینه خود کرد و موسوی در مدتی کوتاه توانست وزارت خارجه را که در تیول جاسوسان سیا، سنجایی ها، یزدی ها، قطب زاده ها و بنی صدرها بود، در مداری شایسته انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی میهنان قرار دهد. انتخاب نخست وزیر جدید موسوی کسی که اعتقاد دارد " محور اصلی سیاست خارجی و داخلی ما ضد آمریکایی است " یک بار دیگر نشان داد که رئیس جمهور و اکثریت مجلس که در مجموع به خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی وفادارند، به درستی جایز نمی دانند که اقدامات بنیادین اقتصادی و اجتماعی به سود محرومان جامعه و در مسیر تکامل و شکوفایی جمهوری اسلامی بیشتر از این به تاخیر افتد و این خود مهمترین نقطه امید همه نپروهای وفادار به انقلاب است با این حال آقای موسوی در دورانی زمام امور را بدست می گیرد که انقلاب ضد - استبدادی، ضد - امپریالیستی و مردمی ایران با مشکلات بسیاری روبرو است.

۱ - تشدید اقدامات تجاوزگرانه امپریالیسم

رویدادهای جهان به ویژه در منطقه، نشان می دهد که امپریالیسم جهانی به

سرکردگی امریکا، تهاجم خود را علیه جبهه جهانی انقلاب که انقلاب شکوهمند مردم ما، یکی از مهمترین جبهه های آن است تشدید می کند. امپریالیسم را جنون جنگ فراگرفته است امپریالیسم در این خیال است که " یک پایمان دهشتناک به از دهشت بی پایان است " امپریالیسم جهانی، دندان های خود را بیش از هر جای دیگر برای میهن انقلابی ما تیز کرده است و با کمک نوکران تسلیح شده خود در منطقه، نقشه براندازی قهرآمیز انقلاب ما را تدارک می بیند ریگان رئیس جمهور آمریکا از کاخ سفید جنگ و دندان نشان می دهد و میتران و ناچر هیرمان فرانسه و انگلیس، دوان دوان خود راه خاورمیانه رسانده اند تا زمینه دخالت امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا در خلیج فارس و در قلب آن، ایران را فراهم آورند. آنان به خود نوید داده اند که:

" رژیم ایران ۲۰ سال (۱۹۸۲) را پشت سر نخواهد گذاشت و ... دولت نظامی در ایران مستقر خواهد شد هیچ با پیشروی تمام به دنیا اعلام می کند که : " سیاست آمریکا در مورد ایران موجب روی کار آمدن یک رژیم میانه رو که سازگار با منافع و ارزش های آمریکا باشد خواهد شد (۱)

جنگ تحمیلی صدامی آمریکایی نیز، گرچه از نظر سیاسی عملا شکست خورده از نظر اقتصادی لطمات جبران ناپذیری به انقلاب ما زده است و کیست که نداند بسته شدن جبهه تجاوز صدامی، بر اساس طرح های امپریالیسم در زمان مناسب با جبهه های دیگری و با

صدام های دیگری که نظیرشان در منطقه خلیج فارس و خاور میانه کم نیستند، جبران خواهد شد. در همین رابطه است که میتران رئیس جمهور فرانسه پس از انقلاب با " شیون پرز " صهیونیست که در آستانه سفر میتران به عربستان سعودی انجام گرفت می گوید :

" در مذاکرات ما عمدتاً اوضاع خاورمیانه مورد بررسی قرار گرفته است " و از سوی دیگر ناچر همکاری دو جانبه با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج را اعلام کرد و گفت :

" انگلستان هم اکنون ساز و برگ جنگی به برخی از کشورهای عضو شورای همکاری (بخوان مرتجعین خاورمیانه) تحویل می دهد و امیدوار است که کشورش سفارش های دیگری نیز دریافت کند "

آری، امپریالیسم جهانی که به خود نوید یک ایران وابسته، یک خلیج فارس وابسته، یک خاورمیانه وابسته، یک " جهان سوم " و تمام نیروی خود برای نیل به هدف شیطانی تلاش می کند. و همانطور که آقای موسوی نخست وزیر بدرستی اعلام کرد :

" آمریکا می خواهد با جواز خود را برای دخالت مستقیم در امور منطقه مطرح کند " از سوی دیگر تحریم اقتصادی ایران از طرف دنیای امپریالیستی روز به روز وسعت بیشتری می گیرد. همپس اوایل مهمترین شرکتهای نفتی با تحریم نفت ایران، و در حقیقت با نیت کمک به براندازی جمهوری اسلامی میزان آلودگی جبهه جهانی ضدانقلاب را برای مقابله با

انقلاب ما به نمایش گذاشت اینها همگی جوانب یک توطئه هستند، توطئه جبهه جهانی ضدانقلاب برای درهم کوفتن جبهه انقلاب به زبان دیگر، " این فقط ترانه ای است تازه که با آهنگی قدیمی خوانده می شود " آهنگ جهانی خواران و این ترانه به همراهی جبهه جهانی ضدانقلاب در حال اجرا است.

خرابکاری ها و غارتگری های ملاکین و سرمایه داران

در حالی که به سومین سال پیروزی انقلاب نزدیک می شویم هنوز بسیاری از اهرم های تعیین کننده در مجموعه اقتصاد کشور، به ویژه در گستره مبادلات اقتصادی در دست کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان وابسته به امپریالیسم و بخش سرمایه داری لیبرال است، که از این اهرم ها بیشترین استفاده را در جهت تحقق نقشه های شوم امپریالیسم جهانی علیه انقلاب ایران، به عمل می آورند. اینان چهره های رنگارنگی دارند که همگی در خدمت یک هدف است. مقابله با جمهوری اسلامی ایران و سرنگونی آن. اینان دیروز همانطور که حجت الاسلام ری شهری رئیس دادگاه های ارتش مدتی پیش فاش کرد، در ارتباط با کودتای نوزدهم بودند و امروز گروهی دیگر، زیر ماسک های گوناگون به مقابله با انجام برنامه های اصلاحی بنیادی اعلام شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برخاسته اند. در کنار این وابستگان مستقیم امپریالیسم

گروهی از مراجع و روحانیون مدافع کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی که اگرچه خود را ظاهراً پیرو خط امام می دانند، لیکن به نام اسلام با هرگونه مقابله با حاکمیت سرمایه مخالفند و با جنگ و دندان مانع از اجرای آن دگرگونی های بنیادینی شده اند که می تواند پشتیبانی توده های وسیع مردم رنج دیده را از جمهوری اسلامی ایران تضمین کند.

به این ترتیب مردم زجر دیده ما برای حل هر یک از مشکلاتی که فراروی دارند با سرمایه داران غارتگر و واسطه های انگل و بزرگ مالکان غاصب و خونخوار و بیگاری و تورم و ۰۰۰ روبرو هستند. هزارها جوان در خیابان ها قدم می زنند و به جای آنکه بدر سازندگی بکارند یا اسیر ضدانقلابیون می شوند و یا خیلی که مقاوم باشند در کج خانه ها نگران چمپاته زده اند. و چنین است که زن های خانه دار با چندرغاز پول در کیف، که حاصل زحمت شبانه روزی شوهرانشان است، از کنار میوه های فراوان، گوشت فراوان، و اغذیه های رنگارنگ می گذرند و تنهابه نگاهی و آنگاه خرید چند نان اکتفاء می کنند.

خوشختانه هم، رئیس جمهور در نخستین پیام خود وهم نخست وزیر جدید در سخنرانی هایش نشان دادند که به این واقعات تلخ آگاهی دارند. بدون تردید با توجه به این واقعات است که رئیس جمهور اعلام کرده است که :

" مجلس باید حدود فعالیت بخش های دولتی، خصوصی و تعاونی را سریعاً معین کند و نخست وزیر جدید، کمک همه جانبه مردم می تواند دولت را یاری دهد که در مقابل مشکلات اقتصادی بایستد و آنها را حل کند و زمینه های شکوفایی اقتصادی کشور را فراهم کند و بتواند در جهت احقاق حقوق مستضعفین و یاری رساندن به آنها و پرکردن گودال های وحشتناک طبقاتی در کشورمان گام بردارد "

پاسخ تاریخی امام به سؤال رئیس مجلس نیز تمام دست آویزهای مغرضینسی که تحت پوشش مذهب به کسار شکنی در کارها برخاسته اند را کوتاه ساخته است. برآستی دیگر هیچ عذری برای به تعویق انداختن تأمین خواست های حقه محرومان کشورمان وجود ندارد. خط امام هم اهرم های حاکمیت را در

بقیه در صفحه ۴

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

سالگرد تسخیر انقلابی مرکز جاسوسی امریکا را گرامی میداریم

پایگاه اقتصادی امپریالیسم راهم تسخیر کنیم

"... دانشجویان مسلمان و مبارزی که لانه جاسوسی را اشغال کرده‌اند ، با عمل انقلابی خودشان ضربه‌ای بزرگ بر پیگر آمریکای جهانخوار وارد نمودند و ملت را سرفراز کردند (امام خمینی)

اشغال جاسوس‌خانه این شعار " مرگ بر آمریکا " بود که شعار اصلی تداوم انقلاب شد از این پس ، یورش همه‌جانبه به سلطه آمریکا نقطه پیوند همه نیروهای خلق گردید توده‌های میلیونی مردم حول شعار " مرگ بر آمریکا " بسیج شده و به خیابان‌ها آمدند. آگاهی ضدامپریالیستی در بین مردم عمق پیدا کرد و تا دورترین نقاط ایران رسوخ یافت در طول این مدت نفرت ضدامریکایی مردم میهنمان چنان بالا گرفت که در ادامه خود ، عملا برای آمریکا هیچ راهی جز آشکار کردن ماهیت خصمانه‌اش نسبت به آنها و انقلابشان باقی نگذاشت و این نفرت و این آگاهی امروز تا بدان حد بالا رفته بقیه در صفحه ۲۰

بسیج توده‌ها زیر شعار " مرگ بر آمریکا " دشمن اصلی ما " اگر پیش از پیروزی انقلاب بهمن ماه شعار اصلی جنبش شعار " مرگ بر شاه " و زمینه اتحاد و تشکل نیروی انقلاب ، تعرض به نظام پوسیده سلطنتی بود ، پس از

حماسه‌آفرین را گرامی می‌داریم و با ذکر این نکته که خدمات این مبارزان راه استقلال و آزادی به رزم سترگ مردم قهرمان میهنشان هرگز از یادها نخواهد رفت ، به برخی دستاوردهای مهم آن مختصرا اشاره می‌کنیم :

خیمینی تا هواداران سوسیالیسم علمی تشکیل می‌دادند. اینان همه بر آن بودند که آزادی مردم ایران تنها با مبارزه قاطع و پیگیر علیه رژیم سلطنتی شاه دیکتاتور ، و قطع سلطه سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و نظامی امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکای جنایتکار میراست . و یا ناسودی کلان‌سرمایه‌داران و بسوزرگ مالکی در راه تامین منافع محرومان راه باید سپارد . پس از پیروزی انقلاب در بهمن ۵۷ که دولت در چنگ هواداران طیف اول یعنی طرفداران راه سازش و تسلیم قرار گرفت ، انقلاب در دام " راه‌حل‌های " سازشکارانه آنها گرفتار آمد و کار بدانجا رسید که دولت موقت هیچ آسایشی ندید تا رسالت انقلاب شکنانه خود را از زبان سخنگوی خود امیرانظام جاسوس چنین اعلام کند : "... (باید) که روال کار به صورت عادی و همان سیستم گذشته برگردد " اشغال جاسوس‌خانه ، عکس‌العمل شایسته هواداران راه دوم ، راه انقلابی تحت رهبری امام خمینی نسبت به سیاست‌های سازشکارانه فوق بود که دولت موقت را به زیر کشید و توسن انقلاب را دوباره به حرکت درآورد . این اقدام با تایید یکپارچه توده‌های دهها میلیونی مردم ایران مواجه شد و شعار " مرگ بر آمریکا " را بر زبان‌ها جاری کرد . و به قول امام خمینی : " انقلابی بزرگتر از انقلاب اول " آغاز شد تسخیر جاسوس‌خانه آمریکا در واقع سرآغاز مرحله دوم از انقلاب شکوهمندان گردید که رهایی کامل از سلطه امپریالیسم را آماج اصلی خود قرار داده بود . ما در دومین سالگشت عمل قهرمانانه دانشجویان خط امام خاطره اقدام تاریخی این انقلابیون گمنام اما

مشخصات دوستان و جاسوسان امریکا و سیاست امپریالیسم را بشناسیم

مهدی بازگان می‌گوید: " علی‌امسی را فردی پس‌پوش می‌دانم اگر امریکا هر ساله‌ای داشته باشد روی سادسلط و مطمحلت ادیبی است! "

جرا مرکز جاسوسی آمریکا تسخیر شد؟ چرا نخست وزیر منتخب امام سقوط کرد؟

صمیمانه کار شما ۳۹

چهارشنبه ۵ دیماه ۱۳۵۸

جرا بازگان از دوستان و جاسوسان

مهدی بازگان می‌گوید: " سیاست آمریکا دفاع می‌کند؟ "

علی‌حضرت نادر دست گرفتن امور خود را خسته و کوفته کرده، یکت نفر جقدر وقت پیدا می‌کند که به همدا‌امور برسد (۹) روزها، بازگان گودنشین ها، زاغه‌نشین ها و ساکنین حلبی آبادها را قلدر و دزد و قاچاقچی می‌نامند.

وزنه افشای سرمایه‌داران لبرال دوسان و جاسوسان امپریالیسم امریکا

نکته ۱۶ دیماه ۱۳۵۸

آیت‌الله شریعتمداری کیست؟ و چه می‌خواهد؟

خلق ما آیت‌الله شریعتمداری را هرگز دوست خود بشمارانند و در دست حربه جمهوری خلق مسلمان دست‌نشانده امپریالیسم امریکا مورد حمایت قتل آیت‌الله شریعتمداری است

نشانه سرمایه‌داران لبرال، در پیشگاه خلق

تا بود یاد سرمایه‌داران لبرال

آنها اند که بیست هشتاد و مقام خلق کمبخت ها و سایر انقلابیون و همبخت ها که تئوریهای سوسیالیستی خلق می‌کند آنها ولی سواران ضد امپریالیسم بودند اوج می‌کرد، تلاش می‌کند پس مردم نعره درآید

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

انتخاب موسوی...

بقیه از صفحه ۲

دست دارد ، هم پشتیبانی دلسوزانه و فداکارانه مردم را آقاسی رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر نیز مطمئن باشند هرگام مثبت و هر اقدام مفید ایشان در راه تسریع انجام این اصلاحات با پشتیبانی فعال همه نیروهای راستین انقلاب از جمله سازمان ما مواجه خواهد بود .

بر مجموعه این مشکلات ، باید مسائلی را که ناشی از ندانم‌کاری‌ها ، اشتباه‌کاری‌ها و قشری‌گری‌هاست نیز افزود .

کمال تأسف بعضی از عناصر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران چه در میان چهره‌های شناخته‌شده و چه آنها که در پس پرده و یا حتی در مقیاس‌هایی بسیار کوچک عمل می‌کنند ، با

برخورد‌های ناصحیح خود بر کوه دشواری‌ها افزوده و می‌افزایند و هر روز گروهی را به خیل ناراضی‌ها هل می‌دهند . عده‌کـمـرـدن

مسائلی از قبیل حجاب‌زنان ، تصفیه و پاکسازی‌های غیر - قانونی و ایجاد جوی نسا - مطمئن برای ابقار بینابینی جامعه وضع را برای

اینگونه افراد به صورت بسیار دشواری درآورده و به جای جوسازندگی ، فضای ترس و عدم همکاری و عقده و کینه را بر بخش‌های گوناگون جامعه حاکم کرده است

احکام ناعالادنه ، شتابزده ویا مفرضانه‌ای که بهترین مدافعان انقلاب و جمهوری اسلامی را به جوخه اقدام سپرده است و محدودیت‌های

بکلی غیرقابل توجیه و بسیار زیان‌باری که در راه فعالیت سایر نیروهای انقلابی ایجاد شده ، ضربه سنگین و جبران‌ناپذیری به انقلاب وارد آورده است .

از این برخورد‌های ناصحیح ، دشمنان آگاه و دوستان ناآگاه بهترین بهره‌برداری را برای تفرقه در صفوف مردم و ایجاد مقابله‌های فرسایشی و خانگی کرده‌اند و می‌کنند .

حال آنکه تنها بابرخوردی انقلابی ، منطقی و همواره انسانی ، می‌شد و هنوز هم می‌شود که از پراکندگی صفوف خلق جلوگیری به عمل آورد و

بدین‌وسیله جبهه انقلاب را روئین‌تر کرد . تصحیح این برخورد‌ها نیز خود نوعی مقابله با دشمنان انقلاب است .

در چنین شرایط دشواری که رئیس‌جمهور جدید و نخست‌وزیر جدید کار خود را شروع کرده‌اند ، یگانه راه روبرویی با این دشواری‌ها اتحاد میان همه نیروهای راستین هوادار انقلاب ، هوادار استقلال و آزادی توده‌های زحمتکش مهن ما و اجرای دگرگونی‌های بنیادی در نظام اقتصادی و اجتماعی کشور است

بار دیگر تأکید می‌کنیم که انجام این دگرگونی‌ها ، که اینک به‌تنها داروی لازم برای نجات انقلاب بدل شده است

مستلزم شناخت دقیق دوستان و دشمنان انقلاب در عرصه داخلی و در گستره خارجی است انقلاب ما از تکیه دانسته و نادانسته بر دشمنان دوست‌نما ضررهای

بسیار دیده است در حقیقت دوران پراهمیت و حساسی از انقلاب ما صرف خنثی‌کردن اعمال و اقدامات دشمنان دوست‌نما شده است و کاش در همین حد نیز

مصرف تصحیح رابطه با دوستانی می‌شد که به علت اقدامات خرابکارانه این دشمنان به صورت ناصحیح و یک‌جانبه‌ای درآمده است .

جبهه جهانی ضدانقلاب در عرصه‌جهانی از آغاز کوشیده است تا اولاً چهره دوستان انقلاب را مخدوش کند و ثانیاً با تراشیدن دشمنانسی

موهوم برای انقلاب ، توان انقلابی ما را مصروف خنثی کردن دشمنی‌هایی سازد که وجود ندارد ، آن هم در همان حالی که به ذره ذره این توان برای مقابله با همین جبهه ضدانقلاب ، به

سرکردگی امریکا نیاز وافر داشتیم و داریم . در عرصه داخلی نیز وابستگان ضد - انقلاب و لیبرال‌ها به صور گوناگون کوشیدند . تا با باز گذاشتن دست وابستگان رژیم گذشته در تنگنا قرار دادن هواداران انقلاب ، گردان

یکی از خطرناک‌ترین - خبیثانه‌ترین حیل‌هایی - بوده است که برای یوساندن

انقلاب از درون بکار برده شده است لذا اینک با طرد لیبرال‌ها از حاکمیت سیاسی

انقلاب را از یاران وفادار آن خالی سازند و پایه‌های انقلاب را بر دوش کسانی گذارند که به یک اشاره امیرالیسم شانه از زیر این بار خالی می‌گردند . این

مقابله جدی با اشکال گوناگون سنگ‌اندازی در راه پیشروی انقلاب ، چه از سوی دشمنان شناخته‌شده انقلاب باشد ، چه از سوی دوستان نادان ، این چرخ را به راه اندازید . نگذارید آیین ماشین زنگ برند . آن را به راه اندازید ، تا ببینید که در پرتو صدای دلنواز گردش چرخ‌های انقلاب ، چه نواهای ملکوتی که نخواهید شنید .

و با توجه به گرایش‌های درست در سیاست خارجی ضروری است که به ترمیم این خرابی‌ها بپردازیم و این زخم‌ها را التیام بخشیم آری ، انقلاب شکوهمند ما ظرفیتی باورنکردنی دارد پتانسیل انقلابی خلق‌های محروم ما از هر قوه محرکی برای به گردش‌انداختن چرخ‌های انقلاب قوی‌تر است آقای رئیس‌جمهور ! آقای نخست‌وزیر از این نیروی عظیم استفاده کنید و با

تلگرام دانشجویان هوادار سازمان در هند به سفارت جمهوری اسلامی ایران - هند

ما ضمن اعلام آمادگی خود جهت مقابله با توطئه‌های امپریالیسم رژیم عراق همبستگی خود را با تظاهرات دانشجویان انجمن‌های اسلامی در مقابل سفارت عراق اعلام می‌داریم

امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا با طرح توطئه‌های گوناگون قصد سرنگونی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی را دارد . امروز امریکای جنایتکار در مقیاس جهانی نیروی اصلی ترور و وحشت می‌باشد . با آغاز جنگ تحمیلی رژیم صدام علیه انقلاب شکوهمند ایران مردم قهرمان و همیشه در صحنه ما به همراه رزمندگان جان بر کف جبهه‌ها توانستند با حماسه‌آفرینی‌ها و قهرمانی‌ها یکی دیگر از توطئه‌های شیطان بزرگ آمریکا را درهم شکنند .

در حالی که مزدوران رژیم بعث عراق در خاک میهن عزیزمان ایران شهرها و مناطق مسکونی و روستاها و بیمارستان‌ها و مدارس را زیر رگبار گلوله می‌گیرند و از هیچ عمل غیرانسانی ای‌بی ندارند ، عوامل تروریست رژیم صدام در خارج از کشور نیز دست از جنایت‌کاری‌های خود برنداشته و در دهلی‌نو تظاهرات مسالمت‌آمیز دانشجویان انجمن‌های اسلامی را به رگبار گلوله می‌بندند و عده زیادی را مجروح می‌نمایند تا شاید به خیال خود بتوانند صدای حق‌طلبانه انقلاب ما را خاموش نمایند .

آنها به بعث می‌بندارند که می‌توانند با این اعمال تروریستی چهره انقلاب ما را لوث نمایند . امروز مردم قهرمان ما وهمه نیروهایی که به دفاع از انقلاب برخاسته‌اند ، و در راه تعمیق این انقلاب می‌کوشند ، در هر گوشه‌ای از دنیا که باشند صدای انقلاب ایران و صدای " مرگ بر آمریکا " را به گوش جهانیان خواهند رساند .

ما ضمن محکوم نمودن این عمل تروریستی مزدوران رژیم بعث عراق به آنان هشدار می‌دهیم که آنی از دفاع از دستاوردهای انقلاب کوتاهی نخواهیم کرد و توطئه‌های گوناگون آنها را در نطفه خفه خواهیم کرد .

ما ضمن اعلام آمادگی خود جهت مقابله با توطئه‌های گوناگون امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و رژیم بعث عراق همبستگی خود را با تظاهرات دانشجویان انجمن‌های اسلامی در مقابل سفارت عراق را اعلام کرده و از سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران انتظار داریم که با پیگیری، عاملان حمله مسلحانه به این تظاهرات را تحت تعقیب قانونی قرار داده و چهره کثیف این مزدوران به اصطلاح دیپلمات را در سطح افکار عمومی جهان افشا نمایند ما نیز به نوبه خود با ارسال تلگراف‌ها و نامه‌ها به وزارت امور خارجه و وزیر کشور هند ، از شهرهای پونا ، بنگلور ، لودیانا ، چندیگر ، علیگر ، پهویال ، جبل‌پور ، میسور ، مدراس ، دهلی ، حیدرآباد ، خواهان هرچه سریع‌تر اقدام به دستگیری و محاکمه این مزدوران شده‌ایم

دانشجویان هوادار سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سراسری هند . رونوشت جهت اطلاع به اتحادیه‌های انجمن‌های اسلامی دانشجویان هند . روزنامه‌های : جمهوری اسلامی - کیهان - کار

منافع اقتصادی خود و بازپس گرفتن مواضع درهم کوبیده شده‌اش ، به حرکت درآمد .

وناگساره :

یک خائن بر تخت نشست

همانطور که اعلام برپا شدن انقلاب در ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۲ یک نقطه تحول در تاریخ نوین عرب بود ، خبر درگذشت ناگهانی عبدالناصر یک چرخش جدید ، ولسی ارتجاعی را در تاریخ نوین عرب اعلام کرد .

ناپدید شدن جمال عبدالناصر از صحنه حوادث و فقدان ریشه‌های عمیق توده‌ای برای خط ناصر ، بی اعتقادی پیروان این خط مشی به دمکراسی برای توده‌های مردم و تمایل به تسویه حساب با جناح‌های افراطی راست و چپ و از بالا و بدون اتکا به توده‌ها ، همه اینها به جایی رسید که حل اختلافات در داخل صفوف دولت به زبان پیروان خط مشی ناصر تمام شد .

در ۵۱ ماهه ۱۹۷۱ ، پس از یک ضربه محکم از طرف نیروهای راست به رهبری انورسادات ، پیروان خط ناصر از رهبری دولت اخراج شدند و تمام قدرت در قبضه یک اتحاد ارتجاعی از فئودالها و بزرگ سرمایه‌داران طفیلی (کمپرادور) درآمد .

به رهبری این اتحاد ضد مردمی خط مشی خیانت ، خیانت به مردم مصر و مردم فلسطین و کلیه خلقهای عرب آغاز گردید .

و به رهبری این اتحاد ارتجاعی ، جنگ اکثر با خیانت رژیم سادات به مبارزه مردم مصر و به خون شهدای آن پایان یافت و امپریالیسم با انحصارهایش با ناوگان و ارتش ، بازگشت تا در دره نیل و سینا و غیره در اراضی خلق عرب ، در جایی که ارتجاع برکرسی قدرت نشسته است مستقر گردید . سادات سر تسلیم در برابر اسرائیل فرود آورد . در زمانی که میلیون‌ها تن از مردم مصر در خطر مرگ از گرسنگی قرار دارند ، خون از زخم لبنانی - فلسطینی همچنان جاری است

برکت این وحدت ، حکومت دست‌نشانده در بغداد سرنوشتی شد با سرنوشتی نوری سعید ، اتحاد هاشمی در اردن و پیمان تجاوزکارانه بغداد از هم پاشید .

- سال ۱۹۶۱ عبدالناصر نیروهای خود را برای کمک به انقلاب یمن اعزام داشت .

- سال ۱۹۶۲ با کمک همه جانبه و مستقیم عبدالناصر ،

ارزشمند رژیم عبدالناصر در خلال ۱۸ سال حاکمیت خط مشی او در عرصه همسنگی عرب عبارت است از :

- پشتیبانی از خلق سودان تا سرنوشت خود را طبق قرارداد استقلال سودان (۱۹۵۲/۲/۱۲) تعیین کند

- پشتیبانی از انقلاب الجزایر ، که در سال ۱۹۵۴ برپا شد و سرآغاز یک جنگ

در راه تکامل اقتصادی و اجتماعی دوران تحولات انقلابی در مصر و جهان عرب ، مشت‌ها بود که یکی پس از دیگری بر دهان خون‌آشام امپریالیسم و صهیونیسم می‌خورد .

انقلاب مصر ، نمونه یک انقلاب ضد امپریالیستی

علیرغم وجود اسباب در

در زیر خلاصه‌ای از مقاله روزنامه "الاتحاد" ارگان حزب کمونیست اسرائیل ، درباره اوضاع مصر به اطلاع خوانندگان گرامی می‌رسد . با اینکه مقاله قبل از قتل سادات خائن نگاشته شد ، با این همه مضمون اساسی تحلیل ، به‌ویژه در زمینه مقایسه سیاست مترقی ناصر و سیاست خائنانه سادات نه فقط گمبسته نیست ، بلکه جالب و آموزنده است :

در همان زمانی که (روز جمعه ۱۷ ژوئیه ۱۹۸۱) به مناسبت بیست و نهمین سالگرد انقلاب مصر ، هواپیماهای ساخت آمریکای اسرائیل چندین تن مواد منفجره بر خانه‌های مسکونی بیروت و شهرها و روستاهای دیگر لبنان و بر روی اردوگاه‌های پناهندگان فلسطینی فروریخته و بیش از ۳۰۰ تن را به قتل رسانیدند و ۸۰۰ تن را که اکثر آنان کودکان و زنان و سالخورده‌گان بودند ، مجروح کردند رژیم سادات بهای نفتی را که به اسرائیل می‌فروشد ، بشکهای سه دلار کاهش داد و نماینده سادات در لندن در کنار نماینده اسرائیل و آمریکا قرارداد استقرار به اصطلاح نیروهای بین‌المللی چند ملیتی را در سینای مصر امضا کرد ، تا هواپیماها و زره‌پوش‌ها و ناوهای جنگی اسرائیل ، امکان آن را داشته باشند که مرگ و ویرانی را در لبنان گسترش دهند و مردم فلسطین را از لحاظ جسمی از بین ببرند و نیروهای آمریکایی زیر پوش به اصطلاح نیروهای چند ملیتی ، برای پشتیبانی از اسرائیل در جنگ تجاوزکارانه علیه لبنان و علیه خلق فلسطین در سینا مستقر شوند آیا این است " هدیه " ملت عبدالناصر به خلقهای عرب بطور اعم و به‌ویژه به خلق فلسطین ؟ نه . این هدیه نظام خیانت‌بار ساداتی است به هم‌پیمانانش در "کمپ دیوید" تا حرص خود را از ثروت‌های خلقهای عرب ارضا کند و دراکولای امپریالیستی - صهیونیستی را از نفت و خون مردم عرب سیراب نماید . این آن چیزی است که در دوران سیاه حاکمیت ساداتی می‌گذرد .

اما در دوران ناصر ، دوران شرافت و پیکار ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی و ضد ارتجاعی ، دوران راه رشد غیر سرمایه‌داری و گام برداشتن

خلق مصر پیاپی خیزد

انقلاب الجزایر پیروز شد .

- در سال ۱۹۶۴ مردم سودان دست به قیام زدند .

- حضور ارتش مصر در یمن به پیروزی انقلاب در یمن جنوبی و تحقق استقلال و پیدایش جمهوری دمکراتیک خلق یمن در سال ۱۹۶۷ کمک کرد .

- در ۲۵ ماهه ۱۹۶۹ یک جنبش مترقی در سودان برپا شد .

- در ۱۹۶۹/۹/۱ یک جنبش انقلابی در لیبی صورت گرفت .

هدف تجاوز سال ۱۹۶۷ این بود که یک ضربه خورد کننده به رژیم عبدالناصر در مصر و رژیم جناح چپ بعث جنبش آزادیبخش عرب و جمع دستاوردهای اقتصادی و اجتماعی آن را درهم کوبد و ملی نقشه‌های اسرائیل و امپریالیست‌های پشتیبان آن شکست خورد . وضع در خاور میانه به شکل کاملاً معکوسی تحول یافت . نظام‌های مترقی و صدامپریالیستی در مصر و سوریه پایداری کردند جنبش آزادیبخش ملی عرب پرتوان‌تر شد و مبارزه آن علیه استعمار و فئودالیسم و بزرگ سرمایه‌داری اوج گرفت

روابط دوستی و همکاری متقابل سیاسی و اقتصادی و نظامی با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی گسترده‌تر گردید . شعاع همسنگی با خلقهای پیکارجو علیه استعمار و امپریالیسم به شعار نیروهای ترقیخواه در جنبش آزادیبخش ملی عرب بدل گردید .

مبارزه شدید شد و قطب‌بندی در جهان عرب تسریع گشت . در مقابل تحریک انقلابی توده‌های مردم ، ارتجاع برای دفاع از

طولانی و دشوار بود ، انقلابی که به مظهر انقلابات آزادیبخش در جهان بدل شد و قدرت و توان آنها را برای مبارزه و کسب پیروزی ، حتی به بهای یک میلیون شهید ، به نمایش گذارد .

- عبدالناصر در سالهای ۱۹۵۴ - ۱۹۵۵ علیه پیمان‌های استعماری ، که هدف آنها بزرگ سلطه کشیدن مصر و اردن و سوریه بود ، به پیکار برخاست .

- در سال ۱۹۵۵ عبدالناصر انحصار اسلحه را شکست و راه را برای خلقهای عرب جهت برقرار کردن روابط اقتصادی و نظامی و سیاسی با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در مقابله با تجاوزات امپریالیستی و انحصارهای آن باز کرد .

- ملی کردن کانال سوئز و تجاوز سه‌جانبه علیه مصر در سال ۱۹۵۶ به یکجوشش عظیم انقلابی در میان اعراب منجر شد . مردم مصر با پشتیبانی کارگران عرب که لوله‌های نفت را درهم شکستند و انواع کمک‌ها به مردم مصر کردند ، به پیروزی دست یافت .

- ملی کردن کانال سوئز و پایداری در مقابل تجاوز راه را برای خلقهای عرب و جمع خلقهای کشورهای رشد یابنده برای تصرف ثروت‌های طبیعی خود باز کرد .

- عبدالناصر در سال ۱۹۵۷ نیروهای مصری را کسب داشت تا در مرزهای شمالی کشور سوریه که در معرض یک محاصره استعماری خطرناک قرار گرفته بود ، مستقر گردند .

- در ماه فوریه ۱۹۵۸ وحدت عربی بین مصر و سوریه اعلام شد .

- در ژوئیه ۱۹۵۸ و به

پیش اقتصادی اجتماعی انقلاب آوریل مصر در سالهای نخستین ، این انقلاب فی‌نفسه ، ضربه محکمی بر سیاست نوسو - استعماری و پایگاه‌های آن در خاورمیانه عربی وارد آورد . ملی کردن کانال سوئز ، شکستن انحصار اسلحه ، پایداری در جنگ سوئز و پیروزی در پورت سعید (۱۹۵۶) و شکست دادن تجاوز سه‌جانبه انگلیس و فرانسه و اسرائیل و برون راندن بریتانیای متجاوز از خاک مصر برای بار دوم (۱۹۵۶) ، ساختن سد آسوان و ایجاد صدها موسسه صنعتی در کلوان و غیره ، همه اینها از جمله اقدامات ارزشمندی است که به کارنامه انقلاب عبدالناصر اضافه می‌شود

عبدالناصر از خلیل " تجربه و اشتباه " به ضرورت راه رشد غیر سرمایه‌داری دست یافت (ميثاق وطنی سال ۱۹۶۱) وی بر این اساس صد شرکت خصوصی را ملی کرد . می‌توان ویژگی‌های اساسی اندیشه ناصر را چنین خلاصه کرد :

مبارزه علیه امپریالیسم ، پشتیبانی از جنبش‌های آزادیبخش ملی ، اتخاذ سیاست بی‌طرفی ، گسترش روابط با کشورهای رشد یابنده و کشورهای سوسیالیستی و در راس آنها اتحاد شوروی برچیدن پایگاه‌های اقتصادی امپریالیسم و سرمایه‌داری بزرگ ، درهم شکستن موسسات فئودالی ، ایجاد بخش دولتی و اجرای برنامه‌های رشد و عمران و آبادی .

عبدالناصر و همسنگی عسریستی از برجسته‌ترین اقدامات

با تعقیب و مجازات باند جنایتکار شیت در کرمانشاه از قانونیت دفاع کنید

نیروهای ترقی خواه و مومن به انقلاب حتی مسلمانان انقلابی پیرو خط امام را تنها به جرم مخالفت با اعتقادات و اعمال ارتجاعی و ضدانقلابی خود، پاکسازی، محاکمه، ترور و حتی اعدام می کنند.

ما بیش از همه بر آن نتایج اسفناگیزی توجه داریم که از رهگذر فعال مایشایی چنین جریان هایی در جامعه دامنگیر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. آنچه این جنایتکاران حرفه ای زیر پوشش مبارزه با کفر و الحاد و با نام " حزب الله " انجام می دهند، اجرای یکی از جنبه های مهم سیاستی است که آمریکای جنایتکار برای درهم شکستن انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران طراحی کرده است. آن جنبه از سیاست آمریکا که می خواهد توده های وسیع تری را از انقلاب مایوس سازد و آنان را نسبت به جمهوری اسلامی ایران بدبین کند، هرج و مرج و بی قانونی و ناامنی را گسترش دهد و در راه این گفته امام که " امسال سال قانون است " مانع بتراشد و جلوی تحقق آن را بگیرد.

سال، سال قانون است

وقتی در آستانه سال جدید، امسال خمینی در پیامی خطاب به مردم و ارگان های جمهوری اسلامی ایران، سال جدید را سال تلاش جهت اجرای هرچه صحیح تر قانون اساسی اعلام کردند و مسئولان را از دست زدن به هر عمل خلاف قانون و مسامحه کاری در مقابل قانون شکنان برحذر داشتند، سازمان ما نیز بارها ضمن تاکید بر ضرورت توجه جدی مسئولان به اهمیت این سخن امام آنها را به برخورد پیگیر اصولی و متکی به قانون با جنایتکاران و قانون شکنان فراخواند. وقایعی که در ماههای اخیر در مبین انقلابی ما روی داده است، دیگر هیچ جای تردید باقی نمی گذارد که عناصر منتسب به انجمن های حجتیه که متأسفانه در سطح اجرای رهنمود انقلابی امام شده اند و از این طریق جراحات تازه ای بر پیکر انقلاب وارد آورده اند که بهبود آن جز با تعیین تکلیف قاطع با این جریان های ارتجاعی و ضدانقلابی و تأمین قانونیت انقلابی در جامعه میسر نیست.

امروز بیش از هر زمانی روشن است که پای بندی به قانون اساسی و کوشش جهت اجرای دقیق آن با موجودیت این محافل در تضاد است آنها با اجرای قانون اساسی، اجرای رهنمودهای امام در مورد حفظ موازین قانونی و اطلاعیه ده ماده ای دادستانی مخالفان، چرا که فضای تنفسی آنها، فضای است تروریستی و قانون شکنانه که بر پایه ایجاد نفاق و دشمنی میان نیروهای مدافع انقلاب استوار است. آنها می کوشند تمام اعمال جنایتکارانه و ضدانقلابی خود را به نام نهادهای قانونی جمهوری اسلامی ایران انجام دهند. تا از این طریق انقلاب و جمهوری اسلامی را بدنام کرده و اعمال ضدانقلابی خود را توجیه نمایند. بیاد آوریم که چگونه باند رجوی - خیابانی اعمال چنین جریانی را به پای کل نظام جمهوری اسلامی می توشتند و به وسیله آن هواداران خود را برای مقابله با انقلاب فریب می دادند.

نیروهای واقع بین خط امام هرچه بهتر باید

باند جنایتکار " شیت " پس از شکنجه و قتل فجیع بهروز هاشمی از هواداران فعال سازمان برای آنکه هویت وی فاش نشود، پوست صورت بهروز را گندند. این باند دست در کار جنایات تازه ای علیه انقلاب است.

شقاوت و درنده خویی خود افشاگر ماهیت عاملین شهادت بهروز هاشمی است. پس از کشف جسد، محمود نادری که در مظان شرکت در این جنایت قرار داشت، توسط سپاه پاسداران بازداشت می شود. اما پس از چندی با گواهی دروغین تعدادی از هم مسلکانش مبنی بر اینکه او در روز ربوده شدن بهروز در قم بوده آزاد می شود. و به این ترتیب پیگیری خانواده و دوستان بهروز جهت مجازات عاملین جنایت نظیر موارد مشابه با بن بست مواجه می گردد.

چه کسانی دستگاه تفتیش عقاید به راه انداخته اند

نمونه شکنجه و قتل جنایتکارانه بهروز هاشمی که برای چندمین بار در کرمانشاه تکرار شد در شهرهای دیگر از جمله خرم آباد و کازرون و قزوین نیز اخیراً دیده شده است این نمونه ها که اساساً جنایات عظیم تری مانند انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و دفتر نخست وزیر همیوندی دارد محصول نفوذ تفاله های آمریکا در نهادهای جمهوری اسلامی از یک سو و مشروعیت جریان های ارتجاعی در جمهوری اسلامی از دیگر سو است که مشخصه آنها افراطی گری مذهبی و کمونیسیم ستیزی است.

جریان های مشکوک، ارتجاعی و ضدانقلابی مانند حجتیه و امثال آن با رهبری امام خمینی دشمنی می ورزند، و برخلاف رهنمود امام خمینی که آمریکا را شیطان بزرگ می نامد و از مردم دعوت می کند که همه قلم ها و مسلسل ها را به سوی آمریکا نشانه روند و هرچه فریاد دارند بر سر آمریکا بکشند، شوروی را پیش می کشند تا آمریکا فراموش شود و از زیر ضرب خارج گردد.

حجتیه ها " که گروه هایی مانند شیت شعبه هایی از آن است با تمام نیرو به شکار انقلابیون مشغولند. آنها با امکانات گسترده ای که در اختیار دارند، با در دست داشتن پست های حساسی در وزارتخانه ها، ادارات، مراکز آموزشی، کمیته ها و سپاه پاسداران و با نفوذ گسترده در انجمن های اسلامی علیه انقلاب دست به ناراضی تراشی، تخریب و جنایت می زنند. آنها در راه بی اعتبار کردن انقلاب و جمهوری اسلامی جریان های اصیل هوادار سوسیالیسم علمی، سازمان ما و حزب توده ایران را دشمنان اصلی انقلاب معرفی می کنند. هواداران و اعضای ما را که صدیق ترین و پیگیرترین پشتیبانان خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی هستند می ربایند، شکنجه می کنند و وحشیانه به قتل می رسانند. موقعیت آنها به گونه ای است که آشکارا در ادارات و مراکز آموزشی بدون کوچکترین پای بندی به قانون، قانون شکنی می کنند و ناراضی می تراشند آنها با بهره انداختن دستگاه تفتیش عقاید همه

مستدتهاست که بسیاری از مردم از طریق افشاکاری های نشریه کسار از وجود بانسند جنایتکاری به نام " شیت " در کرمانشاه اطلاع دارند. اعضای جنایتکار این باند که در ظاهر خود را مدافع سرسخت اسلام و دشمن تمام پان های غیر " مکتبی " معرفی می کنند، دارای کارنامه ننگینی است که شکنجه و قتل فعالین سیاسی مدافع انقلاب از جمله آن است با وجود آنکه هیچگونه تردیدی در ماهیت ضدانقلابی گروه شیت وجود ندارد، به واسطه حمایت برخی عناصر ذی نفوذ در نهادهای جمهوری اسلامی این جریان معلوم الحال تاکنون به موجودیت خود ادامه داده و هر زمان جری تر از پیش با سمیت تمام، انقلابیون دیگری را شکار کرده است.

" شیت " از انقلابیون قربانی می گیرد.

گروه " شیت " معمولاً پس از شناسایی قربانی مورد نظر، اقدام به ربودن وی در پوشش افراد کمپته کرده و پس از شکنجه های وحشیانه برای گرفتن اطلاعات مورد نظر قربانی را به فجیع ترین شکل ممکن به قتل می رساند. آنها در گذشته " سعید عقیقی " از هواداران فعال سازمان در کرمانشاه را ربوده و به ترتیب فوق به شهادت رساندند و علیرغم شناسایی عاملین این جنایت امیان ذی نفوذ " گروه شیت " با کار شکنی و تهدید مانع افشاء و دستگیری و مجازات جنایتکاران شدند. از آن موقع تاکنون موارد متعدد مشابهی از آدم ربایی و شکنجه و قتل افراد وابسته به جریان های مدافع انقلاب در کرمانشاه روی داده که در اکثر موارد اعضای گروه شیت عاملین این جنایت بوده اند.

در هفته های اخیر باند جنایتکار " شیت " و جریان های مشابه آن در کرمانشاه از میان صدیق ترین مدافعان خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی قربانیان تازه ای گرفته اند. که در میان آنها بهروز هاشمی از هواداران فعال سازمان بچشم می خورد شرح واقعه بدین ترتیب است که:

در اوایل مهرماه امسال بهروز هاشمی از محل کار خود (مغازه لوازم التحریر فروشی) توسط گروهی که محمود نادری از اعضا گروه شیت نیز جز آنها بوده، ربوده می شود. پس از نزدیکاً به یک ماه تلاش بی نتیجه خانواده و بستگان و دوستان بهروز، سرانجام جنازه بهروز در حالی که چند کلوله به قلب و شقیقه وی شلیک شده و آثار شکنجه های بسیار شدید بر تمام بدن او دیده می شد و تمام دندان هایش بر اثر ضربه خورد شده بود در تبه های اطراف کرمانشاه توسط چوپان هایی که از آن محل عبور می کردند، کشف شد. جنایتکاران برای ایجاد رعب و وحشت و جلوگیری از تشخیص هویت قربانی، پوست صورت بهروز هاشمی را نیز کنده بودند! چنین

آغاز فصل کاشت و مروری بر وظایف و مسئولیت های دولت و نهادهای انقلابی

سوخت مورد نیاز بخش کشاورزی را به موقع تأمین و توزیع کنید

نهادهای انقلابی و ادارات کشاورزی استانها در شهرستانها طی سال زراعی گذشته با کمبودها و نارساییهای تولید کشاورزی و دهقانان زحمتکش به میزان کافی آشنا شدهاند و نیازهای مهم و مبرم و حاشیههای راتشخیص داده و به ضرورت برنامهریزی جهت رفع به موقع آنها با توجه به اولویتها پی بردهاند اکنون می توان گفت که تقریباً هیچ مشکل و تنگنایی در بخش کشاورزی کشور و تولید زراعی نیست که طرح نشده باشد و حداقل نهادهای انقلابی فعال در عرصه روستاها از کم و کیف آن اطلاع نداشته باشند. نیمنگاهی به قطعهنامههای مکرر سمینارهای شوراهای اسلامی روستاهای مناطق مختلف کشور به عینه مضمون برنامههای را که می باید برای رفع نیازهای تولیدی جاری بخش کشاورزی کشور به اجرا درآید نشان می دهد حال فقط وظیفه مهمی که به عهده مسئولین و ارگانهای اجرایی است تأمین به موقع و به اندازه کافی این نیازها و اتخاذ تدابیر لازم برای توزیع مناسب آنهاست علاوه بر این حال که سال زراعی جدید با فرارسیدن فصل کاشت شروع شده است دولت و وزارت کشاورزی و سایر ارگانهای مسئول در امور کشاورزی باید از هم اکنون سیاستهای خودشان را در زمینههای گوناگون از جمله تعیین قیمت و تضمین خرید محصولات استراتژیک کشاورزی، تثبیت هزینههای تولید در مراحل کاشت، داشت و برداشت محصولات و برنامهریزی جهت تأمین نیازهای تولیدی در هر یک از مراحل تولید و غیره روشن سازند و از هم اکنون در جهات گوناگون این سیاستهای هماهنگ و تثبیت شدهای را پیش برند. به اعتقاد ما رهوس آن

مواردی که می باید بطور جدی و همهجانبه در جهت تأمین آنها برای دستیابی به تولید بیشتر و باکیفیت تر برنامهریزی و سریعا اقدام گردد به شرح زیر است:

۱ - مشخص نمودن هرچه سریع تر وضع مالکیت در روستاها با تصویب بند "ج" و "د" و ایجاد زمینه مناسب و امنیت کافی برای دهقانان زحمتکش تا با دلگرمی بیشتر و موقعیت تثبیت شده تر کوشش همه جانبه ای را برای تولید خود سازمان دهند تا در سال زراعی جاری، شاهد بی کشت ماندن زمینها، شخم زدن مجدد زمینهای کاشته شده توسط دهقانان زحمتکش به وسیله زمینداران و فئودالها، آنتروژن محصولات در فصل برداشت و دروی بی موقع و غیره نباشیم.

تا آن هنگام که این امر حیاتی برای کشاورزان حل نشده است، مسئولین باید برای جلوگیری از بی کشت ماندن زمینها و توطئه های زمینداران بزرگ و فئودالها و عوامل آنها، ارگانهایی جهت نظارت بر تمام امور کشت که مشترکاً از نمایندگان نهادهای انقلابی، ادارات ذی ربط و شوراهای روستایی تشکیل شده باشد، ایجاد نمایند. و مسائل مربوط به کاشت محصولات تماماً تحت نظارت این ارگانها به پیش رود

۲ - دولت باید کوشش همهجانبه خود را مصروف ایجاد تعاونیهای تولید، توزیع، مصرف و اعتبار در سطحی گسترده و شوراهای ده با وظایف قانونی مشخص نماید تا قادر باشد امر خدمت رسانی جمعی به موقع و طبق ضابطه و اجرای بی کم و کاست سیاستهای خویش در عرصه روستاها را تضمین با توجه به این مساله مهم در حال حاضر دولت و نهادهای انقلابی

با آغاز فصل کشت مزارع کمبود سوخت (گازوئیل و روغن موتور) و توزیع نامناسب آن به یکی از مشکلات بسیار مهم روستائیان بدل گردیده است. از زمان آغاز جنگ تحمیلی صدایی - آمریکایی که مردم میهن ما با کمبود مواد سوختی مواجه شدند تاکنون از طرف ستاد بسیج اقتصادی تدابیری برای توزیع هرچه مناسب تر سوخت مورد نیاز بخشهای مختلف اقتصادی کشور همچنین خانوادهها در نظر گرفته شده است و علیرغم مشکلات جنگ توزیع مواد سوختی منازل در شهرها به دلیل وجود پمپ بنزینها و شعب نفت که شبکه های توزیع نسبتاً مناسب و آمادهای بوده اند، با نظارت شوراهای محلی سرو سامانی یافته است، ولی این مسئله در مورد بخش کشاورزی کشور که از نظر سوخت برای کاشت و برداشت محصولات در مصلحه جدی است، بطور اصولی برنامهریزی شده حل نشده است.

براکندگی روستاها و مزارع، سوخت رسانی به موقع برای کاشت را دشوار ساخته و هزینه آن را برای دولت افزایش می دهد، ولی دولت ارگانهای مسئول نیز

برنامهریزی هماهنگی را جهت ایجاد شبکه های توزیع به موقع و به مقدار کافی سوخت چندان جدی نگرفته اند، و سعی نکرده اند تا از تمامی وسائل و اهرم های موجود در جهت حل این مشکل کشاورزان که نقش بسیار مهمی در کشت به موقع و افزایش تولیدات کشاورزی دارد، سود جویند. و برنامهریزی مناسبی را با الویت بخشیدن به امر کاشت در روستاها مورد نظر قرار دهند.

نمودن سوخت و کمی و گرانی آن باعث گردیده است که هم اکنون در پارهای از نقاط کشور کشت گندم به دلیل خوابیدن تراکتورها به تعویق افتد، و از سوی دیگر سودجویان و محترکین سهمیه های کامیونها و غیره را با قیمت های چند برابر و سرسام آور به کشاورزان عرضه دارند و در اکثر نقاط کشور بازار سیاه بسیار گرم و پر رونقی توسط تجار بزرگ و واسطه ها دایر شود در نتیجه برخی شخم زدن هر هکتار زمین به وسیله تراکتور به چندین برابر سال قبل افزایش یابد. ناهماهنگی بین کمیته سوخت ادارات کشاورزی استانهای مختلف کشور، و نهادهای فعال در سطح روستاها،

عدم ارزیابی به موقع و کافی از نیازهای فصل کاشت محصولات کشاورزی توسط ستاد سطح اقتصادی کشور همچنین قائل شدن الویت برای این بخش بسیار مهم اقتصادی باعث ایجاد تنگنا و مشکلات مربوط به کمبود سوخت گردیده است. علاوه بر این در نظر گرفتن شبکه توزیع مناسب با استفاده از نهادهای انقلابی و همکاری شوراهای روستایی و تدارک تانکرهای سوخت رسانی برای مصارف کشاورزی روستائیان و جلوگیری از اخلاف سودجویان و واسطه ها از عواملی است که هرچه زودتر باید مورد توجه مسئولین قرار گیرد.

برای هماهنگی و همکاری با دهقانان زحمتکش سراسر کشور که پیگیرانه در جهت افزایش هرچه بیشتر محصولات کشاورزی و تأمین خودکفایی این بخش در تلاشند، مسئولین نیز باید بطور همه جانبه اقدام به تأمین سوخت مورد نیاز آنها نموده و این خواست مشترک دهقانان سراسر کشور را که خواستی انقلابی و بحاست برآورده سازند.

تأمین به موقع و توزیع مناسب سوخت بخش کشاورزی، خواست دهقانان زحمتکش سراسر کشور است

داده اند (هم اکنون طرح روغن موتور در روستاهای کشور لپتری ۲۵۰ ریال است) تأمین بذراصلاح شده با قیمت مناسب و به میزان کافی، تضمین خرید محصولات از هم اکنون با قیمت های دقیقاً محاسبه شده و واقعی و کوشش

آنها را می پذیرد، و در عوض نرخ گزافه آنها و همچنین برنامه کار آنها را مشخص می سازد، فراهم نماید تا مین سوخت مورد نیاز، و روغن موتور، متناسب با نیاز بخش کشاورزی کشور و توزیع طبق ضابطه و مبارزه با محترکین و واسطه ها که نرخها را چندین برابر افزایش

باید برای تأمین تراکتور و سایر وسائل مورد نیاز برای کاشت علاوه بر امکانات دولتی از طریق ایجاد تعاونی کبیرایه ماشین آلات و زمینه سازی و تعیین ضابطه برای عضویت تراکتورداران هر محل در این اتحادیه ها که دولت مسئولیت رساندن سوخت، و قطعات یدکی

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

بیانیه مشترک

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چگونه بر دشواری‌های تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمندمان چیره شویم!

حزب توده، ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با اعقاد راسخ به این اصل، یعنی ضرورت تاریخی اتحاد همه نیروهای وفادار به آماج‌های انقلاب شکوهمندمان، نخستین گام را برای باعزیزی چنین اتحادی برمی‌دارند و با ارائه یک تحلیل مشترک از لحظه کنونی، از دشواری‌ها و راه چیره شدن بر آنها، همه نیروهای انقلابی راستین را، صرف‌نظر از تفاوت در عقاید مسلکی و مذهبی، به تلاش برای تحقق چنین اتحاد فراگیری از نیروهای انقلابی راستین که ضربه مهلکی بر همه توطئه‌های دشمنان انقلاب خواهد بود، فرا می‌خوانند.

دشواری‌های انقلاب

همه هواداران راستین انقلاب و مسئولان واقع بین جمهوری اسلامی ایران در این ارزیابی متفق‌اند که انقلاب در راه تثبیت و تحکیم و گسترش خود با دشواری‌های فراوان روبروست.

بررسی کمی موشکافانه‌تر نشان می‌دهد که این دشواری‌ها به طور عمده دو سرچشمه دارند:

۱. توطئه، همه‌جانبه و پیگیر جبهه متحد دشمنان انقلاب ایران در خارج و داخل کشور؛

۲. کمبودها و نارسایی‌های ناشی از بی‌تحرکی‌ها، اشتباهات، تنگ‌نگری‌ها، خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست، از سوی بخش مهمی از نیروهای مدافع انقلاب و مسئولان جمهوری اسلامی ایران.

... آنچه که از سرچشمه اول بیرون می‌ریزد، مجموعه اقدامات کین‌توزانه‌ای است که به وسیله طیف گسترده جبهه متحد دشمنان انقلاب ایران، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و با دستگیری همه عوامل شناخته شده و شناخته نشده‌ای در جهان و ایران، پی در پی، علیه انقلاب میهن ما انجام می‌گیرد. بخشی از این اقدامات قابل دیدن و محسوس است، مانند: محاصره اقتصادی ارسوی آمریکا و همدستانش در اروپای غربی و ژاپن، توقف دارایی‌های ایران، توطئه کودتای طس، کودتای نوزه، حمله نظامی رژیم صدام به ایران، ایجاد آتوب و شورش ضدانقلابی در کردستان، توطئه برای مسخ و محرف ساختن انقلاب به باری دست‌آموزانی چون امیرانظام‌ها، قطب‌زاده‌ها، یزدی‌ها، بنی‌صدرها، سلامیان‌ها و سویری‌ها و دیگر لیبرال‌های آمریکازده "جبهه ملی"، "نهضت آزادی"، "رجحری"ها و سایر گروهک‌های آمریکا ساخته، و سرانجام اجرای نقشه‌های تروریستی- بخشی به دست ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان و چنانچه‌کاران حرفه‌ای وحشی به دست گمراهان و بازی خوردگان حواسی که به آلت بی‌اراده اجرای دسورهای شهکارانه، رهبران خائن خود تبدیل شده‌اند.

گروه دیگر دشواری‌های ناشی از اقدامات امپریالیسم، به اساسی قابل دیدن هستند. این دشواری‌ها از یکسو به دست ستون‌نجم امپریالیسم در زمینه‌های اقتصادی، یعنی کلان سرمایه‌داران و بزرگ بانک و واسطکار به افشار متنازحامه ایجاد می‌نماید، و از سوی دیگر به دست ستون بجم ساسی امپریالیسم، یعنی ساواکی‌ها و سایر تفاله‌های آمریکا که خود را در نهادهای انقلابی و مقامات مسئول کشوری و لشکری و اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران در نقاب "مسلمان متعهد" جازده‌اند. این عناصر با خرابکاری‌های اقتصادی و سیاسی خود نظام جمهوری اسلامی ایران را مانند خوره از درون می‌خورند و ناتوان می‌کنند و سه شیوه‌های مزورانه تخم نفاق و دشمنی در میان مبارزان راه انقلاب- اعم از مسلمانان مبارز و دیگر نیروهای مدافع راستین انقلاب می‌کارند.

توطئه نارضی‌تراشی یکی از عمده‌ترین ترفندهای دشمنان انقلاب، به سرکردگی امپریالیسم آمریکاست. این دشمنان سوگندخورده انقلاب، در دوران دو سال ونیمه که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، با این واقعیت که برای آنان بسیار تلخ است، آشنا شده‌اند که، بدون ایجاد تزلزل در پایگاه اصلی انقلاب، یعنی در میان توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان شهر و روستا، ضرورت زدن به انقلاب نتیجه مطلوب برایشان بیار نخواهد آورد.

از این رو است که نارضی کردن توده‌های میلیونی یکی از مهم‌ترین بخش‌های فعالیت نامرئی ضدانقلاب را تشکیل می‌دهد. این عمل به شیوه‌های گوناگون انجام می‌گیرد: هم از راه جلوگیری از درگونی‌های بنیادی به سود محرومان جامعه، تخریب در تولید و افزایش بیکاری، گران کردن کالاها، مورد نیاز همگان و غارت روزافزون درآمد ناچیز زحمتکشان به دست سرمایه‌داران زالوصفت، و هم

انقلاب شکوهمند ضدسلطنتی، ضداستبدادی، ضدامپریالیستی و مردمی میهن عزیزما، که به درستی یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای سیاسی سال‌های اخیر جهان ارزیابی می‌شود، لحظات بسیار حساس و سرنوشت‌ساز را می‌گذراند. این حساس بودن از آن‌جا ناشی می‌شود که انقلاب بزرگ مادرلحظه کنونی، درگیر یکی از سخت‌ترین نبردهای دوران موجودیت خود با دشمنان انقلاب است.

ویژگی برجسته لحظه کنونی انقلاب ما در این است که از یکسو با درهم شکسته شدن توطئه سازشکاران و تسلیم طلبان لیبرال و گمراهان چپ‌رو، سد بزرگی از سر راه برای زرنش انقلاب در دوست‌گیری اساسی‌اش یعنی سمت‌گیری ضدامپریالیستی و سمت‌گیری مردمی برداشته شده است و از سوی دیگر مقاومت عبودانه و خیانت‌کارانه طیف نیروهای دشمن انقلاب برای جلوگیری از این گرایش شدت می‌یابد.

بدون تردید رهنمود امام خمینی، رهبر انقلاب و سبناگذار جمهوری اسلامی در باره لزوم اتخاذ تصمیمات همه‌جانبه به سود محرومان و تفویض اختیارات مهمی در این زمینه به مجلس شورای اسلامی، گام تاریخی است که در جهت ایجاد شرایط ضروری برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب و پیشروی بسوی تامین عدالت اجتماعی برداشته شده است. این گام تاریخی همه نیروهای انقلابی را هم در جهت سازندگی و هم در جهت مبارزه علیه همه توطئه‌های ضدانقلابی و سرچشمه‌های این توطئه‌ها بر توان تر ساخته است. مقاومت عبودانه و سرسختانه دشمنان انقلاب شدت پیدامی‌کند و اراده نیروهای عظیم انقلابی میهن ما برای درهم شکستن این مقاومت هر روز راسخ‌تر و توان‌تر و هر روز بیشتر خواهد شد. دشواری بر رهبران پیشرفت انقلاب شکوهمند میهن ما هنوز بسیار است ولی توان انقلاب برای چیره شدن بر این دشواری‌ها به مراتب زیادتر است.

انقلاب شکوهمند ما که با شرکت همه نیروهای ضدامپریالیستی، آزادخواه و مردمی و با اساز کم‌نظیر توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان شهر و روستا و در رهبری با درایت امام خمینی، با پیروزی بزرگ تاریخی خود، ضربه بسیار دردناکی بر بیکر دشمنان سوگندخورده خلق‌های کشورما و بیش از همه بر امپریالیسم جهان‌خوار آمریکا وارد ساخت، از همان دوران اوج‌گیری خود، آماج کینه‌آشتی‌ناپذیر این دشمنان قرار گرفت. اکنون وضع چنین است که امپریالیسم آمریکا، در مقام سرکرده همه دشمنان انقلاب ایران، یعنی امپریالیسم جهانی، رژیم‌های ارتجاعی منطقه و نیروهای ضدانقلاب کشورما، پس از آن که تجاوز جنایت‌بار آمریکایی- صدامی به خاک میهن ما به اهداف خود نرسید و آخرین توطئه‌شان که به دست بنی‌صدر پیاده می‌شد، با ناکامی روبرو گردید، تمام امکانات خود را برای تدارک و انجام توطئه تازه‌ای در جهت براندازی قهرآمیز نظام جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته است.

عناصر پنجگانه این توطئه خطرناک چنین اند:

۱. جلوگیری از تثبیت حاکمیت متکی به قانون و عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، از راه تشدید تشنج در جامعه، به کمک ترویج تروریسم کور، و ایجاد کانون‌های شورش و بهره‌گیری از تجاوز نظامی عراق و جنگ تحمیل شده به میهن ما، تجاوز در مرزها و درگیر کردن کشورما در جبهه‌های دیگر؛

۲. تشدید دشواری‌های اقتصادی، از راه تشدید فشارهای اقتصادی از خارج و خرابکاری‌های اقتصادی از راه احتکار- گرانفروشی و غیره به وسیله غارتگران داخلی؛

۳. روشن کردن و دامن زدن به آتش نفاق، چنددستگی و زدو خورد میان نیروهای ضدامپریالیستی و مردمی؛

۴. تشدید همه‌جانبه عوامل نارضی‌کننده قشرهای گسترده مردم شهر و روستا؛

۵. اخلال هرچه بیشتر در مناسبات جمهوری اسلامی ایران با کشورها و جنبش‌ها و همه نیروهای جهانی پشتیبان انقلاب ایران.

دشمنان انقلاب ایران، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، امیدوارند که با کامیابی در این پنج جهت، نظام جمهوری اسلامی ایران را آن‌چنان ناتوان سازند که برانداختن آن از راه ضربه‌های از درون و یا از بیرون و یا از راه جازدن خاشی مانند سادات و یاحفیظ‌الله امین، بدون دشواری انجام پذیرد.

حزب توده، ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با احساس مسئولیت تاریخی خود در برابر انقلاب، برآنند که تنها با تجهیز اتحاد همه نیروهای وفادار به آماج‌های انقلاب می‌توان این توطئه خطرناک دشمنان انقلاب را با کم‌ترین تلفات عقیم گذاشت، انقلاب را در جهت رسیدن به این آماج‌ها مدشش برد و نظام جمهوری اسلامی ایران در راستای مردمی آن را، در برابر توطئه‌های آئیده دشمنان انقلاب گردن‌ناپذیر ساخت.

بیانیه مشترک

از راه‌های بسیار زیرکانه و مودبانه‌ای مانند ایراد فشارهای به‌کلّی غیرضرور به مردم در زمینه‌های مختلف زندگی آنان، و سرانجام از راه تصفیه‌های مشکوک که هدفش در بسیاری موارد برکنار کردن عناصر وفادار به انقلاب و پشتیبان جمهوری اسلامی ایران از کار و جایگزین کردن آنان با عناصری از قماش امیر انتظام‌ها، کلاهی‌ها، کشمیری‌ها، صادق‌ها و مزی‌ها در سطوح مختلف است.

مجموعه این دشواری‌ها، یعنی هرآن چه که محصول مقاومت کین‌توزانه و آشتی‌ناپذیر طیف دشمنان انقلاب ایران، به سرکردگی امپریالیسم آمریکاست، از همان روزهایی که پیروزی انقلاب در افاق پدیدار شد، قابل پیش‌بینی و بخش عمده‌ای از آن‌ها بی‌تردید قابل پیش‌بینی و اجتناب بود. تجربه، ده‌ها و ده‌ها انقلاب مردمی و ضدامپریالیستی در سراسر جهان نشان می‌دهد که در آن انقلاب‌ها نیز نیروهای ضدانقلاب خارجی و داخلی تقریباً عین همین توطئه‌های تسکیرانه را عملی کرده‌اند. این که این توطئه‌ها تا چه حد توانسته است در این یا آن انقلاب مشخص موفقیت‌آمیز باشد، بستگی به آگاهی، هم‌بستگی و آمادگی نیرو-های پاسدار و نگهبان انقلاب برای رویارویی با این توطئه‌ها داشته است.

با کمال تأسف باید گفت که نیروهای ضدانقلاب ایران، به سرکردگی امپریالیسم جهاشوار آمریکا، توانسته‌اند، با بهره‌گیری از نقاط ضعف نیروهای انقلابی، برای بخش مهمی از توطئه‌های خود پوشش‌هایی به دست آورند.

دشواری‌هایی که از سرچشمه دوم بیرون می‌ریزد ناشی از بی‌تجربگی‌ها، اشتباهات، تنگ‌نگری‌ها، خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست است. این دسته از دشواری‌ها، در مجموع خود، محصول برخی عملکردهای منفی نیروهای فعال انقلابی است، چه آن بخش از نیروهایی که اهرم‌های حاکمیت انقلابی را در دست دارند و چه آن بخش که، بدون شرکت در حاکمیت انقلابی، پاسداری و نگهداری از دستاوردهای انقلاب را داوطلبانه پذیرا گشته‌اند. البته در این میان مسئولیت بخش اول طبعاً سنگین‌تر از مسئولیت بخش دوم است، در عین این که هر دو بخش در برابر خلق و تاریخ و انقلاب جوابگوی عملکرد خویشند و اشتباه یکی نمی‌تواند به عنوان عذر و بهانه برای توجیه اشتباه دیگری، مورد استفاده قرار گیرد.

در این دسته از دشواری‌ها، آنچه از بی‌تجربگی و یا کم‌تجربگی و یا حتی از اشتباهات ناشی می‌شود، می‌تواند در چارچوب معنی قابل بخشش باشد، زیرا هر نیروی انقلابی که حاکمیت را در دست می‌گیرد، با مسائلی روبرو می‌شود که در آن‌ها تجربه ندارد و فقط در جریان تلاش برای حل آن‌هاست که تجربه می‌اندوزد، ولی این تلاش هر اندازه هم که همه‌جانبه و فداکارانه باشد، خالی از یک رشته اشتباهات نخواهد بود. چنین اشتباهاتی قابل توجیه‌اند. آن‌چه نابخشودنی است، دشواری‌های ناشی از تنگ‌نگری‌ها و خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست بخشی از آن نیروهایی است که در حاکمیت انقلابی اهرم‌های اساسی و تعیین‌کننده، سرنوشت روند انقلاب را در دست دارند. این دسته از دشواری‌ها، به ویژه در دوران ما، یعنی در دوران فروپاشی سلطه جهانی جابرانه امپریالیسم، نقش تعیین‌کننده در سرنوشت انقلاب دارند، زیرا تجربه انقلاب‌های چنددهساله پس از جنگ دوم جهانی نشان داده است که در پیامد تغییر کیفی در تناسب نیروهای سیاسی و نظامی و اقتصادی در جهان به سود انقلاب‌های رهایی‌بخش ملی و دولت‌های رها شده از زنجیر اسارت استعمارکننده و استعمارنو، رهبری‌های انقلاب‌های ضدامپریالیستی و مردمی، در صورتی که بتوانند با درایت و تیزبینی همه نیروهای بالقوه هوادار انقلاب را تجهیز کنند، می‌توانند بر همه دسائس دشمنان انقلاب چیره شوند و، علی‌رغم برخی اشتباهات ناشی از کم‌تجربگی و بی‌تجربگی، و برعکس، غلبه تنگ‌نگری‌ها و خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست در مقامات مسئول حاکمیت می‌تواند برای نفوذ عناصر دشمن از یک سو و برای رشد دشواری‌های ناشی از بی‌تجربگی و اشتباه از سوی دیگر، و نیز به کمک آن‌ها برای دسیسه‌های خطرناک و توطئه‌های رنگارنگ ضدانقلاب، و به ویژه توطئه جداسازی و به‌جان هم اندازی نیروهای انقلابی، محیط مساعدی پدید آورد.

با کمال تأسف مردم انقلابی ایران با نگرانی بسیار شاهد این واقفیت دردناک هستند که این بیماری خطرناک در انقلاب ما راه پیدا کرده و ریشه دوانیده است. جامعه انقلابی ما در مرحله کنونی با طیف پهن‌تری از همه این دشواری‌ها، یعنی هم با دشواری‌های ناشی از فعالیت دشمنان و هم با دشواری‌های ناشی از عملکرد منفی خودی، دست به‌گریبان است. ضمنتاریخ انقلاب‌های پیروز شده و شکست خورده به ما می‌آموزد که چیره‌شدن بر بی‌آمدهای اشتباهات و کم‌تجربگی‌ها و مهم‌تر از آن چیره‌شدن بر دشواری‌های ناشی از فعال‌بست ضدانقلاب مهاجم و دسیسه‌گر، در درجه اول مستلزم آنست که نیروهای موثر و تعیین‌کننده و به ویژه حاکمیت انقلابی بتوانند بر گرایش‌های خودمحوری و تنگ‌نگری و ارزیابی‌های نادرست و پیش‌دآوری‌های بی‌پایه در صفوف خود چیره شوند.

برای چیره شدن بر دشواری‌ها باید بیش از هر چیز این دشواری‌ها را

شناخت، ریشه‌های آن‌ها را مشخص ساخت، نیروها و امکاناتی را که برای ریشه کن ساختن این دشواری‌ها وجود دارند، تشخیص داد و همه این نیروها را، بدون هدر دادن، در جبهه متحدی گردآورد، و با در نظر گرفتن نیروها و امکانات موجود و ذخیره خودی و امکانات و نیروهای موجود و ذخیره حریف، نقشه دقیقی برای نبرد تنظیم کرد و مبارزه را از راه وارد ساختن ضربه اصلی بر ضعیف‌ترین نقطه جبهه دشمن آغاز کرد. کوتاه سخن، چیره‌شدن بر دشواری‌هایی که در برابر روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب قدامت کرده‌اند، تنها با برخورد و برداشت انقلابی، با سمت‌گیری، ژرف‌بینی و پیگیری انقلابی، امکان‌پذیر است.

شناخت دوستان راستین و دشمنان آشتی‌ناپذیر

خوشبختانه امروز بخش عمده‌ای از نیروهای انقلابی راستین (گرچه پس از برداخت‌بهای سنگین)، امپریالیسم آمریکا، امپریالیسم اروپای غربی و ژاپن، رژیم‌های ارتجاعی منطقه، ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان، لیبرال‌ها، مائوئیست‌ها و سایر گروهک‌های آمریکازده، بزرگ‌مالکان و کلان سرمایه‌داران و حامیان‌شان را به عنوان دشمنان انقلاب شناخته‌اند. این یک پیروزی بزرگ است.

ولی متأسفانه هنوز در بخش قابل‌توجهی از نیروهای انقلابی که اهرم‌های حاکمیت را در دست دارند، در زمینه شناخت کامل دوستان انقلاب ما، نقاط ضعف جدی وجود دارد.

به نظر ما، عمده‌ترین عامل افزایش دشواری‌های ناشی از خود صدانقلاب در درون حاکمیت و نهادهای انقلابی، همس‌ضعف نیروهای راستین انقلاب در شناخت دوستان راستین و دشمنان آشتی‌ناپذیر است. در درون بخش مهمی از نیروهای انقلابی، این اصل برای سنجش به کار گرفته شده و می‌شود که: "هرکس به ظاهر مرا صد درصد ناپدید کند، دوست است و هرکس مرا انتقاد کند، دشمن است." با این سنجش، اگر کسی ظاهر به شاعر مذهبی ندهد، حزب نود، ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را "حاشی" خطاب کند و "مرک بر خوروی" را مطرح کند که شعار مرگ بر آمریکا ایرادها برود، او "دوست" است، حتی اگر کشمیری و کلاهی و فخارزاده و مصادی و... باشد. و اگر کسی با صداقت و صراحت بگوید: من سروسوسالیسم علمی هستم، و تا کما بر اعتقاد دارم، اراحت ضداسیادای و صد-امپریالیستی و مردمی امام خمینی پشتیبانی می‌کنم و حاضرم برای دفاع از میهنم در مقابل تجاوز آمریکائی صدام‌جان خود را فدا کنم، او دشمن است، و باید طرد شود.

با کمال تأسف، در پیامد عملکرد همین ضعف بزرگ و خطرناک، در نخستین دو سال پس از پیروزی، فرصت‌های بسیار مناسبی برای سرکوب ضدانقلاب و تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب از دست رفت. در این دو سال دشمنان انقلاب ایران موفق شدند با استفاده از عناصر خود در درون حاکمیت انقلابی، در آغاز به اتکای دولت "گام به گام" لیبرال‌های آمریکازده، و پس از آن به دست خود فروختگانی چون قطب‌زاده و بنی‌صدر و سلامتیان و نظائرشان، که هنوز هم نمونه‌های شناخته نشده، آنان چه‌بسا در جاهای حساس نشسته‌اند، از یک سو، و امثال کشمیری و فخارزاده و کلاهی و صادق و مزی و... و بسیاری دیگر لطامت‌سنگینی به انقلاب بزنند. درست است که نیروی لایزال توده‌های انقلابی و فداکاری و از خود گذشتگی و ایثار کم‌سابقه مبارزان راستین راه انقلاب، چه در حاکمیت و نهادهای انقلابی و چه در میان نیروهای پشتیبان انقلاب در خارج از حاکمیت، زیر رهبری با درایت، بی‌تزلزل و آشتی‌ناپذیر امام خمینی، این توطئه خطرناک دشمنان انقلاب را تاکنون عقیم گذاشته است، ولی در همین حال ساد-نگری است اگر تصور شود که این توطئه منحرف ساختن انقلاب ایران از راه اصلی، برای همیشه با شکست روبرو شده است. اشتباه فاحشی است اگر پذیرفته نشود که زمینه این توطئه، همان‌طور که امام خمینی یادآور شدند، محصول غفلتی است که مسئولان انقلابی جمهوری اسلامی ایران بدان دچار شدند، و این غفلت ضرباتی بر دیگر انقلاب وارد ساخته، که تاکنون برای میهن ما بسیار گران تمام شده است. بجاست اگر همه مبارزان راه انقلاب هر روز صبح این گفته تاریخی امام خمینی را به یاد بیاورند و در تمام کار روزانه خود همواره بدان توجه داشته باشند: "نباید فراموش کنیم که در جنگ با آمریکا هستیم. ما در جنگ با آمریکا هستیم و تفاله‌های آمریکا. این تفاله‌هایی که قالب زدند خودشان را و ما غفلت کردیم. الان هم هستند."

امام خمینی - گفتار ۵ شنبه ۱۱ تیر ۱۳۶۰
تنها با بکار بستن این رهنمود، نیروهای راستین انقلابی می‌توانند این خطرناک-ترین سرچشمه ایجاد تنج و نفاق را در درون جبهه نیروهای انقلابی شناسایی کنند و این سرطان خطرناک را دور سازند. در این ارتباط بسیار بجاست اگر توجه کنیم که همه عناصری که امروز خیانتشان مسلم شده است، با چند جنگ‌افزار سیاسی وارد میدان شدند. تظاهر به اسلام، حتی در مواردی تظاهر به "اسلام افراطی و قسری"، دشمنی کین‌توزانه با بخشی از پشتیبانان راستین انقلاب و به ویژه با حزب توده ایران، و برعکس گذشت دوستی و پشتیبانی از ساواکی‌ها،

بیانیه مشترک

الف. استقلال ملی

به نظرم، استقلال ملی برای خلق‌های میهن ما هنگامی تامین است که ریشه‌های هرگونه تسلط جابرانه، سیاسی، تسلط غارتگرانه، اقتصادی، تسلط آمرانه، نظامی و تسلط همراه کننده و منحرف‌سازنده، فرهنگی استعمار و استعمار تو خشکانده شود و سرنوشت میهن ما و خلق‌هایی که در آن به سر می‌برند، تنها و تنها با اعمال اراده، آزاد توده‌های ده‌ها میلیون زحمتکشان تعیین گردد.

طی دوسال ونیمی که از پیروزی انقلاب شکوهمند میهن ما می‌گذرد، کامیابی‌های چشم‌گیری در زمینه، تامین استقلال ملی به دست آمده است. هم‌اکنون نیز مردم میهن ما به پیگیری سرنوشت‌ساز برای تثبیت و تحکیم و گسترش این پیروزی‌ها مشغولند. با وجود این، ساده‌اندیشی است اگر تصور شود که انقلاب ایران در زمینه، استقلال همه‌جانبه به همه، آماج‌های خود رسیده است:

در زمینه، استقلال سیاسی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا طی دوسال ونیم گذشته، در حاکمیت سیاسی، به وسیله، عمالی که در نهادهای انقلابی جازده بود، در مجموعه، جوسیاسی فعال، پایگاه‌های نیرومندی را در اختیار داشت و از آن‌ها برای جهت دادن به سیاست خارجی و داخلی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به طور موثر بهره‌گیری می‌کرد، با کمال تأسف باید گفت که، هنوز هم می‌کند. حالا دیگر راز پوشیده‌ای نیست که تا همین اواخر وزارت خارجه، ایران تقریباً تمام ترکیب هیئت‌های نمایندگی ایران در سراسر جهان در دست بازماندگان عیان و نهان رژیم گذشته و پیاده‌کنندگان راه سازش با امپریالیسم، یعنی سنجایی‌ها، یزدی‌ها، قطب‌زاده‌ها، بنی‌صدرها و سایر دستیارانشان قرار داشت.

در آن زمان سیاست خارجی ایران به طور مشخص در جهت هموار کردن راه سازش با امپریالیسم آمریکا، در جهت جلوگیری آشکار و بی‌پروا از گسترش مناسبات دوستانه با کشورهای انقلابی و جنبش‌های آزادی‌بخش ضد امپریالیستی که در جنبه واحدی با انقلاب ایران علیه امپریالیسم و صهیونیسم مبارزه می‌کنند، در جهت تیره‌ساختن مصنوعی مناسبات ایران با کشورهای سوسیالیستی و به ویژه با اتحاد شوروی، که همه‌جانبه از انقلاب ایران پشتیبانی می‌کنند، سیر می‌کرد.

در برخورد با رویدادهای کشور همسایه و برادر ایران، افغانستان، یزدی‌ها و قطب‌زاده‌ها و بنی‌صدرها سیاست ایران را درست به صورت دنباله، سیاست دشمنان سؤگند خورده، انقلاب ایران و همه، انقلاب‌های مردمی جهان، یعنی آمریکا، انگلیس، پاکستان، چین، عربستان، مصر و عمان در آوردند.

تصادفی نیست که پس از گذشت بیش از دوسال ونیم از پیروزی انقلاب، میان کشور ما و کشورهای جوی جمهوری دموکراتیک خلق بین و جمهوری سوسیالیستی ویتنام، که در اولین سنگرهای مبارزه علیه امپریالیسم جهانی قرار گرفته‌اند، ناره دارد روابط سیاسی برقراری شود و دولت ایران هنوز از به رسمیت شناختن دولت انقلابی کامبوجیا خودداری می‌کند، و آن‌هم در شرایطی که این دولت انقلابی از طرف همه، کشورهای جنبه، جهانی ضد امپریالیستی و همه، جنبش‌های آزادی بخش ملی به رسمیت شناخته شده و تنها از طرف امپریالیست‌های آمریکا، اروپای غربی و ژاپن، و سبز چین و اسرائیل و رژیم پینوشه و آفریقای جنوبی و سایر دشمنان انقلاب ایران تحریم شده است.

مردم ایران و همه، نیروهای راستین انقلاب با خشنودی این واقعت را مورد توجه قرار می‌دهند که از مدتی پیش از برکناری بنی‌صدر، و به ویژه پس از رسوایی و سرکاری خط آمریکایی سازش و تسلیم از میدان فعالیت سیاست خارجی ایران، کام‌های چندی در جهت تصحیح این گرایش بیمارگون برداشته شده است. امید است که این کام‌ها سرآغاز یک جرخش تاریخی در شناخت درست دوستان و دشمنان انقلاب ایران در میدان بزرگ سرجهانی باشد.

به نظرم در دنیای امروز استقلال واقعی و عدم وابستگی هر کشور بدون همبستگی با جنبه، عظیم و نیرومند جهانی ضد امپریالیستی امکان پذیر نیست. این جنبه، به طور تفکیک‌ناپذیر، تشکیل می‌شود از کشورهای سوسیالیستی، جنبش اصیل و انقلابی کارگری در کشورهای سرمایه‌داری رشداخته و جنبش‌های راستین آزادی بخش ملی و ضد امپریالیستی چه آن‌هایی که در کشورهای خود به پیروزی رسیده و دولت‌های ضد امپریالیستی و مردمی به وجود آورده‌اند و چه آن‌ها که هنوز برای به دست آوردن آزادی و استقلال نبرد می‌کنند.

این جنبه محصول یک نبرد تاریخی بسیار درازمدت نیروهای مردمی، محصول مبارزات نزدیک به دوست ساله، طبقه، کارگر در سراسر جهان، محصول پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر در روسیه، محصول پیروزی اتحاد شوروی و سایر نیروهای انقلابی خلقی و آزادیخواه علیه فاشیسم آلمان و ایتالیای نظامی-گری ژاپن در جنگ دوم جهانی، محصول دگرگونی‌های سوسیالیستی در نزدیک به بیست کشور جهان در دوران پس از جنگ، و سرانجام محصول کامیابی‌های عظیم و سربزندی و مرگ جنبش‌های ضد امپریالیستی و استقلال طلب درده‌ها و ده‌ها کشور دیگر است. این جنبه محصول عالی تلاش تمام بشریت مترقی دوران ما علیه بیدادگری و غارتگری سرمایه است. تجربه نشان داده است که تنها در چارچوب

سلطنت‌طلبان، ضدانقلابی، مائوئیست‌ها و سایر تفاله‌های آمریکا و دشمنی لجام‌گسیخته با کشورهای سوسیالیستی و به ویژه با اتحاد شوروی از یک سو و دوستی و آمادگی برای همکاری با آمریکا از راه اروپای غربی و ژاپن از سوی دیگر، حمایت از منافع غارتگرانه، کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و سایر زالوهای اقتصاد و مخالفت با سمت‌گیری مردمی انقلاب و جلوگیری از اجرای آن موادی از قانون اساسی، که مدافع منافع محرومان و محدودکننده، غارت چپاولگران است.

بدین سان، نیروهای انقلابی برای شناخت دوستان راستین و دشمنان کین‌توز انقلاب بیش از هر چیز باید معیارهای درست برگزینند. بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین مانع در این زمینه خودمحوری و تنگ‌نگری است. برپایه، خودمحوری و تنگ‌نگری قشری یا اجتماعی- طبقاتی هرگز نمی‌توان به معیارهای درست برای تشخیص دوست از دشمن دست یافت.

معیارهای سنجش دوستان و دشمنان انقلاب

موفق‌ترین معیار سنجش در این زمینه، همان وفاداری به آماج‌هایی است که بوده‌های ده‌ها میلیون زحمتکشان. میهن‌دوستان و مبارزان راه استقلال و آزادی واقعی برای دست‌یافتن به آن‌ها، علیه جنبه، متحد ضدانقلاب داخلی و امپریالیست‌های حامی‌اش به نبرد برخاستند و با جانبازی و ایثار کم‌نظیر انقلاب را به پیروزی رساندند. آماج‌های این انقلاب، که در جمهوری اسلامی ایران و در قانون اساسی‌اش متبلور گردید، عبارت بود از:

- پایان بخشیدن به تسلط جابرانه و غارتگرانه، امپریالیست‌ها و تامین همه‌جانبه، استقلال ملی؛

- سرنگون ساختن کاخ استبداد و بیدادگری و تامین آزادی‌های فردی و اجتماعی برای توده‌های محروم از آزادی؛

- لجام زدن به غارتگری بی‌بندوبار چپاولگران اجتماعی و تامین عدالت اجتماعی به سود توده‌های محروم و غارت‌شده.

اگر ما این معیار را، که امام خمینی همواره بدون کوچکترین تعبیر، مورد تاکید قرار داده‌اند، چه در مورد مناسبات با نیروهای اجتماعی درون جامعه، انقلابی خودمان و چه در مناسبات کشورمان با دیگر کشورها و نیروهای اجتماعی سراسر جهان، درست به کار بریم، بی‌تردید خود را از بسیاری از اشتباهات، و شاید از عمده‌ترین بخش آن، نجات خواهیم داد.

بزرگ‌ترین مسئولیت تاریخی آن بخش از نیروهای انقلابی، که خود را پیرو خط امام خمینی می‌دانند، شناخت درست و کاربرد عقلانی همین معیار است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب ایران، که برای تعیین معیارهای مورد بحث دارای ارزش بسیار است، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. در این قانون، صرف‌نظر از برخی کاستی‌ها و نارسایی‌ها، جهت اصلی سمت‌گیری انقلاب ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی ایران ترسیم شده و اصول ضرور برای رسیدن به آماج‌های انقلاب، یعنی "استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی" ناهد قابل توجهی پایه‌گذاری شده است. پذیرش تعهد صادقانه در اجرای بدون خدشه، قانون اساسی، نخستین گام در راه پشتیبانی از انقلاب شکوهمند مردم میهن ماست و به نیروهای انقلابی کمک می‌کند، تا معیارهای واقعی را برای شناخت دوستان و دشمنان انقلاب به دست آورند.

حزب توده، ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، به عنوان نمایندگان یک جریان فکری - اجتماعی انقلابی، میهن‌دوست و آزادیخواه، که به دست آوردن استقلال همه‌جانبه، نبرانداختن کامل سلطه، جابرانه، استعمار و استثمار، دفاع از آزادی برای محرومان جامعه و دگرگونی‌های بنیادی اقتصادی- اجتماعی در جهت خواست‌های انقلابی- اجتماعی توده‌های ده‌ها میلیون کارگران و سایر زحمتکشان شهر و روستا را اساس برنامه، خود قرار داده‌اند، نظر خود را در این زمینه برای دیگر نیروهای انقلابی جامعه بیان می‌دارند. ما اعتقاد راسخ داریم که این برنامه در چارچوب قانون اساسی کشور ما قابل اجرا بوده و در عمده‌ترین زمینه‌های مربوط به مسائل اجتماعی و اقتصادی، با آنچه که مبارزان مسلمان انقلابی، بیرون راستین خط امام خمینی، در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده‌اند، منطبق و یاحداقل بسیار نزدیک است. درست به همین جهت است که ما با اعتقاد راسخ به مبانی عقیدتی خود، با تمام نیرو از خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی پشتیبانی می‌کنیم و بایستی که - ناپذیر - راه ایجاد جنبه، متحدی از همه، نیروهای پیرو خط امام خمینی، از همه، نیروهای پشتیبان خط امام، که صادقانه به آماج‌های انقلاب مردمی ما وفادارند، می‌کوشیم.

بیانیه مشترک

تایید خواهد کرد و چهره کربه قطب زاده ها، بنی صدرها و کشمیری های افشاء شده را از زیر نقاب های ریاکاری بیرون خواهد کشید.
درامر سازماندهی دفاع ملی، تقویت همه جانبه سیاه پاسداران - از لحاظ آموزش، تجهیزات و تسلیحات امروزی سبک و سنگین، اهمیت فراوانی دارد. باید این سیاه بیش از پیش نیرو گرفته و جای نایبسته خود را در دفاع از انقلاب احراز کند.
درامر سازماندهی دفاع ملی، هماهنگی بخش های گوناگون نیروهای دفاع ملی از ارتش تا سیاه ضرورت حتمی دارد. این هماهنگی باید بر مبنای اصول انقلابی تحکیم شود و در خدمت آماج های مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب قرار گیرد.

استقلال اقتصادی ضامن بی چون و چرای استقلال سیاسی است

در این زمینه نیز انقلاب شکوهمند میهن ما به دستاوردهای گرانبهای رسیده است، که هر یک بر سلطه بی چون و چرای امپریالیستی بر اقتصاد ما، ضربه ای کاری وارد آورده است. یکی از مهمترین این دستاوردها همان کوتاه کردن دست غارتگر امپریالیست های جهان خوار ازمناج سرشار نفت ایران است که با لغو کلبه قرار دادهای تحمیلی استعماری، به آخرین مرحله رهایی از تسلط احصارهای امپریالیستی رسید. ولی علی رزم این دستاورد بزرگ و دستاوردهای دیگر اقتصاد ما هنوز در تار عنکبوت وابستگی به اقتصاد غارتگر امپریالیستی دست و پا می زند و هنوز با صدها زنجیر به آن بسته است. تجارت خارجی ما، که اکنون وسیع ترس و فعال ترین بخش اقتصاد کشور است، به طور عمده و تعیین کننده در دست سرمایه داران وابسته به امپریالیسم و در وابستگی بک حانیه به اقتصاد امپریالیستی است. صنایع مونتر، که بخش عمده صنایع ساخته شده در خارج و وابستگی به اقتصاد کشورهای امپریالیستی را شکل می دهد، هنوز در این خارج و دست و پا می زند و وابستگی روسی برای آن دیده نمی شود. همان طور که سیاست مروراد و دورروانده امپریالیست های راسی در مورد خودداری از ادامه بخش کوچک با ناسی احصان جمع بیرونی سان می دهد، اس غارتگران جهانی تنها در شرایط مناسب دوران آریامبری، یعنی دوران غارت بی بدویار بیرونی ملی ما، حاضر به همکاری با کشور ما هستند. ابرهان روز بیروزی انقلاب ایران، برای کسانی که امپریالیسم را در تمام بارویوش می - شاخند، روشن بود که سانس بردن استقلال اقتصادی برای ایران انقلابی، تنها و تنها از راه بریدن همه زنجیرهای وابستگی به اقتصاد امپریالیستی و تلاش برای بهره گیری از مناسبات برابر حقوق با کشورهای که حاضر به برقراری چنین مناسباتی هستند، و در درجه اول با کشورهای جبهه عظیم ضد امپریالیستی جهان امکان پذیر است. تنها در خارج از این مناسبات است که کشور ما می تواند از ثروت های عظیمی که در اختیار دارد، برای پایه ریزی یک اقتصاد خودکفا و متکی به خود، به بهترین نحو استفاده کند. مقایسه نتایج کار اجتماع های بزرگ صنعتی دوب آهن اصفهان و پتروشیمی ناتمام و نیز کارخانجات گران قیمت فولاد گازی با یکدیگر، بهترین نشانگر راهی است که انقلاب ایران باید برای توسعه صنایع خود، به عنوان پایه ای برای پیشرفت اقتصادی کشور، برگزیند. راه رسیدن به استقلال اقتصادی میهن ما از کنار میدان های وسیع صنایع ذوب فلزات، ماشین سازی و پتروشیمی، که باید هر چه زودتر دست به کار احداث آنها شد، می گذرد. و این صنایع را تنها و تنها از راه همکاری برابر حقوق با کشورهای صنعتی سوسیالیستی می توان پایه گذاری کرد. دشمنان و مخالفان این سنت گیری در اقتصاد کشور ما، که ضامن اساسی نگهداری استقلال سیاسی به دست آمده است، آگاهانه یا نا آگاهانه، در جهت نابودی استقلال سیاسی و تجدید وابستگی استعماری دوران آریامبری عمل می کنند.

در مورد اقتصاد نفت و گاز باید این واقعیت را بالاخره به حساب آورد که امپریالیست های جهان خوار، به ویژه اکنون که از تجدید سلطه خود بر کشور ما روز به روز نا امیدتر می شوند، در مورد کشور ما، چنانچه در مواضع ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی خود پایدار ماند، همان سیاستی را اعمال خواهد کرد که ۲۵ سال است در مورد کویا انقلابی و چندین سال است در مورد وینام انقلابی اعمال می کنند، یعنی ادامه و تشدید فشارهای اقتصادی تا حد تحریم خرید نفت ایران. در این زمینه امپریالیست ها از حمایت دستیاران خود در عربستان سعودی و دیگر رژیم های ارتجاعی کشورهای صادر کننده نفت، بهره گیری می کنند. امتناع ۱۳ شرکت ژاپنی از ادامه خرید نفت ایران، که مسلمانان رابطه با کارشل غارتگر آمریکایی، انگلیسی - هلندی نفت انجام گرفته، حلقه ای از زنجیر این اعمال فشار اقتصادی است. ساده بیانه است اگر تصور شود که امپریالیست های جهانی، با توجه به امکاناتی که در عربستان سعودی و دیگر کشورهای نفت خیز زیر تسلط خود دارند، بیش از انفجار انقلابی در این کشورها به علت احتیاج به نفت ایران، اجباری به بدیوش شرایط ایران انقلابی خواهد داشت. دولت ایران باید در زمینه اقتصاد نفت و گاز هر چه زودتر این حقیقت را دریابد که گسترش این بخش بسیار مهم از اقتصاد، هم از جهت تامین بازار

همبستگی با این جبهه جهانی، جنبش های راستین و اصل آزادی بخش ملی می توانند به آماج های استقلال طلبانه، آزادی خواهانه و عدالت پزوهانه خود دست یابند و، درست برعکس، بریدن پیوندهای همبستگی با این جبهه نیرومند جهانی، نخستین گام در جهت افتادن در دام های امپریالیسم جهانی است. سر نوشت انقلاب های ویتنام، کوبا، لائوس، کامبوجیا، موزامبیک، آنگولا، الجزایر، سوریه، لیبی، یمن دموکراتیک، اتیوپی، افغانستان، هندوستان و ده ها کشور دیگر از یک سو، و کشورهای اندونزی، مصر، سودان، سومالی، عراق، مالی و پاکستان از سوی دیگر، به بهترین وجهی این واقعیت دوران ما را نشان می دهد. دشمنان همبستگی با این جبهه نیرومند جهانی و آن عناصر آگاه که در دام این دشمنان افتاده اند می گویند از راه بازی با واژه های این همبستگی و کمک متقابل برادرانه و برابر حقوقی ما به عنوان وابستگی حابرسد و نوده های مردم انقلابی را از حرکت در این راه بازدارند.

واقعیت انکارناپذیر دوران ما در سراسر جهان نشان می دهد که دشمنان سرخست دوستی و همبستگی با جبهه جهانی صدامبرالسی، بر هر رقابتی که ظاهر شوند، بالاخره مانند قطب زاده ها و سی صدرها ارتباطی سلم به امپریالیسم سردر می آورند.

دفاع ملی

تامین استقلال سیاسی بدون امکانات اطمینان بخش برای دفاع ملی مسر نیست. در دیای کوبی، که نیروهای متجاوز امپریالیستی و رژیم های ارتجاعی برای تثبیت پایه های متزلزل شده، کاخ های فرمانروایی غارتگرانه و جایزانه خود، از دست یازیدن به هیچ گونه جنایتی روگردان نیستند. سازماندهی یک سیستم نیرومند دفاع ملی، هم در زمینه دفاع نظامی و هم در زمینه امنیتی، یعنی دفاع در برابر نفوذ خرابکاران و توطئه گران وابسته به دشمن، از ضرورت های درجه اول انقلاب است.

متجاوز نظامی رژیم ضد مردمی و جنایتکار صدام پایان تجاوزهای نظامی امپریالیستی نیست. امپریالیسم آمریکا و رژیم های ارتجاعی منطقه خود را برای وارد آوردن ضربات بعدی به جمهوری اسلامی ایران آماده می کنند. آمریکا پایگاه های نظامی خود را در پیرامون ایران گسترش می دهد. در ترکیه، پاکستان، عربستان سعودی، پایگاه های نظامی جدید بوجود می آید و پایگاه های موجود فعال می شود. ارتش آمریکا نیروی ضربتی واکش سریع را برای ورود به عمل آماده می کند. و هم - پیمانان اروپایی او در تاتو تعهدات معینی در این زمینه به عهده می گیرند. خلیج فارس عملاً در محاصره نیروی دریایی و پایگاه های نظامی آمریکا قرار دارد.

اسرائیل، تبهکاری خود را در کشورهای عربی هر روز تشدید می کند و رژیم های ارتجاعی مصر و سودان و اردن و عربستان وارد بندوبست های خطرناکی با امپریالیسم و صهیونیسم می شوند.

بدون تردید جمهوری اسلامی ایران یکی از نخستین و حساس ترین آماج های نظامی امپریالیسم در خاور میانه است و برای این که در برابر توطئه های نظامی امپریالیستی بتواند از خود دفاع کند به ارتشی نیرومند، انقلابی و مردمی نیاز دارد. نیروهای مسلح کشور به منظور دفاع در برابر هرگونه تجاوزی باید هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی آماده گردند. کیفیت نیروهای مسلح بستگی دارد به وفاداری خدشه ناپذیر این نیروها در تمام سطوحش به آرمان ها و آماج های انقلاب و در اختیار گرفتن جنگ افزارهای امروزی و کاربرد و آمادگی فنی ورزشی. باید ترتیبی داد که ارتش ایران بهترین سلاح ها را بدون وابستگی و قید و شرط به دست آورد و از همه امکانات برای خودکفائی ارتش تا حد ممکن بهره گیری شود.

ولی همان طور که تجربه دوسال ونیم انقلاب نشان داده، شرط اول و اساسی برای ایجاد چنین سیستمی، پاکسازی دقیق دستگاه های دفاعی و امنیتی و انتظامی از عناصر وابسته به دشمن و ایجاد سدی بر سر راه نفوذ ستون بحم ساواکی، سلطنت طلب، مائوئیستی، لیبرال و خرابکار در این سیستم است.

تجربه دوسال ونیم گذشته نشان داد که هشدارهای سازمان های مرمیهدر این زمینه تاجه اندازه درست بوده است.

این تجربه از طرف دیگر به خوبی نشان داد که توده ای ستیزی، فدائی سیری و کمونیسم ستیزی، زیر چتر تظاهر افراطی به اسلام، تنها و تنها حاده صاف کی برای نفوذ عناصر ضد انقلاب نظیر کشمیری، کلاهی، فحسارزاده، معری و ده ها و ده ها افسر کودتاچی از نوع باقری و علوی در دستگاه های ارتشی، لبس و امنیتی بوده است. این اصل در آینده هم مسلماً به فوت خود باقی خواهد ماند.

هرگونه تلاش برای جلوگیری از شرکت نیروهای راستین انقلاب در امر دفاع ملی، خواسته یا ناخواسته، آگاهانه یا نا آگاهانه، خدمتی است به نیروهای کین توز ضد انقلاب. تاریخ آینده انقلاب ما صحت این تحقیق انکارناپذیر را



بیانیه مشترک

فروش نفت و گاز و هم‌ازجبت نامین تکنولوژی و وسایل ضرور برای استخراج و بهره‌برداری صنعتی، تنها در چارچوب همکاری همه‌جانبه با کشورهای جبهه جهانی ضد امپریالیستی و کثروهایی که در راه نامین استقلال اقتصادی خودکوشا هستند، امکان پذیر است.

نامین و تضمین استقلال اقتصادی، یعنی رهایی از وابستگی‌های استعماری و نواستعماری، بدون کوتاه‌کردن دست سرمایه‌داری غارتگر داخلی وابسته به اقتصاد امپریالیستی، از تجارت خارجی و از بخش تعیین کننده، توزیع کالاهای ضرور در درون کشور و اجرای قاطع اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی، امکان‌پذیر نیست. بخش دولتی و تعاونی اقتصاد باید در این زمینه مواضع مسلط به دست آوردند. جامعه تنها از این راه می‌تواند بفعالیت بخش خصوصی نظارت کند و به غارتگری بی‌بندوبار کلان سرمایه‌داران و محترکان و واسطه‌های بزرگ زالووصت، که در طول دو سال ونیم پس از انقلاب، به‌گونه‌ای لجام‌گسیخته، زحمتکشان میهن ما را غارت کرده‌اند، لگام زند.

لزوم پی‌ریزی يك اقتصاد خودکفای کشاورزی

رسیدن به استقلال اقتصادی بدون پی‌ریزی و سازماندهی یک اقتصاد خودکفای کشاورزی و دام‌داری، برپایه آخرین دستاوردهای علمی و تجارب اجتماعی کشورهای انقلابی، ممکن نیست.

نخستین گام در این راه پایان بخشیدن به نظام جنایت‌بار بزرگ‌مالکی است که هنوز، چون هشت‌پای خون‌آشام، آخرین رمق میلیون‌ها خانوار زحمتکش روستا را می‌مکد و بزرگ‌ترین مانع در راه ورود آزادی در روستا و رشد اقتصاد کشاورزی است. تصویب و اجرای بی‌خدشه و سریع قانون اصلاحات ارضی برپایه آنچه در شورای انقلاب مورد تأیید قرار گرفت، راه را برای این دگرگونی بنیادی در روستای ایران هموار می‌کند. ولی بدون تردید این تنها نخستین گام است.

پی‌ریزی یک اقتصاد کشاورزی که به حد مقدور خودکفا باشد تنها از راه گزینش شیوه‌های آزمایش شده برای افزایش تولید کشاورزی کشورهای کم‌رشد، میسر خواهد بود. برای کشور ما، که زحمتکشان روستایش از ابتدای تریسین امکانات و وسایل مدرن کشاورزی و دام‌پروری محرومند، یگانه وسیله برای بازکردن راه رشد اقتصاد کشاورزی، ایجاد تعاونی‌های کشاورزی و دام‌داری و شرکت داوطلبانه، دهقانان، با کمک همه‌جانبه دولت، در آن‌ها است. کمک دولت باید به صورت زیرین باشد:

- ایجاد مراکز تحویل و تعمیر ماشین‌های کشاورزی و نامین سوخت آن‌ها.
- نامین و تحویل کود ضرور و بیدر مغوب و پرمحصول.
- تأسیس و گسترش و فعال کردن مراکز خدمات کشاورزی و روستایی برای تحویل ماشین‌آلات، تحویل بذروکود، خدمات عمرانی و راهمایی دهقانان.
- واگذاری اعتبارات درازمدت و کم‌بهره.
- فعالیت دامنه‌دار برای تهیه آب، آب‌رسانی، برق رسانی و ساختمان

راه‌های روستایی،

- خرید یکجا و با بهاء مناسب مازاد محصولات کشاورزی و قطع دست غارتگر سلف‌خران، واسطه‌ها و محترکان.

کمک به ایجاد شبکه، وسیع تعاونی‌های مصرف برای رفع نیازمندی‌های روزمره روستائیان،

- کمک به ایجاد شوراهای ده در کلیه روستاها و دادن اختیارات و امکانات مالی و قانونی به آن‌ها و تبدیل آن‌ها به ارگان‌های فعال و موثر قدرت دولتی در روستا

استقلال فرهنگی

به موازات وابستگی اسارت‌بار سیاسی و اقتصادی، رژیم ننگ‌بار پهلوی اسارت فرهنگی میهن عزیز ما را، که خود دارای یکی از غنی‌ترین و باارزش‌ترین فرهنگ‌های جهان است، به فرهنگ در حال انحطاط غرب و به ویژه به "فرهنگ" منحنط آمریکایی به بالاترین درجه خود رسانید، - به جایی رسانید که گذاشتن نام "عطاری" و یا "داروگری" روی تابلوها ننگ و عار به حساب می‌آمد و "سوپر مارکت" و "دراگ استور"، که ۹۹ درصد از مردم ایران معنای آن را نمی‌فهمیدند و نمی‌فهمند، نشانه شخص و اعتبار شد.

گریه‌ترین داغ ننگ برسیاست فرهنگی رژیم وابسته آریامهری واقعیت‌های سوادآموزی است. در کشوری با این همه امکانات اقتصادی و مالی، که کم‌تر کشور در حال رشد در جهان از آن برخوردار بوده است، در کشوری با این فرهنگ غنی و اصیل، کندی پیشرفت ابتدایی‌ترین پایه فرهنگ مترقی، که با سواد کردن توده‌های میلیونی زحمتکشان است، کم‌نظیر بوده است. همین بس که در آخرین سال فرمانروایی رژیم وابسته، سرتگون شده، خود رژیم مجبور شد اعتراف کند که بیش از ۹۴ درصد زنان روستایی از نعمت خواندن و نوشتن محرومند و امکان

سوادآموزی نداشته‌اند.

یکی از مهم‌ترین و مبرم‌ترین وظایفی که انقلاب شکوهمند میهن ما در برابر حاکمیت انقلابی گذاشت، همین بازگردن زنجیرهای وابستگی اسارت‌بار فرهنگی به فرهنگ در حال انحطاط غرب و پی‌ریزی یک فرهنگ شکوفای ملی بود. امام - خمینی در رهنمودهای خود به مناسبت نهضت سوادآموزی و گسترش شبکه مدارس و مبارزه با غرب زدگی در فرهنگ، اهمیت این نبرد را به مسئولان کشور گوشزد کرده‌اند. گسترش شبکه مدارس ابتدایی در روستاها و شهرها و تصمیم دولت درباره کمک مالی به هر گروه مردمی که بخواهد مدرسه‌ای باز کند، البته گام‌های قابل تأییدی در این راه بوده است. ولی این‌ها فقط قطره‌هایی است در دریای نیاز سوزان میلیون‌ها مردم به فرهنگ.

کسودها، اشتباهات، خرابکاری‌ها... که در همه زمینه‌ها اثر گذاشته است، در این میدان هم به صورت مانع اصلی در برابر روند پیشرفت درآمد.

به علت تسلط غرب‌زدگان و آمریکازدگان و بیروان خط لیبرالی سازش و تسلیم بردولت موقت و دنباله‌روان آن، از یک سو، و عملکرد گروه‌های واپس‌گرا، که با هرگونه اعتلای فرهنگ مردمی و پیشرو دشمنی می‌ورزند، از سوی دیگر، امکانات بسیار مساعد و بزرگی در دو سال ونیم دوران انقلاب از دست رفت، و ما امروز در برابر کوهی از دشواری‌ها بر سر راه توسعه فرهنگ مردمی پیشرو، قرار گرفته‌ایم.

دانشگاه‌ها، که وظیفه تربیت کادر علمی و فنی برای رشته‌های گوناگون اقتصاد، صنایع، کشاورزی، ساختمان، فرهنگ، آموزش و پرورش، سازماندهی کشور و غیره را بر عهده دارند، به جز دانشگاه‌های علوم دینی و گوشه‌ای از دانشکده‌های پزشکی، در حال تعطیلند. بیش از صد هزار جوان دانشجوی، که در دانشگاه‌ها مشغول تحصیل بودند، بیگار و بی‌هیچ دورنمایی برای زندگی، تشنه آموختن و به‌کار انداختن آموخته‌های خود در راه اعتلای فرهنگی و اقتصادی میهن، در حال انتظارند. هر سال ده‌ها هزار دانش‌آموز، دبیرستان‌ها را ترک می‌کنند و به این خیل عظیم می‌پیوندند. همه این‌ها در مجموع خود، زمین حاصلخیزی برای بذرافشانی‌های ضدانقلاب و رویاندن انواع انحرافات سیاسی و اخلاقی فراهم می‌آورد.

ولی به موازات این محرومیت‌ها برای صدها هزار جوان میهن ما، که اکثرشان از وابستگان به اقدار میانه و بخشی از فرزندان طبقات محروم‌اند، برای بیش از یکمده‌هزار نفر، که اکثر از اقدار ثروتمند و حتی از خانواده‌های غارتگران هستند، در دانشگاه‌های آمریکا، انگلیس، آلمان غربی، فرانسه، ایتالیا و سایر کشورهای امپریالیستی غرب، با برخوردار از همه‌گونه تسهیلات، امکان تحصیل فراهم می‌شود. پذیرش این دشوار است که گویا در دانشگاه‌های ایران فرزندان خلق، زیر نظر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، غرب‌زدگی پیدا می‌کنند، ولی فرزندان اقشار مرفه، به هزینه ماهیانه ۱۰۰۰ دلار و پرداخت هزینه تحصیلی سالیانه در حدود ۵ تا ۱۰ هزار دلار برای هنر، در دانشگاه‌های کالیفرنیا و لندن و پاریس، درست آن‌طور تربیت می‌شوند که جمهوری اسلامی ایران خواهان است!

این نقیض آشکار با هیچ "برهانی" قابل توجیه نیست.

نهضت سوادآموزی، که در آغاز نیروی عظیمی را با شور و شوق بخود جلب کرد، به علت تنگ‌نگری و قشری‌گری مسئولان در حقیقت به حال رکود افتاده است تا سافانگیز است که هزاران فرد علاقمند و آماده برای خدمت به مردم، که بسیاری از آنان حتی به هیچ سازمان و سمت‌گیری سیاسی وابستگی ندارند، تنها به این علت که از پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی که بسیاری از طلاب علوم دینی نیز از آن عاجزند از شرکت در پیکار علیه بیسوادی محروم می‌مانند.

ما نمی‌توانیم تردید کنیم که در این میدان مهم نبرد هم، امیران نظام‌ها، قطب‌زاده‌ها، بنی‌صدرها و کشمیری‌ها دست‌اندرکار بوده و هستند، تا با کمک آگاهانه و یا ناآگاهانه عناصر تنگ‌نگر و قشری و با به‌کار بردن همان شیوه‌هایی که در میدان فعالیت سیاسی و اقتصادی به طور موثر به کار برده‌اند، رشد فرهنگ اجتماعی را کند کنند و هر جا بتوانند آن را به بیراهه بکشانند. رشد یک جامعه دردسبای کنونی و آینده، بدون رشد همه‌جانبه فرهنگ عمومی آن، در زمینه‌های علوم، فنون، ادبیات، هنر و زمینه‌های دیگر غیر قابل تصور است. مسلماً می‌توان با چارچوب‌های بولادین جلو رشد طبیعی و مترقی فرهنگ یک جامعه را برای مدت زمان معینی گرفت، ولی چنین سیاستی، بدون هیچ تردید، آینده‌ای نخواهد داشت. اندیشه‌ها، اگر در جهت سیر تکاملی تاریخ بشری باشند علی‌رغم تمام تلاش‌های واپس‌گرایانه زنده می‌مانند و رشد می‌کنند. سیر تاریخ اسلام انقلابی و مردمی و نیز سیر تاریخ مارکسیسم، یعنی اندیشه انقلابی دوران معاصر ما، نمونه‌های برجسته این حکم تخطی‌ناپذیر تاریخند.

برپایه این اعتقادات است که حزب توده ایران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از حاکمیت جمهوری اسلامی ایران می‌خواهند که اجازه ندهند تحریکات عوامل دشمن انقلاب از یک سو، و عملکرد عناصر ناآگاه و خودمحور و تنگ‌نگر و واپس‌گرا از سوی دیگر، جریان عظیم و سرنوشت‌ساز انقلاب فرهنگی را از سمت‌گیری اصیل خود منحرف سازند. هدف این سمت‌گیری نمی‌تواند چیزی

بیانیه مشترک

جز پاره کردن زنجیرهای اسارت غربزدگی و انحطاط از دست ویای فرهنگ ملی ما و بازکردن راه پیشرفت همه جانبه و آزاد فرهنگ مردمی مترقی، با بهره گیری از همه ارزشهای فرهنگی مترقی و مردمی جهان پیرامون ما، باسد.

ب. آزادی

یکی از سه شعار اصلی انقلاب شکوهمند میهن ما "آزادی" است. میلیون ها مردم زحمتکش ایران که از استبداد سیاه سلطنتی خاندان پهلوی و سایر عمال امپریالیسم به جان آمده بودند، برای آن به حرکت آمده و قیام کردند که آن نظام تنگن گین خودکار را براندازند و نظامی بر خاسته از آزادی و مدافع آزادی برقرار کنند.

پس از پیروزی انقلاب، طبقات بهره کمن و گروه های سیاسی سبناگرمناغ این طبقات کوشیدند تا شعار آزادی را نه آنچنان که توده مردم می خواستند، بلکه آنچنان که منافع تنگ طبقاتی آنها ایجاب می کند تعبیر و احرا کنند: سازشکاران و تسلیم طلبان لیبرال کلمه "آزادی" را برای فریب مردم به کار برده و به معنای آزادی منحرف کردن جمهوری اسلامی ایران به سوی سازش با امپریالیسم جهانی گرفتند و سرمایه داران غارتگر به معنای آزادی اساس و کاربرد آزاد سرمایه و آزادی بهره کمنی از کارگران و زحمتکشان و آزادی غارت بی سد و بار تلقی کردند. تنگن گران و خود محوران، آزادی را فقط برای خود به قصد سرکوب "دگراندیشان" و تحمیل نظر خود طلب نمودند.

تنها نیروهای راستین انقلاب، چه در صفوف مبارزان مسلمان و چه در صفوف پیروان راستین سوسیالیسم علمی، شعار آزادی را به معنای واقعی که توده مردم می خواستند و می خواهند درک کرده و برای اسفراغ آن رزمیدند. این نیروهای انقلابی راستین که با تمام نیرو از ابعاد استقلال طلبانه، آزادمنشانه و عدالت خواهانه خط امام خمینی پشتیبانی می کنند، آزادی را برای توده های ده ها میلیون کوخ نشین، محرومان، مستضعفان، و با کلامی دیگر، برای زحمتکشان شهرو روستا، می خواهند. آن آزادی که ما پیوندگان راه توده های محروم برایش مبارزه می کنیم، از نوعی است که توده های زحمتکش میهن ما، به ویژه در دوران استبداد سیاه آریامهری، از آن محروم بوده اند، یعنی آزاد شدن از غارتگری و جباول گران، آزاد شدن از یوغ اسارت سیاسی و فرهنگی نظام استبدادی و وابسته به استعمارنو، آزادی از ترس و دلهره، دائمی به مناسبت داشتن این یا آن اندیشه، اجتماعی، آزادی از بردگی و بندگی، آزادی از گرسنگی، رهائی از بیماری ها، آزادی از بی خانگی، آزادی از بی فرهنگی، آزادی از ستم و محرومیت های ملی.

ما با اعتقاد راسخ به حقانیت توده های زحمتکش، که ایجادگران همه ارزش های واقعی جامعه هستند، برآنیم که تامین آزادی های واقعی برای این توده های ده ها میلیونی، خواه ناخواه با محدودیت هایی برای "آزادی" مورد خواست طبقاتی که موجودیتشان بر پایه "محرومیت این توده ها استوار است، توأم خواهد بود. بدون کوتاه کردن دست غارتگران از غارت و جباول نمی توان توده ها را از غارت شدن آزاد کرد.

بدین سان، مبارزه در راه تامین آزادی برای توده های ده ها میلیونی، جیرا با سرکوب آشتی ناپذیر ضدانقلاب، با قطع همه ریشه های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی تسلط غارتگران خارجی، یعنی امپریالیسم جهانی، با لجام زدن به همه خود محوران و تنگن گران و قشری گرایان، که برای سایر انقلابیون حقی فاعل نیستند و می کوشند تا زورمداری را جانشین آزادی برای توده ها سازند، همراه خواهد بود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول ارزنده و بسیار مهمی در زمینه تضمین آزادی های فردی و اجتماعی تثبیت شده است. امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، هم بارها و بارها ضرورت و اهمیت رعایت این آزادی ها را برای همه کسانی که قصد توطئه برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران را نداشته باشند، تاکید کرده اند.

ولی باکمال تاسف جریان اوضاع در کشور ما بخش بزرگی از نکات تصریح شده در قانون اساسی را در زمینه آزادی های فردی و اجتماعی، به حال تعطیل درآورده است. بخش قابل توجهی از نیروهای راستین انقلاب، که با تمام نیروی خود در مبارزه برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمندمان، در مبارزه برای درهم کوبیدن توطئه های رنگارنگ دشمنان انقلاب به سرکردگی آمریکا، در مبارزه برای اتحاد همه نیروهای راستین هوادار انقلاب گام برداشته و برمی دارند، از بسیاری از آزادی های قانونی محرومند. افراد غیرمسئول، با دستگیری گروه های غیرقانونی اعمال فشار، دفاتر احزاب و گروه های سیاسی را غارت می کنند، از فعالیت آنان جلوگیری می کنند، به کتابفروشی ها هجوم می برند، کتابسوزان راه می اندازند و از این راه، جو ترس و وحشت را جایگزین آزادی تصریح شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می کنند.

با بهره گیری از همین جو ناسالم است که عناصر وابسته به ضدانقلاب و

نیروهای براندازی، با گذاشتن نقاب ریا و تزویر و داشتن ریش و تسبیح، مانند کشمیری ها و کلاهی ها و فخارزاده ها، نه تنها در نهادهای انقلابی و دستگاه دولتی، بلکه در رسانه های گروهی و برخی نشریات منتسب به حاکمیت جمهوری اسلامی ایران نیز، خود را جا زده اند و با آزادی کامل در سببایی و نفاق افکنی جبهه پایداری نیروهای انقلابی راستین را در برابر ضدانقلاب ناتوان می کنند. کارگران و دیگر زحمتکشان شهر و روستا، مانند دهقانان، آموزگاران و پرستاران و غیره، از تشکیل سازمان های صنفی، که بعنوان حق مسلم آنان در قانون اساسی ثبت شده است، محرومند، ولی در عوض کلان سرمایه داران و واسطه ها با آزادی کم نظیری به غارت و حشیانه ثروت های ملی و محصول کار زحمتکشان مشغولند. گروه های فشار، نظیر گروه "حجتیه" در سراسر کشور، و گروه "شیت" در غرب کشور و نظایر آن ها در دیگر نقاط، با تظاهر افراطی به مذهب، همجا مردم را از ابتدائی ترین آزادی هایی که، نه به جامعه و نه به هیچ فردی صدمه می رسد، محروم می سازند.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مسئولیت پیدایش این وضع را، که بصورت یکی از سرچشمه های جدی تهدید برای روند تثبیت و تحکیم انقلاب درآمده است، در درجه اول متوجه طیف پهنایر جبهه متحد ضد انقلاب و پس از آن متوجه عناصر و گروه های افراطی راست در حاکمیت و یا در کنار حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و عناصر و گروه های افراطی "چپ" در جامعه، می دانند.

جبهه متحد ضدانقلاب بررگترین دشمن گسترش آزادی های مردمی و توده های در جامعه انقلابی ما است. این جبهه در عین اینکه فریادهای طرفداری از آزادی اش گوش همه را کر کرده، در واقع خواهان آزادی برای فعالیت ضدانقلاب، یعنی فعالیت آزاد برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران است. "آزادی" مورد علاقه ساواکی ها، بختیار، اویسی، لیبرال ها، قطب زاده ها، بنی صدرها از این قماش است. آنها خواهان "آزادی" برای تدارک کودتای نوزده، "آزادی" برای خرابکاری در موسسات اقتصادی، "آزادی" برای سازش با امپریالیسم آمریکا و اروپای غربی و زاین، "آزادی" برای همکاری با حکومت های مرتجع و وابسته منطقه و بالاخره "آزادی" برای سرکوب نیروهای راستین صدامیریالیستی و مردمی - اعم از پیروان خط امام خمینی و پیروان سوسیالیسم علمی هستند.

جبهه متحد ضدانقلاب از این تاکتیک مزورانه خود، یعنی فریادکشدن برای "آزادی" از یکسو و تلاش برای ایجاد محیط عدم ثبات، با توسل به همه اقدامات حیانتکارانه - از ترور مسئولان گرفته تا آشزردن خرمن ها، خراب کارخانه ها، فلج کردن اقتصاد کشور، ترویج گرانی، بی اعتمادی و غیره - از سوی دیگر، دو هدف را دنبال می کند: نخست اینکه، با این اقدامات آغدر حاکم جمهوری اسلامی ایران را ناتوان کند، تا بتواند آن را براندازد و راه را برای به قدرت رسیدن "دولت میاهرو"ی با طبع آمریکا هموار سازد، دوم اینکه اگر فعلا این هدف دسترس پذیر باشد، از راه گسترش مسئولان واقع بین، راه را برای به قدرت رسیدن جناح راست افراعی در حاکمیت، هموار کند. جبهه متحد ضد انقلاب امیدوار است که اقدامات این جناح راست افراطی، با سرعت و شدت مردم را ناراضی کند و بطور غیرمستقیم محیط را برای توطئه های دشمنان جمهوری اسلامی ایران آماده سازد.

رهبری "سارمان مجاهدین خلق" و دیگر گروه های چپرو، که روزگاری از آزادی برای توده های مردم، آزادی برای پاره کردن بند های اسارت ملی و طبقاتی دم می زدند، به این خیل ننگین "آزادخواهان"، که در حقیقت گورکنان آزادی هستند، پیوسته و پیروان گمراه شده خویش را به ابزار توطئه های خانمان برانداز ضدانقلابی جبهه متحد ضدانقلاب مبدل کرده است. نتیجه عملی فعالیت این نیرو همین است که امروز شاهدش هستیم. هر هفته، در خیابان های شهرهای ایران و در زندان ها، ده ها و گاه صدها جوان بانیت آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، از میان گمراه شده گان کشته می شوند و چندین نفر از مبارزان راستین راه انقلاب ترور می شوند. ساواکی ها و ضدانقلابیون حرفه ای و سلطنت طلبان و لیبرال ها و ستون پنجم مائوئیستی آمریکا در کنار این معرکه خون آلود پایکوبی می کنند. هم اکنون از یکسو صدها نفر از مسئولان درجه اول جمهوری و بسیاری از مدافعان انقلاب و جمهوری اسلامی جان خود را از دست داده اند. و از سوی دیگر بیش از یک هزار و پانصد نفر اعدام شده اند.

ما بار دیگر تاکید می کنیم که سود انقلاب و جمهوری اسلامی است که حساب رهبران را از هواداران نوجوان گمراه جدا کنند. خلق حق دارد و باید دشمنان سوگند خورده انقلاب، خائنین به خلق و گریختگان به آغوش امپریالیسم را بدون کوچکترین معاشات سرکوب کند. در عین حال باید با اتخاذ سیاست ارشادی شرایطی فراهم آورد که نوجوانان و گمراهانی که خود عامل اصلی راهی که رهنماید هستند، به آغوش انقلاب بازگردند. ضرورت کاملاً مبرم انقلاب آنست که از اعدام های عجولانه و ناسنجیده مطلقاً اجتناب شود و موازین حقوقی و قانونی در مورد متهمین مراعات گردد. احکام اعدام کسانی که به اشتباه خودی می برند و برای دفاع از مردم و انقلاب و شرکت در بیکار ضدامیریالیستی اعلام آمادگی می کنند معوق بماند تا در زندان

بیانیه مشترک

به آنان فرصت داده شود که برآمور راهی که رفته اند و وظایفی که در پیش دارند بیشتر بیاندیشند و صداقت خود را علنا به اثبات رسانند.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اطمینان دارند که پایبندی مقامات انتظامی و قضایی به اطلاعیه ده ماده‌ای دادستان کل انقلاب درباره آزادی فعالیت احزاب و گروه‌هایی که قانون اساسی را محترم می‌شمارند گام سیاسی بسیار مهمی است در جهت بازگرداندن آرامش متکی به قانون و عدالت اجتماعی به جامعه.

ما اطمینان داریم که چنین گام مهم سیاسی، بخش بزرگی از گمراهان را از خیانتکاران اصلاح‌ناپذیر و همچنین از ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان و جنایتکاران حرفه‌ای جدا خواهد ساخت و گمراهان را، بدون ترس و وحشت از مرگ، بدون توسل به دروغ و ترس، صادقانه به زندگی مفید سیاسی و اجتماعی بازخواهدگرداند.

اطمینان داشته‌باشیم که سطح تکامل جامعه ایران و درجه بلوغ فکری نیروهای انقلاب در پیوند با اهداف و شعارهای اساسی انقلاب تنوع چندگانگی عقاید و افکار نیروهای مدافع انقلاب را گریزناپذیر ساخته‌است. این تصور که هم می‌توان انقلاب را حفظ کرد و عمیق‌تر کرد و هم حق دفاع از آن را از بخش مهمی از نیروهای انقلابی سلب نمود، اشتباه بزرگی است و تلاش در پیاده‌کردن چنین برداشتی علنا به‌زبان انقلاب و بسود دشمنان آن تمام خواهد شد.

تاریخ جامعه بشری از بردگی تا امروز نشان داده‌است که نه با ترور و کشتار و نه با اعدام و زندان، هر اندازه هم برداشته باشد نمی‌توان اعتقاداتی را که در مغزها جای گرفته‌اند، نابود کرد. افکاری که در مغزها جای گرفته‌اند اگر نادرست باشند، تنها از راه ارشاد و افشای جای خود را به افکار و اعتقادات درست می‌دهند.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) آن‌عده از "مجاهدین خلق" و "چریک‌های اقلیت" و نظائرشان را، که هنوز صادقانه هوادار آماج‌های ضدامپریالیستی، آزادیخواهانه و مردمی انقلاب میهن ما هستند، مخاطب قرار می‌دهند و با یادآوری مسئولیت سنگین تاریخی کمر دوش دارند، از آنها می‌طلبند که بدون درنگ، با پندگرفتن از گام جسورانه هم‌رزمان سعادت، تمام نیروی خود را برای خنثی کردن خیانت رهبران خود و پایان بخشیدن به این فجایع به‌کارانندازند.

بمنظر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سود ادامه این برخوردها تنها و تنها به کیسه ارتجاع و ضدانقلاب داخلی و امپریالیست‌های خونخوار حامی آنان سرازیر می‌شود و زبان‌های جبران‌ناپذیر آن، مانند آواری به‌سر محرومان، زنان و مردان آزاده جامعه ما فرو خواهد ریخت.

اشاعه ترور ضدانقلابی یک نقشه شوم امپریالیستی برای تضعیف نیروهای ضدامپریالیستی است، مجری این نقشه پلید نشوید رجوی‌ها و خیابانی‌ها با محافل ارتجاعی و عناصر طرفدار سرمایه‌دارها و فئودال‌ها ساخته‌اند، آنها به انقلاب و به خلق ما خیانت کرده‌اند، آنها را از خود برانید. بدانید که این جمهوری با وجود همه نارسائی‌ها و کمبودهایش در تمام دوران موجودیتش و بویژه در ماه‌های اخیر ضربات دردناکی بر امپریالیسم وارد آورده‌است.

ارزیابی‌های نادرست را از فکر خود بیرون کنید، تبلیغات امپریالیستی را باور نکنید که می‌گویند رژیم در حال سقوط است. حصار فکری را که سازمان‌ها پتان با تحریم همه رسانه‌های گروهی ضدامپریالیستی بدور ذهن شما کشیده‌اند، بشکنید حرف‌های سعادت را بیکبار دیگر بخوانید. همه سخنان را بشنوید و نیکوترین آنها را برگزینید. ارزیابی‌ها و نظرات خود را بر نارسائی‌ها و کمبودها و اشتباهات بخشی از حاکمیت استوار نکنید. ضدیت با امپریالیسم و تلاش برای انجام‌زدن به غارتگری بزرگ‌بالکان و کلان‌سرمایه‌داران را مبداء قرار دهید. امپریالیست‌ها و مرتجعین همگی خط مشی مجاهدین را می‌ستایند و از رجوی حمایت می‌کنند. تمام کشورهای مترقی و انقلابی از جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه‌ها و تجاوزات امپریالیستی حمایت می‌کنند.

تجربه تمام جنبش‌های انقلابی نشان می‌دهد که ادامه دشمنی با نیروهای که با امپریالیسم می‌ستیزند، بلااستثنا و بدون تردید به همدستی با امپریالیست‌ها کشیده می‌شود و هر چه آن دشمنی کینه‌توزانه‌تر باشد این همدستی ناگزیرتر و در عین حال مخلصانه‌تر خواهد شد. آیا سرنوشت غمبار مائو و دارودست‌هایش هنوز هم برای شما درس عبرت نیست؟

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای همه مبارزان راستین راه انقلاب ایران غلبه بر اشتباهات و خودمحوری‌ها را آرزو می‌کنند و آنان را فرا می‌خوانند که با تمام نیرو در بازگرداندن آرامش متکی به قانون و عدالت اجتماعی تلاش کنند و با این تلاش راه را برای اتحاد هرچه وسیع‌تر نیروهای خلق، نیروهای هوادار انقلاب هموار سازند. ما آرزو می‌کنیم شرایطی فراهم آید که همه نیروهای ضدامپریالیستی بجای آنکه بروی یکدیگر سلاح بکشند و برای قتل یکدیگر تصمیم بگیرند، توان آنرا بیابند که مسایل خود را با یکدیگر از طریق انتقاد خلاق حل‌کنند و جنبه خلق را متحدتر سازند، ما برای فراهم

آوردن چنین فضایی از هیچ کوششی دریغ نخواهیم کرد. حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همه نیروهای راستین انقلاب را مخاطب قرار می‌دهند و از آنها می‌طلبند تا تمام نیروی خود را برای پایان‌بخشیدن به این فجایع خونین که بدون تردید از طرف دشمنان انقلاب ایران به‌سرگردگی آمریکا به جامعه رنج‌دیده میهن ما تحمیل شده‌است، بکار اندازند.

بمنظر ما تنها و یگانه راه چیره‌شدن بر این وضع دردناک بازگرداندن آرامش متکی به قانون و عدالت اجتماعی به جامعه است. ما یکبار دیگر پیشنهادهای خود را تکرار می‌کنیم و امیدواریم که مورد توجه مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد.

ما پیشنهاد می‌کنیم صدور حکم اعدام از طرف دادگاه‌های انقلاب برای کلیه اعضا و هواداران سازمان‌های چپ‌رو، که مستقیماً در عملیات مسلحانه و خرابکاری‌های انجام‌شده دخالت و مشارکت نداشته‌اند، متوقف گردد و از سوی دادستان کل انقلاب به این گونه افراد اطمینان داده‌شود که در آینده هم، در صورت عدم شرکت در جنایات یادآوری شده، محکوم به اعدام نخواهند شد، و در صورت فاصله‌گرفتن از اقدامات تروریستی و عملیات خرابکاری و محکوم کردن آن، می‌توانند در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به فعالیت سیاسی قانونی بپردازند.

ج. عدالت اجتماعی

انقلاب ایران رزمی را سرنگون کرد که در نوع خود در جهان کم‌نظیر بود بنیاد نظام آریامهری را حاکمیت بی‌بندوبار و غارتگرانه اتحاد شوم و جنایت‌بار امپریالیست‌های آمریکایی، اروپایی و ژاپنی با کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان، به سرگردگی خاندان فاسد پهلوی، تشکیل می‌داد. در جامعه آریامهری دره میان زندگی توده‌های ده‌ها میلیونی محرومان شهر و روستا و اقشار ممتاز جامعه و کارگران و دستارانشان چنان ژرف بود که در سراسر جهان به زحمت می‌شد نظیری برای آن یافت. درآمد ماهیانه یک آموزگار و یا یک کارگر ساده حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان بود، درحالی که درآمد یک سرمایه‌دار کلان بازار از سالی صدها میلیون تومان تجاوز می‌کرد.

سطح درآمد روستائیان بی‌زمین و کم‌زمین از این هم پائین‌تر بود. طبق آمارهای دقیق، میانگین درآمد ماهیانه خانوارهای کم‌درآمد روستایی حدود ۵۰۰ تومان در ماه بود، و آن هم در وضعی که تنها درآمد خالص سالیانه نفت نزدیک به ۲۵ میلیارد دلار شده‌بود و این ثروت عظیم را انحصارهای امپریالیستی تولیدکننده جنگ‌افزار و تومیل و اشیاء لوکس و وسائل مصرفی، با همدستی خاندان پهلوی و کلان سرمایه‌داران ایرانی و ساواکی‌های محافظ‌آنها و فرماندهان ارتش و دیگر نیروهای مسلح و مأموران بلندپایه دولت آریامهری، به تناسب مقام بین خود تقسیم می‌کردند.

انقلاب شکوهمند میهن ما این نظام را سرنگون ساخت. توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان شهر و روستا، که این انقلاب را به پیروزی رساندند، انجام دگرگونی‌های بنیادی را در جهت تامین عدالت اجتماعی، یعنی پایان بخشیدن به غارت غارتگران و انکلاها و به‌کار انداختن ثروت‌های ملی و محصول کار مردم برای بالا بردن رفاه عمومی، بهداشت عمومی و آموزش عمومی، به عنوان یکی از ۲۳ آماج اصلی انقلاب و ۳ وظیفه درجه اول حاکمیت انقلابی، خواستار شدند. اکنون پس از گذشت دو سال و نیم از انقلاب، با قاطعیت می‌توان اعلام کرد: علیرغم کامیابی‌های چشمگیری که در جهت محدود ساختن غارتگری کلان چپاولگران امپریالیستی و خودی انجام گرفته، در زمینه بهبود شرایط زندگی توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان گام موثر و دگرگون‌کننده‌ای برداشته نشده است. کاملاً درست بود که شهید رجایی به این محرومان می‌گفت:

"شما هم باید فریاد بزنید: رجایی! مستضعفین هیچ چیز گیرشان نیامده."

"ما نگران آن بخش عظیم از اسلام هستیم که باید پیاده شود. ما نگران آن هستیم که نتوانسته‌ایم مستضعفین ایران را هنوز بهشان برسیم. هنوز نتوانسته‌ایم بر متولیینی که نماز می‌خوانند، بگوئیم که نماز شرايطی دارد که تو در این وضع آن شرايط را نداری."

از روزنامه جمهوری اسلامی
۲۳ شهریور ۱۳۶۰
این اعتراف صادقانه را با گزارش مهندس سبحانی، رئیس کمیسیون بودجه و سازمان برنامه مجلس شورای اسلامی (۱۷ فروردین ۱۳۶۰) در مجلس، کنار هم بگذاریم:

"بخش خصوصی بدون استثنا سود برده‌است. به اعتراف خودشان در بخش تجارت... به خود بسته"

گفتند سودی را که در این دوساله بخش تجارت برده است، در تاریخ ایران نظیر نداشته است.

پارچه به ۳ برابر قیمت تمام شده به مصرف کننده فروخته شده است. سال گذشته ۱۱ میلیارد دلار اعتبار به بخش خصوصی داده شده است و بخش تجارت چیزی در حدود ۱۲۰۰ میلیارد ریال در سال ۵۹ سود برده است. در بخش کارخانجات خصوصی نیز سودهای کلانی برده اند. برای مثال کارخانجات نساجی چه کار کرده اند. متقال هزینه تمام شده اش، باتمام افزایشی که در نرخ پنبه هست، حدود متری ۶۵ ریال می شود. لیکن تمام کارخانجات نساجی متقال را به متری ۱۷۰ ریال به بنکدارها فروختند و آنها نیز به مصرف کننده تا متری ۲۳۰ ریال. یک سازمان به نام سازمان اقتصاد اسلامی که این اسم را رویش گذاشته الیاف مصنوعی را کیلویی ۶۵ ریال وارد می کند و در بازار کیلویی ۱۸۰ ریال عرضه می کند.

بیاورد این غارتگری بی بندوبار، گرانی سرسام آور است که مانند کابوس بر کرده، دهها میلیون زحمتکش کم درآمد جامعه ما فشار می آورد و این فشار هر روز سنگین تر و طاقت فرساست می شود.

اقدامات جداگانه دولت در زمینه مبارزه با این پدیده دردآور، در عین اینکه درست و مورد پشتیبانی است، ولی قطره ای است در دریا و همینطور است مسئله مسکن، مسئله بهداشت.

علیرغم خدمات گرانبهایی که برخی نهادهای انقلابی، مانند جهاد سازندگی، در جهت کمک رسانی به عقب افتاده ترین بخش جامعه ما، یعنی روستاها انجام داده و می دهند، هنوز بزرگ مالکان و خانها اختاپوس وار بر اکثر روستاهای ایران چنگ انداخته، بر حیات روستا حکومت می کنند و با جازدن عناصر وابسته به خود در برخی نهادهای انقلابی، از رسیدن نسیم انقلاب اجتماعی به روستا جلوگیری می کنند.

چنین است گوشه هایی از آنچه که در دوسال و نیم گذشته در زمینه تامین عدالت اجتماعی انجام نگرفته، و یا بهتر بگوییم، هنوز دست نخورده مانده است. حاکمیت نمایندگان سیاسی سرمایه داری بصورت دولت موقت و بازارگانها و ایزدیها و صدرها و صباغیانها و پس از آن بنی صدرها و نوبیها بر سیاست اقتصادی ایران، شرایط را نه تنها برای ادامه غارتگری زالوهای خون آشام اجتماعی، بلکه برای تشدید بی بندوبار این غارتگری آماده می ساخت. غارتگران اجتماعی، یعنی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، با بهره گیری از دشواریهای ناشی از فشار اقتصادی و نظامی حامیان امپریالیستی شان و با حمایت روحانیت وابسته به طبقات غارتگر، با چنگ و دندان از هرگونه اقدام قاطع در زمینه تامین عدالت اجتماعی جلوگیری می کنند.

علیرغم اینکه مردم انقلابی ایران بسیاری از خواستهای خود را در زمینه تامین عدالت اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تثبیت کردند، در راه اجرای این مواد بسیار مهم از قانون اساسی - اصول ۴۴ - ۴۹ - و ایجاد شرایط لازم برای پایان بخشیدن به استثمار انسان از انسان ... هنوز گامی برداشته نشده است.

بنظر ما سرنوشت انقلاب شکوهمند میهن ما در گرو این تحول سرنوشت ساز انقلاب است. حاکمیت جمهوری اسلامی ایران باید برای درهم شکستن همه توطئه های جبهه متحد ضد انقلاب، که می کوشد توده های میلیونی زحمتکش را از انقلاب ناامید سازد، به این خواست برحق محرومان، یعنی پیاده کردن اصول قانون اساسی در زمینه تامین عدالت اجتماعی، جامعه عمل بپوشاند.

باید با خارج ساختن شریانهای اقتصادی از دست غارتگران سرمایه دار، و سپردن آن به بخش دولتی و تعاونی های واقعی تولیدکنندگان و مصرف کنندگان، یعنی با تقویت همه جانبه بخش دولتی و تعاونی و محدود ساختن و کنترل دقیق بخش خصوصی، نظام اقتصادی آریامهری را از بنیاد دگرگون ساخت.

همانگونه که تجربه نشان داده است، با شلاق زدن و جریمه گرفتن و یک ماه تبعید کردن کاری از پیش نمی رود، و نیز ارشاد و تحریک بشردوستی و نوع پروری هم در سرمایه دار زالو صفت تاثیر ندارد. او به این ارشاد می خندد، شلاق را می خورد، جریمه را می پردازد، ولی از همان فردا و یا حداکثر پس از بازگشت از یک ماه استراحت اجباری، نه تنها چند برابر جریمه های پرداخت شده، بلکه چندین برابر "حق الدرد" شلاقها را هم از جیب مصرف کنندگان بیرون می کشد. یگانه راه، برقراری یک سیستم دولتی و تعاونی، تدارک و توزیع کالاهای ضرور و محدود نگاه داشتن بخش خصوصی در چارچوب مقررات بخش دولتی و تعاونی است. این تنها شیوه ای است که در دهها و دهها کشور دیگر، که در وضعی نظیر کشور ما بوده اند، موفقیت داشته است.

باید با برقراری هرچه سریع تر و ریشه دارتر یک سیستم مالیاتی مستقیم بر درآمدها، امکان تراکم بی بندوبار ثروت و سرمایه را از زالوها گرفت.

باید اصل ۴۹ قانون اساسی را همه جانبه و قاطع به اجرا درآورد و ثروت بی سابقه ای را که در دست غارتگران گرد آمده، از آنان بازستاند و از راه واریز آنها به صندوق دولت و صرف آنها در جهت تامین خواستهای حیاتی مردم رحمتی، به صاحبان اصلی اش رسانید.

باید آنچه را که شهید دکتر باهنر هنگام تقدیم برنامه دولت خود به مجلس در رزمه لزوم اجرای مواد قانون اساسی در مورد تعیین حدود مالکیت مشروع و عادلانه بیان داشت، هرچه زودتر عملی ساخت.

باید مسئله تامین مسکن را جدی گرفت و با برنامه های فوری و درازمدت، گام اساسی در این راه برداشت. همین طور است مسئله تامین بهداشت عمومی برای محرومان، که باکمال تأسف در قیاس با روزهای نخستین پیروزی انقلاب، نه تنها هنوز هیچگونه بهبود محسوس پیدا نکرده، بلکه بطور محسوس بدتر شده است. فداکاری و گذشت قابل ستایش گروهی از بزرگان و کارکنان متعهد به انقلاب در بخش درمان و بهداشت نتوانست و نمی تواند بر دشواریهای ناشی از عقب افتادگی دهشت آور در این زمینه، چیره شود.

اختیاراتی که امام خمینی در پاسخ نامه رئیس مجلس شورای اسلامی به مورخ ۱۳۶۰/۷/۱۹ به نمایندگان مجلس داده، امکانات فراوانی برای اتخاذ تصمیمات قانونی در جهت تامین عدالت اجتماعی فراهم کرده است. با این پاسخ امام، دشواریهای شبه قانونی که در برابر اجرای تمام و کمال اصول یادشده قانون اساسی، انجام تحول بنیادی در عرصه اجتماعی و تامین خواستهای زحمتکش وجود داشته، از میان برداشته شده است. اینک بعهدہ مجلس شورای اسلامی است که از این اختیارات به بهترین وجه بهره گیرد.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از هرگام مثبتی که در این سمت برداشته شود پشتیبانی خواهند کرد.

عدالت اجتماعی در زمینه حقوق زنان

زنان میهن ما و بویژه زنان طبقات محروم جامعه سهم بسیار بزرگی در پیروزی انقلاب و در روند تثبیت و تحکیم آن داشته و دارند. امام خمینی رهبر انقلاب بارها اهمیت مبارزه زنان برای تحقق آرمانهای انقلاب را یادآوری کرده اند. زنان جامعه، علاوه بر همه محرومیت های اجتماعی که گریبانگیر همه زحمتکشان میهن ما از زن و مرد است بار محرومیت های اضافی دیگری را نیز بعنوان "زن" در جامعه بر دوش دارند و در بسیاری از زمینه های حقوقی و خانوادگی و کار بعنوان افراد "درجه دوم" زیر فشار آداب و رسوم کهنه و قوانین و مقررات گوناگون که نافی اصل برابری حقوق زنان را مردان در زندگی اجتماعی هستند قرار دارند که دست و پایی آنان را برای شرکت فعال در همه زمینه های کار سازندگی جامعه به زنجیر کشیده اند.

زنان سیمی از ملت ما را تشکیل می دهد و بدون شرکت فعال آنان در سازندگی جامعه نوین پیشرفت اجتماعی بسیار کند خواهد بود.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خواستار آنند که دولت جمهوری اسلامی ایران با توجه به سمتگیری عدالت پژوهانه قانون اساسی همه امکانات لازم را فراهم آورد برای آنکه زنان جامعه ما بتوانند در همه زمینه های فعالیت اجتماعی - در میدان کار و فعالیت های سازندگی، در کار تربیت کودکان و تبدیل خانواده به کانون محبت و احترام متقابل از همه حقوق متکی بر عدالت اجتماعی برخوردار گردند.

عدالت اجتماعی و حقوق ملی خلق های غیر فارس

کشور ما کشوری است کثیرالمله که در آن از صدها سال به این سو خلق های فارس، آذربایجانی، کرد، ترکمن، بلوچ و عرب در یک اتحاد برادرانه و برای آماج های مشترک اجتماعی و انسانی در جهت بدست آوردن آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی و ساختن میهن واحدشان در تلاشند. ولی علیرغم این تلاش مشترک در دوران سلطه نظام جابرانه طبقات غارتگر وابسته به امپریالیسم خلق های غیر فارس جامعه ما علاوه بر بار محرومیت های ناشی از سلطه استعمار و استعمارنو و غارتگری جنایت بار طبقات حاکمه بار سنگین محرومیت های ملی را بدوش کشیده اند و از هرگونه حقوق ملی و زمینه فرهنگی و خودگردانی محروم بوده اند.

محرومیت های ملی صرف نظر از اینکه در دروان های معینی امپریالیسم و ارتجاع داخلی توانسته اند این محرومیت ها را پایه ای برای تحریکات خود قرار دهند یک واقعیت عینی جامعه ما است.

پیام تاریخی امام خمینی به خلق کرد نمایانگر شناخت واقعی این محرومیت و لزوم پایان بخشیدن به آنست.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بر این عقیده اند که تنها با برادارختن ستم ملی که قرنهای بر خلق های غیر فارس اعمال شده است و تامین حقوق تضییع شده آنان در چارچوب "خودگردانی" و "خودت

بیانیه مشترک

مختاری فرهنگی و اداری می‌توان عوامل ایجاد تحریک و تشنج را از دشمنان انقلاب گرفت و اتحاد داوطلبانه و صادقانه همه خلق‌های ایران را براساس دوستی و حقوق برابرملی تامین نمود. اتحادی که بدون تردید، یکی از مهمترین عناصر ثبات جامعه انقلابی ما و کامیابی‌اش در نبرد علیه دشمنان داخلی و خارجی به سرکردگی امپریالیسم جنایتکار آمریکاست.

نگاهی به واقعیت‌های حاکم بر جامعه کنونی، مابادشورای‌های بسیاری که در برابر روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمند میهن عزیزمان قذعلم کرده‌اند، آشنا می‌سازد. جیره‌شدن بر این دشواری‌ها مسلماً کار آسانی نیست، ولی انقلاب ما، هم در درون کشور و هم در میدان نبرد جهانی علیه امپریالیسم و ارتجاع، از چنان نیروها و امکانات بالفعل و بالقوه‌ای برخوردار است که می‌تواند، در صورت بهره‌گیری عقلانی از آنها، همه دشواری‌ها را از سر راه خود بردارد. یکی از عمده‌ترین این نیروها و امکانات، گنجینه عظیم تجارب خلق‌های مجروح جهان در نبردهای بزرگ خویش برای به پیروزی رساندن انقلاب‌های مردمی است.

بدون تردید انقلاب شکوهمند میهن ما دارای ارزش‌های والایی است که ما به حق بهره‌گیری از آنها را بدیگر خلق‌های محروم توصیه می‌کنیم. ولی تصور این که تنها با تکیه بر این ارزش‌ها، و بدون بهره‌گیری از تجربه دیگر خلق‌ها ما در همه زمینه‌ها بهتر و درست‌تر از همه دیگر خلق‌ها بر دشواری‌ها چیره خواهیم شد، می‌تواند موانع جدی در راه برانداختن دشواری‌های انقلاب ایجاد کند. با کمال تأسف این شیوه برخورد زیان‌آور اکنون در بخش چشمگیری از مبارزان راه انقلاب و حتی در بخشی از مسئولان حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بچشم می‌خورد.

واقعیت این است که پیش از ما خلق‌های بسیاری برای ریشه‌کن ساختن نظام‌های پوسیده، جنایت‌بار و غارتگر قیام کرده، انقلاب خود را به پیروزی رسانده، آن را تثبیت و تحکیم بخشیده و گسترش داده‌اند، و پس از ما نیز بدون تردید خلق‌های دیگری به چنین پیروزی‌ها دست خواهند یافت، و هر یک از این خلق‌ها ارزش‌های والای تازه‌ای به گنجینه پیکار تاریخی انقلابی مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی خواهند افزود. ما باید در همه میدان‌های نبرد اجتماعی و بویژه در نبرد برای انجام دگرگونی‌های بنیادی بسود محرومان، از تجارب گرانبهای سایر خلق‌ها بهره‌گیری کنیم. این یک واقعیت تاریخی بارها آزموده شده‌ای است، که برپاداشتن یک نظام نو و متکی به عدالت اجتماعی بر ویرانه‌های یک نظام جابرانه سرنوشت‌شده، ده‌ها بار دشوارتر و بفسرنج‌تر از براندازی نظام کهنه است.

پیام ما به همه نیروهای راستین هواداران انقلاب

خواهران و برادران و هم‌زمان ارجمند
پیام ما به شماست:

به شما مسلمانان پیرو راستین امام خمینی در حاکمیت و خارج از آن که در برابر توطئه‌های امپریالیسم استوار ایستاده‌اید و با هرگونه مسخ محتوای واقعی انقلاب شکوهمند ایران مبارزه می‌کنید:

به شما زحمتکشان و میهن‌دوستانی که در راه پیاده‌کردن محتوای مردمی قانون اساسی، در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی می‌رزمید:

به شما خلق‌های محروم و ستمدیده ایران که در انقلاب شکوهمندمان، آرزوهای حق طلبانه خود را منعکس می‌بینید.

پیام ما به همه احزاب، سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی - اجتماعی ضد - امپریالیستی و مردمی ایران - از هر مسلک و عقیده‌ای است.

پیام ما، نیز به شما هواداران راه‌گم کرده "مجاهدین خلق" و دیگر گروه‌های چپ‌روی است که به سبب خیانت برخی از رهبران و اشتباهات برخی دیگر، از جاده انقلاب به کنار افتاده‌اید.

پیام ما به همه شماست.

بباید دست در دست هم بزرگترین توطئه دشمنان انقلاب ایران، یعنی توطئه ایجاد نفاق و چنددستگی را در هم شکنیم و جبهه متحد دفاع از انقلاب شکوهمندمان را تشکیل دهیم و همه نیروهای هوادار استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را در یک سنگر واحد گردآوریم.

هموطنان، برادران و خواهران هم‌زم!

بباید با اتحاد و اتفاق تاریخی خود جبهه نیرومند و شکست‌ناپذیر دفاع از جمهوری اسلامی ایران و مقاومت در برابر دشمنان پلید آن را سازمان دهیم و طومار همه توطئه‌های کنونی و آینده آنها را در هم پیچیم!

مردم زحمتکش میهن‌مادست در دست هم و با اتحادی کم‌نظیر نظام استبداد سلطنتی وابسته به امپریالیسم را برانداخته، نظام جمهوری اسلامی

برقرار کرده‌اند به این امید که این جمهوری آرزوی دیرینه آنان یعنی استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی را تامین کند. انقلاب شکوهمند این مردم زحمتکش در یکی از مهم‌ترین مناطق استراتژیک جهان، که شریان زندگی امپریالیسم جهانی از آن می‌گذرد، ضربه کاری و جبران‌ناپذیری بر تمام سیستم تسلط جابرانه و غارتگرانه امپریالیسم جهانی وارد آورد و به همین جهت از همان نخستین روزهای اوچگیری خود، شدیدترین کین این دشمنان جامعه بشری را علیه خود برانگیخت. امپریالیسم و ارتجاع جهانی، به سرکردگی آمریکا، تا روزی که هنوز بعنوان قدرت بزرگ و خطرناک در جهان وجود دارند، بهیچ‌وجه نمی‌توانند با انقلاب ایران و آماج‌های استقلال‌طلبانه، آزادخواهانه و عدالت‌جویانه‌اش سازگار باشند.

ما می‌بینیم که اتحاد شوروی، پس از ۶۴ سال که از انقلاب‌ش می‌گذرد و با آن که امروز قدرت عظیم شکست‌ناپذیری را تشکیل می‌دهد، هم چنان آماج انواع توطئه‌های جنایتکارانه آمریکای جهان‌خوار است. خلق کره بیش از سی سال است که در راه بازیابی وحدت سرزمین خود، برای بیرون‌کشیدن بخش جنوبی میهن خود از چنگال خونین راهزنان غاصب، علیه امپریالیسم آمریکا می‌جنگد. خلق کوبا بیست سال است که با محاصره اقتصادی و دیگر توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا در نبرد است. خلق ویتنام سی سال آزارگار قهرمانانه رزمید تا به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی دست یافت و هنوز هم مدام، از شمال و غرب و جنوب و شرق، آماج توطئه‌های آمریکا و خائنان چینی و مزدوران آمریکا و چین در کشورهای همسایه خویش است.

خلق آنگولا، که پس از قرن‌ها نبرد و خون‌دادن به استقلال و آزادی رسید، امروز دستخوش هجوم امپریالیسم آمریکا و نژادپرستان آفریقای جنوبی است. خلق‌های فلسطین، سوریه، لیبی، یمن دموکراتیک، اتیوپی، افغانستان و هر خلق دیگری در هر نقطه‌ای از جهان، که توانسته‌است استقلال خود را بدست آورد و در راه تامین آزادی و عدالت اجتماعی گام بردارد، هدف توطئه‌های راهزنانه باایان‌ناپذیر امپریالیسم آمریکا و دستیارانش قرار دارد. خلق فلسطین با اسرائیل آمریکائی دست و پنجه نرم می‌کند، خلق صحرا با شاه حسن، دست‌نشانده دیگر آمریکا، و خلق نامیبیا با آفریقای جنوبی، دستیار امپریالیسم جهانی، در بیکار مرگ و زندگی است.

مبارزه با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، دشمن شماره یک جامعه بشری، مبارزه‌ای است طولانی، و دشوار و پیچیده. ساده‌بینانه است اگر تصور شود که با پیروزی ما در این یا آن نبرد جداگانه، مبارزه با امپریالیسم جهان‌خوار آمریکا، پایان خواهد پذیرفت. این دشمن تاکنون توانسته‌است در کشورهای چون آندونزی، شیلی، مصر، کنگو، سودان، برتغال با کاربرد شیوه‌ها و وسایل گوناگون، انقلاب‌های مردمی را با شکست روبرو سازد. تنها صف متحد خلق آگاه و آماده برای ایثار در مبارزه مرگ و زندگی است که می‌تواند انقلاب‌ها را از گزند این دشمن شریر جامعه انسانی مصون دارد.

تجربه انقلاب‌های شکست‌خورده گواه بر آن است که هرگونه تنگ‌نگری، خودمحوری و انحصارطلبی در زمینه شرکت در نبرد میهنی علیه دشمنان استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، فاجعه‌انگیز است و برای نفاق‌افکنی، برادرکشی و سرانجام شکست انقلاب مساعدترین محیط را پدید می‌آورد. در چنین محیط‌هایی است که دشمنان مکار و کارگشته انقلاب عمال خود را به آسانی جا می‌زنند، با کمک آنها نهال‌های نفاق و چنددستگی را آبیاری می‌کنند و به صورت دشمن آشتی‌ناپذیر، تا حد ایجاد برخوردهای خونین برادرکشی، می‌رویند.

مسافرت هیئتی از مسئولان بلندپایه جمهوری اسلامی ایران به کشور سوسیالیستی جمهوری دموکراتیک خلق کره و مذاکرات رئیس مجلس شورای اسلامی ایران با دبیرکل حزب کار کره و رهبر جمهوری دموکراتیک خلق کره، مسافرت نمایندگان جمهوری اسلامی ایران به جمهوری‌های الجزایر و لیبی، مذاکرات وزیر امور خارجه ایران با رهبران کشورهای جبهه پایداری، دیدار هیئت‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران از جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری سوسیالیستی فدراتیو یوگسلاوی، شرکت هیئت پارلمانی ایران در کنفرانس هاوانا و دیدار با فیدل کاسترو دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست و رهبر جمهوری سوسیالیستی کوبا - همه گواه بر این واقعیت است که در جهان ما، همه نیروهایی که در یک آماج اساسی و تعیین کننده، یعنی در مبارزه علیه تسلط جابرانه امپریالیسم جهان‌خوار و ارتجاع سیاه جهانی به سرکردگی آمریکا، با یکدیگر شریکند، صرف‌نظر از معتقدات مذهبی، فلسفی و اجتماعی گوناگون خود، جبهه جهانی مشترک عظیمی را علیه امپریالیسم و ارتجاع جهانی تشکیل می‌دهند.

باتوجه به این واقعیت، این سؤال پیش می‌آید که: پس چرا نمی‌شود همان عاملی را که کم‌ابیل‌سون و حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی را در یک جبهه علیه دشمن مشترک متحد می‌کند، و با حجت‌الاسلام دعائی را با فیدل کاسترو در عمده‌ترین مسائل مربوط به سرنوشت مبارزه خلق‌ها علیه امپریالیسم، یعنی مسائل مربوط به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، به موافقت می‌رساند، در کشور ما سر به کار گرفته شود تا مبارزان پیرو خط امام خمینی و توده‌های و فدائیی

آغاز فصل کاشت...

بقیه از صفحه ۷

در جهت ارائه وام ، کود ، بذر و سم بموقع و به قیمت دولتی و در نتیجه تثبیت هزینه‌های کاشت داشت برداشت محصولات از مسائل بسیار با اهمیتی است که باید مورد توجه قرار گیرد .
تامین آب زراعی برای فصل کاشت ، از طریق لایروبی قنات کانال‌ها و سایر شبکه‌های آبرسانی سنتی با استفاده از امکانات نهادهای انقلابی بر بستر سنت‌های کار جمعی روستائیان و کوشش در جهت تامین هرچه بیشتر همکاری روستائیان برای جلوگیری از اتلاف انرژی و نهادهای

کشاورزی و افزایش کیفیت و میزان محصولات و آموزش آنها با وسائل و امکانات گوناگون باید در دستور مسئولین اجرایی در مناطق مختلف کشور قرار گیرد .
۳ - دولت و نهادهای انقلابی باید در انجام اقدامات و ارائه خدمات به بخش کشاورزی توجه لازم به هماهنگی و وظایف و سیاست‌های کوتاه‌مدت با بلندمدت خود داشته باشند و هر اقدام عملی و روزمره را در رابطه با برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت انقلاب در روستاها سازمان دهند ، زوی این اصل هم اکنون که

در فصل کاشت محصول ارائه خدمات و وظایف مشخص به عهده مسئولین قرار دارد ، اصولی این است که با توجه به تاکید در برنامه دولت در رابطه با ایجاد واحدهای تولیدی جمعی (تعاونی‌های تولید ، واحد مشاع و ...) کوشش خویش را در جهت ارائه خدمات بطور جمعی به کشاورزان ، الویت فاعل شدن برای واحدهای مشاع در استفاده از خدمات ، و سازمان‌دادن امر کاشت محصولات با همیاری و تعاون روستائیان در تمام عرصه‌ها کوشش مزیای آن در صرفه‌جویی‌های هم‌جانبه نیروی کار و نهادهای کشاورزی به هیچکس پوشیده نیست ، مصروف دارند .

خلق مصر...

بقیه از صفحه ۵

می‌کوشد فعالیت تمام گروه‌های انقلابی را متشکل سازد و در بهار سال گذشته (۱۹۸۰) با شرکت حزب کمونیست و حزب اتحاد میهنی مصر و ناصری‌ها و مستقل‌ها و جناح مذهبی تشکیل گردید ، نقش رهبر این جنبش نوین انقلابی را برعهده دارد .
جنبه ملی مصر برای سرنگونی نظام ساداتی حاکم و ایجاد یک نظام میهنی و دمکراسی مبارزه می‌کند ، که هدف‌های مردم مصر را تحقق بخشد و برای مردم مصر عزت ملی و آزادی و استقلال و به مصر موقعیت پیشناز انقلابی پیشین را در جهان عرب و در عرصه جنبش آزادیبخش ملی جهانی و جنبش انقلابی جهانی بازگرداند .

خلق مصر بپا می‌خیزد
و آرمان اعراب بیروز می‌شود

برغم تمام اقدامات سرکوبگرانه رژیم سادات ، مخالفت سیاسی توده‌های مردم در مصر علیه رژیم خائن در جوانب مختلف زندگی و در عرصه‌های گوناگون رشد می‌یابد .
توده‌های مردم از حالت سکون و سکوت بیرون آمده و به سوی ابراز خشم و نفرت گرایده‌اند ... به حرکت درآوردن کارگران و دانشجویان و مبارزه اتحادیه‌های وکلای دادگستری و روزنامه‌نگاران و بزشکان از مهمترین علامات این تحول است .
" جنبه ملی مصر " که

پیک نمونه...

بقیه از صفحه ۱

ابوسفیان که در ایام پیغمبر اسلام ریاست بنی‌امیه با او بود ، پسر امیه است و امیه پسر خنزب است و حزب در روزگار خود رئیس هردو جناح بود . بعدها خلاف افتاد زیرا محمدبن عبدالله ، جوانی دلیر و خردمند از جناح بنی‌هاشم از ستم و رباخواری بنی‌سفیان به طغیان آمد و مردم مستضعف را به خیزش دعوت کرد و سرانجام در جنگ مکه بر ابوسفیان پیروز شد .
پس از درگذشت پیغمبر اسلام و شهادت علی‌بن ابی‌طالب ، بنی‌امیه که اسلامش دروغین و مصلحتی بود رسوم فرعون‌نمایی و شاهنشاهی را برپای داشتند و خواستند به سنن پیغمبر و نقش بازماندگانش خاتمه دهند . حسین بن علی زیر بار نرفت و تاپای نثار جان خود و خویشان و حتی کودک نوزادش علی‌اصغر در این راه ایستاد و از فزونی و نیرومندی و بی‌رحمی خصم

نهراسید .
رویداد فاجعه‌آمیز کر بلا ، جهان اسلام را تکان داد و پرچم عاطفی و عقیدتی نبرد شیعیان علیه خلفای اموی و عباسی شد .
" وعظ السلاطین " آن را وسیله اشکریزی ساختند ولی انقلاب بزرگ ایران به رهبری امام خمینی این یاد حماسی تاریخی را در حایش نشاند و در دوران انقلاب و پس از آن عاشورای حسنی به دوران نبرد بر ضد ستم و تجمع خلق زیر پرچم عدالت بدل شد .
در رویداد کر بلا قهرمانان بنام ، از زن و مرد با از خود گذشتگی شگرف پای در میدان گذاشتند و اسوه و نمونه‌های عالی از ایثار علیه ستم پدید آوردند و ایرانیان همیشه از این سنت برای دفاع از استقلال و عقیده استفاده معقول و بجا کردند .
از سخنان حسین بن علی است :
" زندگی ، عقیده داشتن و در راهش زمین است " مسلمین ، امروزی جهان به درستی این شعار را به میان کشیدند :
" همه روزها عاشورا و همه سرزمین‌ها کر بلاست "

بقیه از صفحه ۱۶

بیانیه مشترک...

(اکثریت) دشمنان سنگری استقلال‌طلبان و آزادخواهان و عدالت‌جویان امام ، و سایر نیروهای وفادار به این آماج‌ها ، در یک صف واحد متحد گردید .
به نظر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ، این عامل تاریخی جهانی ، یعنی ضرورت اتحاد همه نیروهای مبارز ضدامپریالیسم و ضدبیدادگری درون یک کشور و سراسر جهان را می‌توان و باید در جامعه ما نگار گرفت : سرنوشته انقلاب ما به این امر بستگی دارد .

این آن حلقه اساسی در زنجیر عوامل گوناگون است که ، با بدست گرفتن آن می‌توان کلاف درهم‌پیچیده را گسود و کوتاه‌ترین ، درست‌ترین و کم‌رنج‌ترین راه را برای چیره‌شدن بر دشواری‌ها یافت .
بی‌اعتنایی به این ضرورت تاریخی ، انقلاب ما را در پی‌راه‌ها سرگردان خواهد کرد .

برادران و خواهران هم‌زم !
بیاید ، همه نیروهای خود را برای تحقق اتحاد بزرگ تاریخی خویش به کار گیریم . فراموش نکنیم که اتحاد ، برنده‌ترین سلاح ما در سگار علیه دشمنان انقلاب است و درست به همین جهت نیز دشمنان انقلاب ما تمام پیروی جهانی خود را برای جلوگیری از تحقق جنبش اتحادی به کار انداخته‌اند .

بر ما است که این توطئه ، دشمنان انقلاب و شکوفایی جمهوری اسلامی ایران را با کامی رویرو سازیم .

برقرار باد اتحاد بزرگ همه نیروهای مبارز راه استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی !
پیروز باد انقلاب بزرگ خداستبدادی ، ضدامپریالیستی و مردمی ایران !

کمیته مرکزی حزب توده ایران / کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

آبان ۱۳۶۰

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی ، سیاسی ، نظامی ،
و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

به مناسبت شصت و پنجمین سیالگرد انقلاب اکبر

انقلاب سوسیالیستی اکبر آغاز عصر رهائی زحمتکشان

انقلاب اکبر و قانون عمومی
انقلاب سوسیالیستی

در پرتو انقلاب اکبر، قانون عمومی انقلاب سوسیالیستی با وضوح و کمال به اثبات رسید. انقلاب اکبر تئوری سوسیالیسم را به واقعیت بدل ساخت. تجربه انقلاب اکبر نشان داد که یک انقلاب فقط هنگامی به پیروزی می‌رسد که شرایط عینی برای تحقق آن مهیا شده باشد و در عین حال علاوه بر وجود شرایط عینی، توده‌های زحمتکش نیز می‌بایستی سازمان‌یافته و تدارک‌دیده برای جنگ قاطع با دشمنان طبقاتی خود باشند. طبقه کارگر روسیه مبارزات بی‌امان خود را با شرایط فوق‌انطباق دادند. آنها تحت رهبری حزب بلشویک توانستند به آموزش‌های مارکس و انگلس و لنین جامه عمل بپوشانند. حزب بلشویک به رهبری لنین کبیر با پیوند عمیق با توده‌های زحمتکش میلیون‌ها کارگر و دهقان و سرباز را در ارتش واحد انقلاب متشکل ساخت. اتحاد بین کارگران و دهقانان که بلشویک‌ها بطور خستگی‌ناپذیر در جهت آن تلاش کردند از عوامل اصلی پیروزی انقلاب اکبر بود. برای مهم‌ترین درس پیروزی انقلاب اکبر این است که وقتی شرایط برای پیروزی انقلاب مسیر باشد طبقه کارگر تنها تحت رهبری حزب مارکسیست - لنینیست که در پیوند عمیق با توده‌های زحمتکش بوده و آماده دست‌زدن به تمام اشکال مبارزه انقلابی باشد. می‌تواند یک انقلاب سوسیالیستی را به ثمر برساند.

یک جنبه برجسته دیگر انقلاب اکبر همانا خصلت انترناسیونالیستی آن است که پیوندهای ناگسستنی بین کارگران روسیه و سایر کارگران جهان بوجود آورد. در حقیقت پیروزی انقلاب اکبر را می‌توان پیروزی انترناسیونالیسم پرولتری در عرصه گیتی دانست. در صفوف ارتش سرخ شوروی افراد بسیاری از مجارستان، لهستان، چکسلواکی، رومانی، بلغارستان، اطریش، آلمان، مغولستان، کره چین و سایر ملیت‌ها وجود داشتند. جنگ داخلی پس از انقلاب اکبر در واقع نبرد بین‌المللی انقلابیون پرولتری بود. علاوه بر نبردهایی که در جنبه جنگ داخلی بوقوع پیوست، جهانیان شاهد اقدام شجاعانه قایق‌رانان فرانسوی بودند که دستجات تجاوزگر عازم شوروی را وادار به عقب‌نشینی از بندر ادسا کردند. همچنین کارگران انگلیسی شعار "دست‌ها از روسیه کوتاه" را به سراسر اروپا بسط دادند و موج اعتصاب به پشتیبانی از دولت شوروی و علیه دخالت‌های امپریالیست‌ها در این کشور سراسر اروپا را فراگرفت. امواج خروشان و قدرتمند جنبش کارگری باعث کاهش فعالیت‌های ضدانقلاب جهانی شد و فشار امپریالیست‌های مداخله‌گر را تخفیف داد.

دستاوردهای انقلاب سوسیالیستی برای
مردم شوروی

با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر طبقه کارگر حکومت را در دست گرفت. نخستین

بقیه در صفحه ۱۹

تاریخ جوامع بشری با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر چرخشی عظیم و بی‌مانند بخود دیده که بدون تردید آغاز عصر رهائی واقعی زحمتکشان سراسر جهان بوده است. این چرخش عظیم تغییری از سرمایه‌داری به سوی سوسیالیسم از وابستگی به سوی استقلال و آزادی و از جنگ به سوی صلح را دربرداشته است. انقلاب اکبر در حقیقت پیروزی کارگران و زحمتکشان روسیه بود که پس از سالیان دراز مبارزه با رژیم تزاری تحت رهبری حزب بلشویک انقلاب سوسیالیستی خود را به پیروزی رساند و بنای جامعه نوین سوسیالیستی را پی افکندند.

روسیه تزاری عقب‌مانده پس از انقلاب اکبر و تحت رهبری حزب کمونیست در ظرف چند دهه به قدرت عظیم و بی‌مانند اتحاد شوروی سوسیالیستی تبدیل شده است که تعادل نیروها را در عرصه گیتی بطور اساسی به سود زحمتکشان تغییر داده و تکیه‌گاه استواری برای مبارزان راه صلح و استقلال و دموکراسی و سوسیالیسم می‌باشد.

احزاب انقلابی در جریان مبارزات طولانی خود رشد کرده و آندیده شدند و جنبش کمونیستی به عمده‌ترین نیروی سیاسی دوران حاضر بدل گردید. احزاب مارکسیست - لنینیست نه تنها برای تصرف قدرت حکومتی بلکه برای انجام وظایف دیگری که ناشی از ضرورت تحکیم پیروزی‌های ساختمان سوسیالیسم بود، توانایی خود را به ثبوت رساندند. تحت رهبری این احزاب، کامیابی‌های تاریخی شگرفی بدست آمده است که در تحول جوامع بشری نقشی قاطع ایفا نموده است. در زیر خلاصه‌ای از این پیروزی‌ها را نقل می‌کنیم:

- ۱ - انقلاب اکبر نظام سرمایه‌داری را درهم شکست و دیکتاتوری پرولتاریا را جایگزین آن ساخت. ساختمان سوسیالیسم در کشور شوروی امکان واقعی گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم را به اثبات رسانید.
- ۲ - در جنگ دوم جهانی برای انهدام نظامی سیاسی فاشیسم مردم شوروی و طبقه کارگر جهانی به رهبری احزاب کمونیست نقش قاطعی ایفا کردند.
- ۳ - دوره جدیدی از انقلاب‌ها در اروپا و آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بوجود آمد و به پیدایش سیستم سوسیالیستی جهانی منجر شد.
- ۴ - پس از شکست فاشیسم، در پرتو دگرگونی‌های بنیادی در عرصه جهان و کامیابی‌های سوسیالیسم و اتحاد نیروهای جنبش آزادیبخش ملی با پرولتاریای جهانی، نظام استعماری جهان متلاشی شد.
- ۵ - سیاست‌های جنگ هسته‌ای امپریالیست‌ها با هشاری اردوگاه سوسیالیستی، عقیم مانده است.

مجموعه عوامل فوق‌موجبات گسترش و تقویت روند انقلاب جهانی را فراهم کرده و مواضع مبارزان راه آزادی، استقلال و سوسیالیسم را تحکیم بخشیده است. احزاب مارکسیست - لنینیست این سازمانگران عمل انقلابی توده‌ها را هدایت پرورده عظیم دگرگونی انقلابی جهان را به عهده داشته‌اند. در حال حاضر نیز با توجه به بحران‌های عمیقی که نظام سرمایه‌داری را در همه زمینه‌ها دربر گرفته است، چشم‌انداز تغییر هرچه بیشتر نیروها در عرصه گیتی به سود طبقه کارگر و سوسیالیسم بروشنی مشهود است.

در روز ۷ نوامبر ۱۹۱۷ (۲۵ اکتبر طبق تقویم سابق) طبقه کارگر و دهقانان نهیدست روسیه تحت رهبری حزب بلشویک حکومت سرمایه‌داران و مالکان ارضی را سرنگون ساخته و دیکتاتوری پرولتاریا را مستقر ساختند. در نتیجه پیروزی انقلاب پرجم سوسیالیسم بر یک ششم کره خاک درازتر از درآمد. انقلاب اکبر سرآغاز دوران نوینی در تاریخ جهان بود. دوران گذار از سرمایه‌داری به سوی سوسیالیسم، دوران انقلاب‌های پرولتری در کشورهای سرمایه‌داری و انقلاب‌های آزادیبخش در کشورهای مستعمره و وابسته. این دوران طلیعه ایجاد جنبه واحد انقلابی پرولتاریا و خلق‌های مستعمره همه کشورها علیه امپریالیسم جهانی بود.

پیروزی انقلاب اکبر و تشکیل جمهوری شوروا ناشی از قاطع بر جنبش‌های انقلابی سایر کشورهای جهان برای گذاشتن پیرویه انقلاب سوسیالیستی در کشورهای مختلف به این شکل یا آن شکل ادامه یافت. و امروزه جهان شاهد وجود یک اردوگاه نیرومند سوسیالیستی می‌باشد. در جهان معاصر قدرت اردوگاه سوسیالیستی به وزنه‌ای تعیین‌کننده در مسائل بین‌المللی تبدیل گشته است. هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند که قدرت اردوگاه سوسیالیستی مانعی عظیم در برابر جنگ‌افروزی‌های جنون‌آمیز امپریالیسم جهانی می‌باشد.

یکی از نتایج بسیار مهم انقلاب اکبر ادغام جنبش‌های آزادیبخش و مبارزات طبقه کارگر در درون یک جریان واحد انقلابی بود. اتحاد و همکاری این نیروها و اردوگاه سوسیالیستی ضامن پیروزی قطعی بر امپریالیسم جهانی و متحدانش می‌باشد.

تأثیر انقلاب اکبر در پیدایش احزاب پرولتری

در پرتو انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر جریان تشکیل احزاب پرولتری و تکوین جنبش کمونیستی آغاز شد. انترناسیونال کمونیستی (کمینترن) مظهر ایدئولوژیک - سیاسی و سازمانی این جریان بود. تشکیل این انترناسیونال در تاریخ جنبش جهانی کارگری رویدادی بس خطیر بود و نقشی تعیین‌کننده در پی‌ریزی احزاب انقلابی پرولتاریایی ایفا کرد. نظریه لنین درباره حزب طراز نوین طبقه کارگر که بر پایه اعتقاد به ضرورت دگرگونی انقلابی جوامع بشری استوار بود در بسیاری از کشورها جامه عمل به خود پوشید.

بقیه از صفحه ۱۸

اقدامات حکومت جوان شوروی ملی کردن کارخانجات بزرگ، بانکها و راه‌آهن‌ها بود. زمین‌های مالکان اراضی بزرگ مصادره شد و به دهقانان داده شد. ستم ملی که بر سرنوشت بسیاری از ساکنان این کشور سایه افکنده بود، از میان برداشته شد و کشور روسیه از جنسیت امپریالیستی اول بیرون برده شد.

دولت شوروی مالکیت خصوصی پروصائل تولید را از بین برد و با اجرای اصلاحات اساسی در آموزش عمومی و سازماندهی خدمات بهداشتی و درمانی عمومی زمینه‌های پیشرفت همه‌جانبه تمامی مردم را فراهم ساخت. همه این اقدامات در زمانی صورت گرفت که ضدانقلاب و نیروهای امپریالیستی مداخله‌گر به جمهوری جوان شوروی حمله‌ور شده بودند و تحریم اقتصادی از سوی تمام کشورهای امپریالیستی اعمال می‌شد و سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ در شهر و روستا گستاخانه علیه انقلاب عمل می‌کردند اما انقلاب با وجود همه این دشواری‌ها پیروزماندانه به پیش رفت و اساس ساختمان سوسیالیسم را پی‌ریزی کرد پیروزی انقلاب سوسیالیستی و اجرای برنامه‌های ساختمان سوسیالیسم تحت رهبری حزب کمونیست برای مردم شوروی دستاوردهای درخشانی داشته است که در زیر بطور خلاصه به آنها اشاره می‌کنیم:

۱ - توده‌های خلق مالک دسته‌جمعی وسائل تولید شدند.

در کشور شوروی مالکیت خصوصی بر زمین، کارخانجات صنعتی و وسائل اصلی تولید وجود ندارد و همه اینها در کنترل دولت شوروی می‌باشد. زمین و محصولات آن در اختیار شوراها که نمایندگان واقعی خلق در حکومت هستند قرار دارد. دولت شوروی بخشی از زمین‌ها را بطور رایگان در اختیار تعاونی‌های دهقانی (کلخوزها) قرار می‌دهد که بطور دسته‌جمعی بر روی آن کار می‌کنند و در بخش دیگری از اراضی قابل کشت تعاونی‌های دولتی (ساخوز) به کشت و کار می‌پردازند. انهدام مالکیت خصوصی بر وسائل تولید سبب از میان رفتن ریشه اصلی استثمار انسان از انسان در کشور شوروی گردیده است.

۲ - کلیه تمایزات طبقاتی نژادی، تبعیضات ملی و تبعیض بین زن و مرد از میان برداشته شده و برابری اجتماعی پدید آمده است تمام شهروندان شوروی از حق دخالت در امور خویش و حق کار برخوردار شده‌اند برابری اجتماعی بدین معناست که در ازاء کار برابر، دستمزدی برابر به تمام افراد داده می‌شود. همچنین کلیه شهروندان از حق بازنشستگی در سنین کهولت برخوردارند.

۳ - بیکاری و فقر که در کشورهای سرمایه‌داری دائماً رو به تزاید می‌رود، در کشور شوروی سالهاست ریشه‌کن شده است در ماههای اول پس از انقلاب دولت شوروی با ایجاد یک سیستم بیمه‌های تامین اجتماعی هزینه‌هایی برای کمک به بیکاران اختصاص داد. با پیشرفت اقتصاد سوسیالیستی برنامه‌ریزی شده در فاصله سالهای ۱۹۲۶ تا ۲۹ بیش از ۵۳۲ موزه صنعتی ایجاد شد که در اوائل دهه ۳۰ همراه با استقرار کامل

اقتصاد سوسیالیستی پدید می‌آید بیکاری بطور کلی از میان رفت از آن پس در نتیجه رشد موزون و منظم تولید سوسیالیستی حتی یک نفر بیکار در کشور شوروی وجود ندارد و همه مردم شوروی نسبت به آینده خود اطمینان خاطر دارند.

۴ - مساله مسکن که در تمام کشورهای سرمایه‌داری یکی از نگرانی‌های اصلی مردم است در کشور شوروی سالهاست که بنحو اصولی حل و فصل شده است. اکثریت عظیم مردم شوروی در ساختمان‌هایی زندگی می‌کنند که دولت بطور رایگان در اختیار آنها قرار داده است مجموعه هزینه‌ای که هر خانواده بابت اجاره و هزینه برق و گاز و آب و شرفاز می‌پردازد، بطور متوسط کمتر از ۵ درصد درآمد خانواده می‌باشد. این هزینه از سال ۱۹۲۸ تاکنون هیچگونه تغییری نکرده است. علاوه بر این دولت شوروی برای کسانی که بتوانند ۳۰ درصد هزینه یک خانه مسکونی را بپردازند وام بانکی ارائه می‌دهد تا به ساختمان مسکن خود بپردازند. این وام طرف ۲۰ سال مستهلک خواهد شد. به هر حال سالهاست که برای مردم شوروی مشکل مسکن وجود ندارد.

۵ - کلیه شهروندان شوروی از حق تحصیل رایگان تا عالی‌ترین مراحل دانشگاهی برخوردارند. در حال حاضر بیش از ۹۵ میلیون نفر از کودکان تا دانشگاه در سراسر شوروی به تحصیل مشغولند. همچنین سرویس و هزینه‌های درمانی از هیچ‌کس دریافت نمی‌شود و همه این امکانات را سازمان بهداشت عمومی بطور رایگان در اختیار عموم قرار داده است. در سال جاری تعداد پزشکان این کشور از مرز یک میلیون نفر فراتر رفت و این بدان معناست که برای هر ۲۶۵ نفر در کشور شوروی یک پزشک وجود دارد در حالیکه در همین سال در کشور آمریکا برای هر ۴۱۰ نفر یک پزشک وجود داشته است. همچنین تعداد تخت‌های بیمارستان شوروی در حدود ۴ میلیون می‌باشد یعنی برای هر ۷۰ نفر یک تخت بیمارستان وجود دارد. این امکانات بهداشتی و درمانی عمومی در هیچ کشور جهان مشابه ندارد.

۶ - در نتیجه اتخاذ یک سیاست صلح و همکاری بین خلق‌ها که از طرف دولت شوروی پیگیرانه دنبال شده است امکان واقعی بروز شکوفایی استعدادها و ادبیات و هنر مهیا گشته است و لذا تکامل مداوم هر یک از افراد جامعه در جهت مادی و معنوی تامین گردیده است.

انقلاب اکبر و جنبش انقلابی جهان:

انقلاب سوسیالیستی اکبر شعله انقلاب را در سراسر جهان دامن زد. نگاهی به تغییرات جهان پس از انقلاب اکبر اهمیت عظیم این رویداد تاریخی بی‌مانند را بوضوح نشان می‌دهد. در خلال سالهای پس از ۱۹۱۷ چهره جهان بطور کامل دگرگون شده است و نیروهای سوسیالیسم تأثیری عمیق در سراسر گیتی برجای گذاشته‌اند. با پیدایش دولت شوروی مبارزه بین طبقه کارگر و بورژوازی کشورهای امپریالیستی خصلتی کاملاً نوین بخود گرفت. چرا که از آن پس این مبارزه بر زمینه تعارض بین دو نظام اجتماعی اقتصادی کاملاً متضاد جریان می‌یافت. خط مرز روشنی بوجود آمده بود. در یک سو تمامی

نیروهای ارتجاعی متعلق به جهان کهن قرار داشتند که حاملان استعمار و استثمار و ستم ملی و طبقاتی بودند و در سوی دیگر نیروهای جهان نوین یعنی نیروهای سوسیالیسم، دموکراسی و ترقی اجتماعی. جهان نوین با قوانین تکامل اجتماعی خاص خویش و با انرژی انقلابی توده‌های مسلح به پیشرفته‌ترین ایده‌های عصر ما به پیش رفت و حتی در هنگامی که سوسیالیسم هنوز در یک کشور پیروز شده بود، دارای چنان توانی شد که سنگ بنای تاریخ جدید را کار گذاشت. اکنون که بیش از ۶۵ سال از انقلاب اکبر می‌گذرد، تناسب نیروها در صحنه جهان اساساً به سود زحمتکشان تغییر یافته است. نظام استعماری جهان متلاشی شده و بر ویرانه‌های آن بیش از ۱۰۰ کشور جدید برپا شده است. جنبش طبقه کارگر سازمان یافته در کشورهای سرمایه‌داری به یک نیروی عظیم سیاسی تبدیل شده که تأثیر آن در زندگی سیاسی این کشورها غیرقابل انکار است. اعتصاب‌های متعدد کارگران در کشورهای سرمایه‌داری همواره در جریان است. جنبش‌های دمکراتیک که در آن بخش‌های وسیع توده‌ها شرکت می‌جویند، بنحو خیره‌کننده‌ای رشد یافته است. تظاهرات و راهپیمایی‌ها علیه سیاست سابقه تسلیحاتی امپریالیسم هم‌اکنون در اکثر کشورهای اروپایی جریان دارد. در نتیجه تمام این تغییرات مدت‌هاست که دیگران نه امپریالیسم، بلکه سوسیالیسم و نیروهای ضد-امپریالیستی هستند که محتوای اصلی و گرایش تعیین‌کننده تحول اجتماعی محسوب می‌شوند. مردم جهان اکنون به روشنی مشاهده می‌کنند که چگونه سوسیالیسم، استثمار انسان از انسان را از میان برداشته و ستم ملی را برطرف کرده و بر عقب‌ماندگی و فقر و جهل چیره شده است. از سوی دیگر به روشنی دیده می‌شود که چگونه امپریالیسم جهانی در حالی که ننگ تمامی تمایزات طبقاتی، نژادی و جنسی را در داخل مرزهای خود بر جبین دارد به دخالت بیشرمانه در امور داخلی کشورهای انقلابی جهان می‌پردازد. نمونه دخالت‌های بیشرمانه امپریالیسم آمریکا در نیکاراگوئه، السالوادور، کوبا، لیبی، ایران و... نشانه مشتکی از خروار است. امپریالیسم جهانی اکنون مردم را با سلاح اتمی تهدید می‌نماید. امپریالیسم که مسئول مرگ دهها میلیون انسان در خلال دو جنگ گذشته است، امروز نیز هزینه‌های هنگفتی را صرف مسابقه تسلیحاتی و ساختن سلاح‌های پیچیده انهدامی می‌کند. امپریالیسم بزرگترین مانعی است که از بکارگیری دستاوردهای علم و تکنولوژی در خدمت بشر جلوگیری کرده و در عوض، آنها را به وسیله‌ای برای غارت و کشتار توده‌ها بدل ساخته است. امپریالیسم جهانی با وجود بحران عمومی سرمایه‌داری که با آن دست به گریبان است و با وجود ضربه‌های پیاپی که از مبارزات خلق‌های جهان بر او وارد شده است هنوز هم به جنگ‌افروزی و مداخله در سرنوشت سایر کشورها ادامه می‌دهد.

۶۵ سال پس از انقلاب اکبر اکنون جهان شاهد قدرت‌گیری روزافزون نظام سوسیالیستی جهانی است. و برآستی که این همه از نتایج انقلاب اکبر بوده است. طبقه کارگر و تمامی نیروهای انقلابی جهان کوشش در جهت تحکیم و گسترش این نظام را به عنوان عالی‌ترین دستاوردهای انقلاب اکبر وظیفه خویش می‌دانند.

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران

بقیه از صفحه ۳

پایگاه اقتصادی

توطئه علیه انقلاب و شکل خود محروم ساخت.

افشای رابطه لیبرالها با آمریکا و آغاز قطعی ورشکستگی خط سازش؛ یکی از علل اصلی و در عین حال مهمترین دستاوردهای اشغال لانه جاسوسی، پرده برداشتن از رابطه پنهانی لیبرالها با امپریالیسم آمریکا بود. در اسنادی که با تلاش خستگی ناپذیر دانشجویان مسلمان پیرو خط امام منتشر گشت، ماهیت خیانتکارانه این جریان تسلیم طلب در میان وسیع ترین بخش توده های مردم آشکار شد. در سندی که از "سفارت آمریکا در تهران" به وزیر خارجه آقای ونس فرستاده شده آمده است:

"او (امپراتور نظام) مجددا خواهش کرد که تبادل اطلاعات در مورد فعالیت هایی که در داخل و یا در کشورهای مجاور صورت می گیرد داشته باشیم چرا که اینگونه اطلاعات از نظر امنیت داخلی ایران حائز اهمیت اند" (اسناد منتشره توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام) "اسناد مشابهی، پرده از جاسوسی کسانی چون مدنی، قشقایی، نزیه، مقدم مراغه ای، میناچسبی و... برداشته اند. اسناد منتشر شده از طرف دانشجویان مسلمان خط امام که در ۱۱ جلد کتاب پرارزش گردآوری شده همچنین از تلاش های دولت موقت در جهت نزدیکی با آمریکا و حمایت آمریکا از این دولت پرده برگرفت. در یک سند منتشر شده اشاره شده است که "خلاصه: منبسط نهضت آزادی که از طرف بازگان صحبت می کرد، گفت "بازگان می خواهد آمریکا بداند که طرح وارد شدن نهضت آزادی در دولت باید سریع تر انجام گیرد تا جلوی نفوذ چپ ها گرفته شود." (کتاب افشاکاری - شماره ۱۰)

است که به گفته آیت الله مشکینی "ثواب شعار مرگ بر آمریکا از ثواب نماز بیشتر است". پذیرش این واقعیت از سوی توده های مردم که "آمریکا دشمن اصلی ماست" موجب تکامل انقلاب به مرحله بالاتر شد و به نحوی قاطع سمت آتی آن را روشن کرد و سرانجام باید خاطر نشان کنیم که مبارزه با آمریکا دشمن اصلی ما، توانست شرایط عینی اتحاد همه خلق و نیروهای انقلابی آن را فراهم سازد. امام خمینی با تکیه بر همین واقعیت ضمن دعوت نیروها به اتحاد اعلام داشت: "به جای اختلاف در این وقت حساس، آمریکا را نشانه بگیرید" و چنین هم شد.

تعطیل مرکز عمده سازمانگری ضدانقلاب؛ پس از انقلاب، سفارت آمریکا همچنان مرکز اصلی توطئه تگری علیه مردم ایران ماند. طرح های گوناگون ضد انقلابی در این مرکز ریخته شده، تنظیم می گردید به عمال امپریالیسم و ضدانقلاب ابلاغ شده و به اجرا در می آمد. تمامی جریان های ضد انقلابی مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط با این مرکز فساد، عملیات خود را هماهنگ می کردند، "خط" می گرفتند، اطلاعات رد و بدل می کردند، پول دریافت کرده و علیه انقلاب فعالیت می نمودند. اسناد بدست آمده از لانه جاسوسی نشان داد که تمامی روزنامه ها و نشریات ضد انقلابی و وابسته نظیر بامداد، آیندگان، تهران مصور امید ایران و... بدون استثنا، با جاسوسان آمریکایی مستقر در سفارت تماس داشته اند. در یک کلام لانه جاسوسی به ستاد عمده مبارزه و توطئه علیه انقلاب ایران و سازمانگری ضدانقلاب بدل گردیده بود. افسوس سفارت به تعطیل این ستاد ضدانقلابی انجامیده و ضدانقلاب را از مرکز مهم



افشای اسلام آمریکایی

تسخیر سفارت فرصت تاریخی دیگری بود که مردم تفاوت سرشتی بین اسلام مردمی و اسلام آمریکایی را باز شناسند. اسلام انقلابی که در زیر رهبری امام خمینی متشکل شده بود بطور قاطع به حمایت از اقدام دانشجویان مسلمان برخاست اما در مقابل آن و اسلام آمریکایی با همه نیرو به مخالفت با تسخیر لانه جاسوسی کمر بست. اسناد منتشر شده از سوی دانشجویان مسلمان، پیوندهای اسلام آمریکایی با امپریالیسم آمریکا و از جمله رابطه "حزب خلق مسلمان" و برخی از روحانیون بزرگ با آمریکای جنایتکار را فاش ساخت. در نامه ای که در تاریخ بیستم آبان ۵۸ از سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه آمریکا فرستاده شده آمده است: "او (شریعتمداری) ابراز امیدواری کرد که آمریکا نباید احساسات ضد آمریکایی گسترده کنونی را به

عنوان احساسات تمام مردم ایران تلقی کند

ریشه های این نوع نگرش نسبت به اسلام با جان سختی تمام، امروز هم در انقلاب باقی مانده و هواداران آن در برابر اقدامات خلقی و مردمی نظیر اجرای بند ج، ملی کردن تجارت خارجی، حل مساله مسکن گرانی و... کارشکنی می کنند

آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند، بی اعتبار ساختن امپریالیسم در سطح منطقه:

زمانی با تحمیل حق کاپیتولاسیون از طرف امپریالیسم آمریکا مردم ایران، آمریکایی ها می توانستند هر جنایتی را مرتکب شوند، بدون آنکه محاکم ایران حق رسیدگی به جرائم آنان را داشته باشند. حق کاپیتولاسیون پس از انقلاب به زباله دان تاریخ فرستاده شد و مردم ایران برای نخستین بار امکان یافتند که به اراده خود، جاسوسان آمریکایی را که در

پوشش دیپلمات به فعالیت های ضد مردمی می پرداختند، به گروگان گیرند گروگانگیری جاسوسان آمریکا از سوی مردم ایران و اثبات این گفته امام که: "آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند"

ضربه ای عظیم بر اعتبار، نفوذ و قدر قدرتی امپریالیسم آمریکا در میان مردم ایران و جهان بار آورد، دول ارتجاعی را به هراس افکند و موجی از حرکت علیه امپریالیسم آمریکا را در کشورهای منطقه ایجاد کرد.

تسخیر جاسوسخانه نقطه آغاز روند تعیین مرز بیسن دوستان و دشمنان انقلاب. اشغال سفارت گام بسیار مهمی در جهت تعیین مرز دوستان و دشمنان انقلاب بود. همه نیروهای ضد-امپریالیست و پیشاپیش آنان جامعه کشورهای سوسیالیستی در برابر تهدیدات، توطئه ها و اعمال فحشار

بقیه در صفحه ۲۱

مردم میهن ما قاطع کامل

سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

بقیه از صفحه ۲۰

پایگاه اقتصادی

امپریالیسم آمریکا بطور همه جانبه به دفاع از انقلاب ایران پرداختند. اتحاد شوروی پیشینهاد امپریالیسم آمریکا مبنی بر محاصره اقتصادی را در سازمان ملل متحد وتو کرد. کشورهای دیگر سوسیالیستی اعلام داشتند که از ایران در برابر محاصره اقتصادی بلوک غرب دفاع خواهند کرد. سوریه لیبی الجزایر و... بارها حمایت کامل خود را از جمهوری اسلامی اعلام کردند در مقابل همه کشورهای امپریالیستی به سردمداری آمریکا همراه با دول ارتجاعی دست نشانده جهان به انواع توطئه ها و تهدیدها علیه انقلاب ایران توسل جستند. این صف بندی مردم ایران را قادر ساخت تا دوست و دشمن انقلاب خود را در پهنه گیتی روشن تر از پیش تشخیص دهند. در جبهه داخل نیز تسخیر سفارت آرایش جدیدی از طبقات و گروه های اجتماعی را به همراه آورد. گروهان گیری مبارزه پنهان میان دو گرایش موجود در انقلاب و جمهوری اسلامی را آشکار و عیان ساخت. جریان سازشکارانه و تسلیم طلب لیبرالیسم به مرکز عمده مخالفت با انقلاب

و شکل گروهها و اقلشار ضدانقلابی بدل شد. همه دشمنان داخلی انقلاب از کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، طرفداران اسلام آمریکایی، ساواکی ها و سیلی خوردگان از انقلاب حول این جریان گرد آمدند. در مقابل، پیروان خست خط ضد امپریالیستی و مردمی اسام خمینی نیز پیش از این برای ارگانها و نهادهای انقلابی متشکل شدند. هواداران مئی واقعی اسام خمینی در مقابل خط سازش که می کوشید برای پیشبرد اهداف خود زیر لوای اسلام و امام پنهان گردد، برای نخستین بار واژه "خط امام" را به مثابه تجلی گرایش انقلابی در مقابل گرایش لیبرالی بکار گرفتند. تسخیر جاسوسی خانه همچنین نقطه عطفی در زدودن برخی پیشداوریها و توهمات نیروهای انقلابی نسبت به یکدیگر و نزدیکی آنان به همدیگر و این گام بزرگی در هموار شدن راه برای رسیدن به "جبهه متحد خلق" بود سرنوشت و جایگاه آتشی تمامی گروه های سیاسی نیز با توجه به چگونگی موضع گیری آنها نسبت به این دو خط خط لیبرالیسم یا خست خط

ضدامپریالیستی و مردمی امام زخم خورد. گروهها، احزاب و سازمان هایی که در این عرصه نبرد به حمایت قاطعانه از خط امام برخاسته و جایگاه خود را در کنار آنان تعیین کردند، مدافعان صدیق و جان برکف انقلاب باقی ماندند. حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که پیگیرانه از انقلاب دفاع می کردند با بهره برداری انقلابی از این اقدام تاریخی در جهت توسعه بخشیدن و تعمیق بردن آگاهی های ضد-امپریالیستی توده های میلیونی شایستگی انقلابی فراوان از خود نشان دادند و خدمات ارزنده ای را در زمینه شناساندن دشمنان آشکار و پنهان توده های خلق، به انقلاب نمودند.

در مقابل، کلیه آن جریاناتی که به بهانه ها و عناوین مختلف راه مبارزه با خط ضد امپریالیستی و خلقی امام را پیشه ساختند، هر روز بیشتر از اردوی انقلاب دور شده و به مواضع و سیاست های لیبرالی در غلطی بند گروه های اقلیت و راه کارگر در ادامه ضدیت با خط امام به سرنوشت غمبار کنونی دچار شدند. اما مجاهدین خلق بارزترین تجلی این "انتخاب اشتباه" بودند.

رجوی و شرکا، در ابتدا علیرغم میل خود مجبور به تأیید این حرکت عظیم مردم گردیدند و حتی کوشیدند فرصت طلبانه از این حرکت

در جریان افشای هایی که نه برای آموزش توده ها، بلکه به عنوان چماقی برای تصفیه حساب های گروهی، زیر چتر خط امام بکار می رفت ماهیت دلال صفت این جریان مدعی اسلام (منظور دانشجویان پیرو خط امام) آشکار گشت و پوچی دعاوی اثبات رسید!"

مراکز اطلاعاتی نفوذ کرده و از امکانات دولتی به سود مقاصد خود استفاده می نماید. حریانی که جز دشمنی با رهبری امام و دشمنی با نیروهای اصل هوادار سوسیالیسم علمی، هدف دیگری برای خود نمی شناسد، و به قول حجت الاسلام جنئی علیرغم پنجاه سال سلطه جايرانه امپریالیسم آمریکا در مین ما، این جریان آمریکا را ول کرده و شعارنه شرقی را جسیده است! و این یعنی همان اسلام بزرگانها و بنی صدرها، یعنی همان اسلام سرمایه داران و زمینداران بزرگ یا به قول امام اسلام آمریکایی که در پوشش ظاهر فشری به مذهب از هیچ جنایتی علیه نیروهای انقلابی مدافع حقوق محرومان خودداری نمی کند از نظر ما آنچه راهنمای عمل جنایتکاران وابسته به گروه "شیت" و نظایر آن می باشد نه اسلام مستضعفان و محرومان، بلکه اسلام سرمایه داران و زمینداران بزرگ است. اسلامی که در مین ما برجم مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و دفاع از حقوق محرومان را برافراشته، هیچگاه بر اعمال ضد انسانی گروه شیت و نظایر آن صحنه نمی گذارد و از آن سبزازی می جوید. هواداران سوسیالیسم علمی نیز همواره از جنین اسلامی پشتیبانی کرده و هر اندازه انقلاب جهت تأمین حقوق محرومان سمت گیری نماید این پشتیبانی با قاطعیت تمام ادامه خواهد یافت. نیروهای

در جهت اهداف خائنانه خود سواستفاده کنند. رجوی و شرکا، با بازی گرفتن عواطف ضد امپریالیستی و مردمی هواداران خود ریاکارانه زمینه را آماده کردند تا بعدا در مخالفت ضد انقلابی شان با تسخیر جاسوسی خانه، آنها را همسراه خود داشته باشند.

و هنگامی که رجوی و هیالکی هایش زمینه را مناسب یافتند، با یک چرخش قلم "دانشجویان قهرمان پیرو خط امام را تبدیل به "جریانی دلال صفت کردند و "اراده ضد امپریالیستی" مردم ایران مبنی بر "تسخیر لانه جاسوسی" را "چماقی برای تصفیه حساب های گروهی معرفی نمودند. باند رجوی وقیحانه در نشریه مجاهد اعلام کرد:

"در جریان افشای هایی که نه برای آموزش توده ها، بلکه به عنوان چماقی برای تصفیه حساب های گروهی، زیر چتر خط امام بکار می رفت ماهیت دلال صفت این جریان مدعی اسلام (منظور دانشجویان پیرو خط امام) آشکار گشت و پوچی دعاوی اثبات رسید!"

اکون دو سال از تسخیر سفارت می گذرد. بسیاری از دستاوردهای این عمل قهرمانانه آشکارتر از آن است که حتی دشمنان انقلاب بتوانند آن را انکار کنند اما علیرغم تعطیل این لانه جاسوسی امپریالیسم

اصل سوسیالیسم علمی در گذشته در بدترین شرایط، هنگامی که بازرگانها، قطب زاده ها و بنی صدرها مصدر امور بودند و جبهه انقلاب را تیره می ساختند، قاطعانه از خط ضد امپریالیستی و مردمی اسام خمینی دفاع کردند. این پشتیبانی با طرد نغاله های آمریکایی نه تنها کاستی نخواهد گرفت، بلکه قاطعانه تر از پیش ادامه می یابد. زیرا آنچه ما را در یک صف واحد قرار می دهد، مبارزه مشترک با امپریالیسم آمریکا و دفاع از حقوق محرومان در مقابل غارتگران جهانی است. انقلاب، تروریسم را در هر شکل و هیئتی درهم می شکند. خواه در شکل دستجات تروریست سلطنت طلب و ساواکی و مزدوران سیا باشد، خواه در هیئت رهبری خیانتکار مجاهدین و خواه در شکل و شمایل جنایتکاران حرفه ای گروه شیت و نظایر آن و این ذره ای از مسئولیت بزرگ مسئولین و سبادهای انقلابی مبنی بر ضرورت تأمین آزادی های سیاسی و تلاش بیگانه به خاطر اجرای صحیح قانون اساسی نخواهد کاست.

ما بار دیگر از مقامات قضایی کشور می خواهیم که جنایتکاران باند ضد انقلابی شیت را دستگیر و مجازات نمایند. بیگیری و قاطعیت انقلابی در این زمینه شرط ضرور برای استقرار قانون در جامعه است.

بقیه از صفحه ۶

با تعقیب و مجازات باند جنایتکار شیت

این حقیقت را درک کنند که اعمال فشار و تضییق نسبت به دگراندیشان مدافع انقلاب و مسامحه کاری در مقابل قانون شکنان با هر عنوانی که صورت گیرد، جز به زیان انقلاب و دامن زدن به هرج و مرج مورد نظر امپریالیسم آمریکا نخواهد بود. بدون تردید انقلاب در روند روبه گسترش خود، جریان متکی به اسلام آمریکایی را نیز چون جریان بنی صدر طرد می کند. سخنان حجت الاسلام جنئی امام جمعه قم و عضو شورای نگهبان، خطاب به انجمن ضد بهائیت (حجتیه)، حکایت از این روند رو به گسترش دارد. این سخنان همچنان حکایت از نفوذ گسترده جریان خطرناکی چون انجمن حجتیه در نهادهای انقلابی دارد، که در بسیاری از

تصفیه مدیران و روسای ضد انقلابی وزارت نفت گامی در راستای تعمیق انقلاب

تغییر نوبت کاریها ، حذف حق نوبت کاری و حق کارگاهی و اضافه کاری و نیز لغو تعطیل هفتگی کارکنان صنعت نفت ، همه و همه اقدامات و تدابیر حساب نشده و ناموجهی است که به سختی شرایط کار و زندگی توده کارکنان این صنعت می افزاید که این به خودی خود باسنت گیری مردمی و عدالت خواهانه انقلاب منافات دارد .

در طی چند هفته اخیر ، به دنبال انتصاب آقای غرضی به وزارت نفت ، تدابیر و اقدامات جنبدی در سطح وزارت نفت و پالایشگاه های سراسر کشور اتخاذ شده است که توجه به وجوه گوناگون مثبت و منفی آنها از یکسو و نیز بازتاب های مختلفی که این اقدامات ، به ویژه در میان کارکنان زحمتکش این صنعت از سوی دیگر داشته اند هم به واسطه حساسیت شرایط و هم به اعتبار اهمیت که صنعت نفت در حیات اقتصادی و سیاسی جامعه ما دارد ، حائز اهمیت است . اقدامات انجام شده در دو جهت عمده زیر صورت گرفته است :

۱ - برکناری مدیران و روسای لیبرال و سازشکاری نظیر : دکتر صادق آیت اللهی (معاون وزیر) ، مهندس لوح (رئیس کمیسیون پاکسازی) ، مهندس بوشهری (معاون امور اداری و مالی) ، مهندس سادات (کفیل وزارت نفت و سرپرست شرکت ملی گاز) ، مهندس اجل لوثیان (معاون وزیر در امور پتروشیمی) ، رضاعظمی (سرپرست امور بین المللی نفت) و شهریاری (مدیر امور اداری) . همچنین لغو کلیه احکام صادره از طرف سادات در رابطه با دفتر خرید کالا در لندن .

۲ - صدور بخشنامه هایی که متضمن تشدید فشار به شرایط کار و زندگی کارگران بوده اند . این بخشنامه ها شامل موارد زیر می شده اند :

الف - تغییر نوبت کاری های کارکنان نوبتکار که به ویژه این امر مرکز نقل تشنج در پالایشگاه های سراسر کشور در خلال هفته های اخیر بوده است

ب - کم کردن ۵٪ حق نوبتکاری به کارکنان نوبتکار .

ب - کم کردن ۱۰٪ حق کارگاهی که به کلیه کارکنان پالایشگاه ها و کارگاه های خطوط لوله و و پخش تعلق می گرفته است

د - کم کردن اضافه کاری های کارگران و همچنین اجرای لایحه شورای انقلاب در زمینه تعلق گرفتن مالیات بر حق اولاد

تشدید فشار به کارگران : ضربه ای به انقلاب

تغییر نوبت کاریها ، حذف حق نوبتکاری و حق کارگاهی و اضافه کاری و نیز لغو تعطیل هفتگی کارکنان صنعت نفت ، همه و همه اقدامات و تدابیر حساب نشده و ناموجهی است که از یکسو به سختی شرایط کار و زندگی توده کارکنان این صنعت می افزاید که این به خودی خود باسنت گیری مردمی و عدالت خواهانه انقلاب منافات دارد و به همین دلیل اقدامی غیراصولی ، غیرمنطقی و غیرانقلابی است . و از سوی دیگر در شرایط حساس کنونی که انقلاب در معرض انواع توطئه ها و ترندهای جنبه براندازی به سرکردگی آمریکای غارتگر بوده و از تحکیم و گسترش پایگاه مردمی انقلاب و به ویژه تجهیز بلاواسطه توده میلیونی کارگران و زحمتکشان در دفاع از دستاوردهای انقلاب ، ضرورتی درنگ ناپذیر است ، چنین اقداماتی نه تنها کمکی به تحکیم انقلاب نمی کند ، بلکه با ایجاد و گسترش نارضایتی در میان زحمتکشان و تیزکردن آتش کارزار تبلیغات ضدانقلابی ، اردوی انقلاب را تضعیف و جنبه دشمنان انقلاب را تقویت می کند .

علل عینی و واقعی چنین تصمیماتی چیست ؟!

از میان علل و عوامل مختلفی که در اتخاذ چنین تدابیر ناسنجیده ای نقش داشته اند ، می توان به طور عمده بر دو عامل انگشت

مواقع گوناگون ، بر ضرورت پاکسازی انقلابی در سازمانها و نهادهای دولتی و صنعتی و از آن جمله واحد معظم و مهم تولیدی ای نظیر صنعت نفت پای فشرده ایم ، هرگونه تعلل و مسامحه را در این زمینه محکوم نموده ایم و نشان داده ایم که چگونه این عناصر یا با شایعه پراکنسی و دشواری هایی که عمدتا خود عامل و موجد اصلی آنها بوده اند ، محیط پالایشگاه ها را به آشوب و تشنج می کشاند ، در تولید اختلال و وقفه ایجاد می کنند . و از این طریق به انجام و تکوین نقشه های شات زدائی اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی جنبه متحد براندازی به سرکردگی آمریکای جنایتکار یاری می رسانند . ما امروز از اینکه مسئولین طراز اول دولت جمهوری اسلامی یک گام دیگر به سوی شاخت دشمنان واقعی انقلاب و جمهوری اسلامی نزدیک شده اند ، خوشحالیم و از پاکسازی های انقلابی انجام شده در سطح مقامات بالای وزارت نفت پشتیبانی می کنیم . اما در عین حال متأسفیم که یکبار دیگر مسئولین صادق و انقلابی جمهوری اسلامی در کنار تصمیم درست خود مبنی بر پاکسازی عناصر لیبرال و سازشکار از سطوح بالای یک وزارتخانه مهم ، تدابیر ناسنجیده و شتابزده ای نیز اتخاذ نموده اند که بیش از هرچیز موجبات نارضایتی توده کارکنان این صنعت از یکسو و شادی دشمنان انقلاب را از سوی دیگر فراهم می سازد .

کارگران - لغو تعطیلی کارکنان پالایشگاه ها در روزهای پنجشنبه . یک نگاه گذرا به لیست تصمیمات اتخاذ شده ، نشان می دهد که چگونه دولت جمهوری اسلامی و به ویژه وزیر جدید نفت آقای غرضی از یکسو می کوشد تا با پیشبرد پیگیرانه پاکسازی های انقلابی به حضور عناصر لیبرال و سازشکار در مواضع تصمیم گیرنده نهاد دولتی و صنعتی مهمی نظیر وزارت نفت ، خاتمه دهند و از سوی دیگر با اتخاذ تصمیمات ناسنجیده و شتابزده ، موجبات نارضایتی و دل سردی توده کارکنان زحمتکش را که از هیچ گونه فداکاری و ایثار در راه دفاع از انقلاب دریغ ندارند ، فراهم سازند .

پاکسازی دشمنان انقلاب : اقدامی انقلابی

پاکسازی انقلابی عناصر ضدانقلابی ، لیبرال و سازشکاری که یا با کارشنکی و اخلاص گری های خود در جریان تولید و یا با شایعه پراکنسی و نارضایتی تراشی های خود در محیط کار ، همچون موریانه ، انقلاب را از درون خورده و در برابر روند تحکیم و زرفای انقلاب ، مانع ایجاد می کنند ، امری به غایت سودمند ، و ضرور برای حفظ دستاوردهای انقلاب بوده ، و لذا انجام پیگیر و قاطع آن مورد تأیید و پشتیبانی کامل همه نیروهای راستین مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی است . ما همواره پس از پیروزی انقلاب تاکنون در

نهاد :
الف - کمبود بودجه
ب - بینش و روحیه برابری طلبی کاذب برخی از مسئولین امور و از آن جمله آقای غرضی . بر اساس چنین نگرش و برداشتی از "برابری" و "عدالت" ، باید حقوق و شرایط کار نفتکاران با حقوق و شرایط کار کارگران کوره پزخانه ها ، انطباق یابد .

از میان دو عامل فوق ، تنها عامل اول یعنی کمبود بودجه را می توان یک دلیل جدی و در جای خود قابل تعمق و بررسی دانست

کمبود بودجه می تواند تا حدی توجه کننده برخی از صرفه جوئی های فوق باشد . اما جبران آن نه تنها به هیچ روی با تشدید فشار اقتصادی به زحمتکشان ملازمه ندارد بلکه در عین حال به اختلال و نابسامانی های اقتصادی موجود نیز بیش از پیش می افزاید . اما عامل دوم در واقع و بیش از هر چیز یک گرایش و نگرش انحرافی در مساله "سطح" و برابری است که اگر قرار باشد به سطح دیگر مسئولین و مقامات جمهوری اسلامی نیز بسط و تعمیم یابد ، می تواند چه از نظر دشواری هایی که به طور عینی در شرایط کار و زندگی بخشی از کارگران ماهر و صنعتی ما ایجاد می کند و چه از نظر موانعی که بر سر راه رشد و تعالی اقتصادی علمی و فنی جامعه انقلابی ما فراهم می سازد ، منشاء زیان های فوق العاده جدی برای حال و آینده جمهوری اسلامی ایران و روند تثبیت ، تحکیم و زرفای انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی میهن ما باشد . دولت جمهوری اسلامی باید با انجام دگرگونی های بنیادین در همه شئون حیات جامعه ، آنچنان انقلاب را درمسیر پیشرفت اقتصادی و اجتماعی رهنمون شود و بدان گونه راه اصلی تکامل و ترقی را در برابر جامعه انقلابی میهنمان هموار نماید که شرایط طاقت فرسا و نازل کار و زندگی کارگران کوره پزخانه ها نه تنها به سطح فعلی شرایط

بقیه در صفحه ۲۳

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پشتتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

عاشورای حسینی را به همه شیعیان جهان

تسلیت می گوئیم

تصفیه مدیران و روسای ...

در تاریخ خلقها و ملت‌ها روزهایی هستند که با زندگی و حیات اجتماعی آن خلق عمیق‌ترین رابطه‌ها و پیوندها را یافته و در واقع با آن عین شده است. پیوند میان این روزها و نسل‌ها از توده‌های مردم تنها بدین خاطر نیست که این روزها در گذشته تاریخی این مردم نقش داشته و تصویرگر یک رویداد تاریخی هستند بلکه همچنین و مهمتر از آن بدین خاطر است که این روزها در زندگی روزمره، در حال و حتی در آینده این مردم، بیدارکننده خواست‌ها و آرزوهایی است که برای زندگی شایسته آدمی در سر و جان دارند. و پیوسته و در طول تاریخ منبع الهام، حرکت و مبارزه این توده‌ها بوده است.

انقلاب ضداستبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی ایران قائل شد. در انقلاب خونبار میهنمان به حکم ماهیت ترقی‌خواهانه و مردمی آن تمامی سنن تاریخی و منجمله حماسه عاشورا به‌گونه‌ای انقلابی زنده شد. "عاشورا" دیگر علیرغم آنچه که "شیعه صفوی و پهلوی" اشاعه می‌داد، تنها روز مرثیه نبود عاشورا دیگر تنها وسیله اشک‌ریزی و سوگواری نبود. عاشورا دیگر روز قه‌زنی و "به گل نشستن" نبود. عاشورا تجسم حماسه، الهام‌بخش مبارزه مردم و بیان خشم و کینه نهفته توده‌های خلق علیه نظام شاهنشاهی و امریکای جنایتکار شد. "عاشورا" در خیزش توده‌های خلق وسعت و عمق می‌یافت و در فریاد خشم توده‌های مردم که می‌خواست همه روزها، روز سرد و حماسه باشد تکرار می‌گشت و در این راستا دیگر نه ضمه‌های مذبوحانه و عاظ‌السلطنین و نه ترفندهای سازشکاران نمی‌توانست چاره‌ساز باشد. عاشورای ۵۷ که در آن اولین جرقه‌های پیروزی بر خط سازشکاران و لیبرال‌ها جهیدن گرفت. نشان داد که در دریای متلاطم و خروشان توده‌ها دیگر نمی‌توان در عاشورا تنها به سوگواری نشست. لیبرال‌ها کشته در تاسوعای ۵۷ می‌کوشیدند جنبه ضدسلطنتی ضدامپریالیستی و ظلم‌ستیز مبارزه توده‌های مردم را که به‌گونه‌ای بی‌سابقه در صفوف میلیونی به راه‌افتاده بودند کم‌رنگ و حتی خاموش سازند و با تمام توان می‌کوشیدند که از نشانه‌رفتن خشم بیکران توده‌ها به سوی یزید زمانه جلوگیری کنند در عاشورا بیگمان اولین و شاید بزرگترین شکست خود را به چشم دیدند. عاشورای ۵۷، صفوف میلیونی مردم، خشم‌ها می‌فشانید گره کرده تنها بیان یک فریاد بود:

شیطان بزرگ بیا می‌گشت. اکنون در هر گوشه میهن ملت‌همان نمونه‌های بشمار ایثار، حماسه و قهرمانی جان می‌یافت. و برآستی که دیگر بار عاشورا مظهر قهر ظلم‌ستیزی طغیان علیه عمودیت و بردگی و روز ایثار می‌گشت.

کار و زندگی کارگران بخش‌های پیشرفته صنعت نظیر نفت‌برسد بلکه در عین حال همراه با آن به سطحی به‌مراتب بالاتر که در خور جامعه انقلابی میهن ماست نیز ارتقا باید. تنها با اتخاذ تدابیر فاطح، بی‌گیری و عاجل انقلابی در جهت ایجاد تغییرات ژرف و بنیادی ضرور در شرایط دشوار کار و زندگی همه کارگران میهنمان، همراه با هدایت بی‌ترزلزل استوار و طبق نقشه جامعه میهنمان در راه اصلی پیشرفت اقتصادی و اجتماعی که متضمن ترقی علمی و فنی در همه رشته‌های اقتصاد ملی و مالاگسترش اتوماسیون و مکانیزاسیون در همه شاخه‌های تولید و خدمات است، می‌توان و باید به بهبود شرایط کار و اعتلای سطح زندگی همه بخش‌های طبقه کارگر و زحمتکشان انقلابی میهنمان یاری رساند و از این طریق به آرمان‌های انسانی و برابری و عدالت اجتماعی به مفهوم واقعی کلمه، تحقق و تعیین بخشد.

مقدار زیادی از مفکران متخصص و تکسین با خواهران بازنشستگی خود شوند و یا خواستار انتقال خود به قسمت‌های اداری وزارت نفت گردند که این امر نیز در جای خود روند تولید در این صنعت را دچار اختلال و وقفه می‌سازد.

زمینه مناسب برای تحریکات دشمنان انقلاب. متأسفانه همان‌گونه که بارها دیده‌ایم و این بار نیز قابل پیش‌بینی بود، اتخاذ این قبیل تصمیمات شتاب‌زده و مالا غیر انقلابی، نه تنها اثر مثبت تدابیر و اقدامات قاطع انقلابی را که در همان زمان و یا قبل از آن انجام یافته‌اند، حداقل برای مدتی خنثی نموده، آنها را به محاق فراموشی می‌سپرد، بلکه در عین حال شرایط مساعدی نیز برای تبلیغات و تحریکات ضدانقلابی دشمنان انقلاب فراهم می‌نماید. این بار نیز در همان نخستین روزهای پس از صدور بخشنامه‌های آقای غرضی، ماشین تبلیغاتی مدیران و سرپرستان و به‌طور کلی عناصر لیبرال صنعت نفت، بار دیگر به کار افتاد و کارزار تحریک، توطئه و تشنج آغاز شد. لیبرال‌ها باز هم خود را "دلسوز" کارگران و مدافع بی‌گیری منافع و حقوق پایمال شده آنان جا زده‌اند و در پس پرده دود تشنجی که خود به آن دامن می‌زدند، چهره کریه ضدانقلابی و بارها افشاء شده خود را پنهان نمودند. ما یکبار دیگر به مسئولین امور و به‌ویژه به آنان که در مواضع ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی جای دارند و در صداقت انقلابی‌شان تردیدی نیست، هشدار می‌دهیم که از این قبیل تصمیمات و اقدامات نابخردانه تنها زخم‌خوردگان از انقلاب و همه اجزاء ریز و درشت جنبه متحد براندازی به‌سرکردگی امپریالیسم‌ها و تجاوزگر آمریکا، سود می‌برند. هشیار باشیم

ترزل سطح زندگی و دشوارتر کردن شرایط کار نفعگران. نه تنها موجبات نارضایتی این بخش از طبقه کارگر میهنمان را که با ایثار و جانفشانی‌های خود نقش بسزایی در به‌ثمر رساندن و پیروزی انقلاب در بهمن ۵۷ و نیز تحکیم و گسترش آن (از بهمن ۵۷ تا امروز) داشته است - فراهم می‌آورد، بلکه در عین حال، برخلاف تصور باطل کج‌اندیشان هیچ‌گونه کمکی به بهبود شرایط کار و زندگی کارگران کوره‌پزخانه‌ها نیز ننموده و تنها به ایجاد برابری کاذب در شرایط کار و زندگی آنها با نفعگران یاری می‌رساند. همچنین انگیزه کم‌کردن ۱۰٪ حق کارکنان (که تاکنون به کارکنان پالایشگاه و کارگاه‌های خطوط لوله و پخش تعلق می‌گرفته است) نیز بی‌اعتنائی و بی‌توجهی مطلق به عواملی چون تخصص، سختی کار، پیچیدگی کار است. اتخاذ چنین تصمیمی نیز به‌نوبه خود، موجب شده است تا

پیروان صدیق سوسیالیسم علمی که پیوسته با بیشترین احترام به معتقدات مذهبی و ملی مردم می‌نگرند از آنجایی که هدف نهایی و اساسی‌شان رهایی بشریت از قید ظلم و استثمار است همیشه آن سنن ملی و مذهبی را که جوهر ترقی‌خواهانه داشته و در جهت مبارزه با پیداد و ظلم و ترویج روح آزادیخواهی و ظلم‌ستیزی بوده است پاس داشته و در خدمت مبارزات مردم علیه ظلم و ستم و نابرابری درآورده‌اند. به امید تعمیق هرچه بیشتر انقلاب خونبار میهنمان و به امید الهام‌گیری هرچه بیشتر از محتوی حماسه عاشورا، فرارسیدن این روز را به همه شیعیان جهان بویژه هم‌میهنان عزیزمان تسلیت می‌گوییم.

بیگمان چنین روزی است. حسین بن علی "سومین امام شیعیان علیه" یزیدین معاویه و اشراف قریش در دهم محرم سال ۶۱ هجری قمری و حماسه ایثارگرانه و ظلم‌ستیز او و یارانش پیوسته الهام‌بخش مبارزات توده‌های انقلابی میهنمان علیه ظلم و ستم بوده است. گرچه خلفای اموی و عباسی سعی داشتند که خاطره این رویداد تاریخی را از ذهن توده‌های مردم بزدایند و نیز پادشاهان و حکام مستبد به کمک "عاظ‌السلطنین" بر آن بودند که با محور جنبه‌های حماسی و ظلم‌ستیز این رویداد و با مسخ و دیگرگونه کردن آن از آن سنتی مخدرسازندوآن را فقط در خدمت سوگواری و اشک‌ریزی بکار گیرند، ولی توده‌های مردم ما، این سازندگان واقعی تاریخ، در طول تمامی سده‌های پس از شهادت "حسین" با الهام از "عاشورای حسینی" پیوسته پرشورترین حماسه‌های تاریخی را علیه خلفای جابر شاهان و حکام مستبد آفریدند.

در تاریخ معاصر میهنمان جنبش مشروطه ایران نقش مهمی در زنده‌کردن جنبه‌های حماسی و ظلم‌ستیز "عاشورا" ایفاء کرد ولی به حق می‌توان بیشترین نقش را در این رابطه و در احیاء سنن حماسی و انقلابی برای

جنبش صلح

همچنان در حال گسترش است

به دنبال اوج‌گیری مبارزات صلح در شهرهای اروپا هفته گذشته اسپانیا نیز شاهد مخالفت توده‌های این کشور با سیاست‌های جنگ‌افروزان امپریالیستی بود. این تظاهرات که به دنبال طرح پیوستن اسپانیا به ناتو برگزار شد با صدای بلند مخالفت مردم اسپانیا را علیه پیوستن این کشور به اتحادیه نظامی امپریالیستی - ارتجاعی ناتو اعلام نموده و خواستار برقراری یک همه‌پرسی برای این مسئله شدند.

هزاران تظاهرکننده اسپانیایی در حالی که پرچم آمریکا را در اعتراض به سیاست استقرار موشک‌های اتمی در اروپا آتش می‌زدند، خواست خود را مبنی بر حفظ صلح اعلام نمودند.

همچنین به گزارش خبرگزاری‌ها در ایتالیا نیز در ادامه تظاهرات هفته‌های گذشته تظاهرات وسیع دیگری برگزار شد.

سایر شهرهای اروپا نیز در هفته گذشته شاهد گسترش امواج مبارزه با سیاست‌های جنگ‌افروزان ناتو و امپریالیسم آمریکا و مبارزه در راه حفظ صلح جهانی و دستاوردهای بشریت مرفی بود.

به رسمیت شناختن جبهه آزاد یبخش خلق السالوادور - فارابوندومارتی و جبهه دموکراتیک انقلابی السالوادور اقدامی ساینسته و درخور انقلاب

وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در هفته گذشته طی یک بیانیه رسمی اعلام نمود که جبهه آزادیبخش خلق - فارابوندومارتی و جبهه دموکراتیک انقلابی السالوادور را به رسمیت شناخته است. لازم است یادآوری است که جبهه آزادیبخش دربرگیرنده نیروهای انقلابی السالوادور و جبهه دموکراتیک شامل نیروهای متشکل جبهه آزادیبخش و سایر گروه‌ها و عناصر دمکرات میهن‌پرست و ضد رژیم حاکم در این کشور می‌باشد. این اقدام جمهوری اسلامی عملی ساینسته و درخور انقلاب است که خود را در جبهه واحدی با تمامی نیروهای ضدامپریالیست جهان همسنگ می‌یابد. جا دارد که دولت جمهوری اسلامی این سیاست را در مورد برخی نیروهای آزادیبخش دیگر که هنوز رسماً مورد حمایت جمهوری قرار نگرفته‌اند گسترش دهد.

با تعقیب و مجازات باند جنایتکار "شیت" در کرمانشاه از قانونیت دفاع کنیم

● باند جنایتکار "شیت" پس از شکنجه و قتل فجیع بهروز هاشمی از هواداران فعال سازمان برای آنکه هویت وی فاش نشود، پوست صورت بهروز را گنداند. این باند دست در کار جنایات تازه‌ای علیه انقلاب است.

● اعضای جنایتکار این باند که در ظاهر خود را مدافع سرسخت اسلام و دشمن تمام جریان‌های غیر "مکتبی" معرفی می‌کنند، دارای کارنامه سنگینی است که شکنجه و قتل فعالین سیاسی مدافع انقلاب از جمله آن است.

در صفحه ۶

برای تحکیم اتحاد و همبستگی نیروهای انقلاب برای آنکه مشتی محکم بر دهان امپریالیسم آمریکا و وابستگانش فرود آوریم و برای ارج نهادن به خاطره شهدای دانش‌آموز و دانشجو

هفته دانش‌آموز را هرچه باشکوه‌تر برگزار کنیم

سازمان دانش‌آموزان پیشگام ایران
۶/۸/۸

رفقا و دوستان گرامی!

این مسلم است که انقلاب برای اینکه به ثمر بنشیند خلق باید قربانی‌های بسیار نثار کند. لکن وظیفه هر انقلابی است که در دشوارترین شرایط نیز همواره با پای‌بندی به اصول و برای تحقق آرمانی که تبلور خواست انقلابی توده‌هاست، بکوشد و در این راه از تمامی طرق ممکن برای کاستن از زبان‌ها بهره‌گیرد. سرعت‌العجل شما در گزارش دقیق هر مورد بازداشت تصادفی و غیر تصادفی اعضا و هواداران شناخته‌شده اکثریت می‌تواند در کاهش لطماتی که در اثر اشتباهات و ناسامانی‌ها و تراکم کار دادگاه‌ها و زندان‌ها و یا در اثر غرض‌ورزی‌های احتمالی عناصر منحرف و مشکوک و عوامل نفوذی دشمن ممکن است متوجه هواداران بازداشت شده گردد، موثر واقع شود.

بدین وسیله یک بار دیگر از شما می‌خواهیم که با احساس مسئولیت انقلابی، به‌مجرد اطلاع از دستگیری اعضا و هواداران سازمان، فوراً نام، شهرت نام پدر، شغل، علت و نحوه دستگیری و تاریخ آن را کتبا به سازمان برسانید تا پس از تحقیق نماینده سازمان از وضعیت و سوابق و احراز هویت سیاسی هریک از آنان، اقدامات قانونی برای رفع شبهه و ممانعت از اعمال نفوذ مفرضین و آزادی اعضا و هواداران سازمان، به عمل آید.

پیش‌پسوی تشکیل حزب طبقه کارگر